بسم الله الرحمن الرحیم

غیر قابل فروش

﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ﴾

سوره کهف، آیه ۴۱

بسم الله الرحمن الرحیم

الحَمدُ للهِ رَبِّ العالمین و صلّی الله عَلی سَیِّدِنا وَ نبیِّنا مُحمَّد وَ آلِهِ الطاهِرینَ

به لطف خداوند و عنایت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، حدود ۵۰ سال است که به امر تبلیغ دین برای عموم مردم به ویژه نسل جوان مشغول هستم و علاوه بر مباحث درسهایی از قرآن که هر هفته از تلویزیون پخش می‌شود، یک دوره اصول عقاید، فروع دین و تفسیر قرآن به نگارش درآورده‌ام که همه‌ی آنها در نرم افزاری تحت عنوان«مجموعه آثار» جمع آوری و منتشر گردیده است.

حجت الاسلام والمسلمین حسن ملایی از فارغ التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم، به سفارش انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف مطالب مرتبط با عنوان کتاب را از مجموعه آثار بنده استخراج و پس از تدوین، به شکل حاضر عرضه کرده‌اند.

امید است تلاش ایشان مورد قبول حضرتش واقع شده و برای خوانندگان مفید واقع شود.

محسن قرائتی

غیر قابل فروش

نماز و مهدویت



بر اساس آثار محسن قرائتی

به کوشش حسن ملایی

سرشناسه : قرائتي، محسن، ۱۳۲۴ - Qeraati, Mohsin
عنوان و نام پدیدآور :نماز و مهدویت بر اساس آثار محسن قرائتی/ به کوشش حسن ملایی.
مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری :۱۵۲ ص.؛ ۱۴×۲۱س‌م.
شابک :۰-۰۰-۹۸۱۴-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۵۰ - ۱۵۲.
موضوع : نماز -- تاثیر Salat -- Influence
موضوع : مهدویت -- انتظار Mahdism -- *Waiting
موضوع : نماز -- جنبه‌های قرآنی Salat -- Qur›anic teaching
شناسه افزوده : ملایی، حسن، ۱۳۵۶ -، گردآورنده
رده بندی کنگره : BP۱۸۶
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۳
شماره کتابشناسی ملی : ۷۵۹۵۴۵۰
وضعیت رکورد : فیپا

نماز و مهدویت

تدوین‌گر: حسن ملایی (براساس آثار محسن قرائتی)
گرافیک: مسعود سلیمانی
ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف
چاپخانه: سُرور
نوبت چاپ: سوم / پاییز ۱۴۰۴
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه (تاکنون ۴۰۰۰ نسخه)
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۱۴-۰۰-۰
قیمت: ۱۵۰،۰۰۰ تومان

غیر قابل فروش

قم: جمکران/بلوارانتظار/مجتمع‌باوران حضرت مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف
تلفن: ۰۲۵-۳۷۲۵۴۸۴۰/ ۰۲۵-۳۷۲۵۴۹۵۱
تهران: خیابان طالقانی/میدان فلسطین/شماره ۳۸۷/
تلفن: ۰۲۱_۸۸۹۰۰۰۵۹/

www.mahdaviat.ir
info@mahdaviat.ir
Entesharatbonyad@chmail.ir

دفاتر بنیاد حضرت مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در استان‌ها پاسخگوی درخواست‌های متقاضیان کتاب و محصولات فرهنگی بنیاد و مرکز تخصصی مهدویت می‌باشد.

فهرست مطالب

سخن آغازین: جایگاه امامت و مهدویت ۱۰

بخش اوّل: مشترکات نماز و مهدویت

فصل اول. جایگاه مشترک نماز و مهدویت در اسلام ۱۸

۱. عبادت بودن نماز و انتظار ظهور ۱۸

۲. بندگی و رستگاری، هدف مشترک نماز و مهدویت ۲۲

۳. یادآوری نماز و حکومت جهانی صالحان در تمام ادیان ۲۸

۴. نماز و امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف عهد الهی ۳۰

۵. نماز و مهدویت، عامل قبولی سایر اعمال ۳۲

۶. نماز و امام مهدی، سبب شفاعت ۳۴

فصل دوم. آثار مشترک نماز و مهدویت ۳۸

۱. باقی ساختن فانی ۳۸

۲. تبدیل مادیّات به معنویات ۳۸

۳. سازندگی فرد و جامعه ۳۹

۴. جهت‌دهی رفتارها ۳۹

فصل سوم. شرایط مشترک صحت و قبولی نماز و انتظار ۴۱

الف) شرایط قبولی ۴۳

۱. شرط اعتقادی: ایمان به خدا ۴۳

۲. شرط سیاسی: ولایت ۴۴

۳. شرط اخلاقی: تقوا ۴۵

۴. شرط اقتصادی: ادای حق مردم ۴۶

۵. شرط اجتماعی: خیرخواهی نسبت به دیگران ۴۶

۶. شرط خانوادگی: خوش‌رفتاری ۴۷

غیر قابل فروش

ب) شرایط کمال ۵۰
۱. مشکل‌تر باشد ۵۰
۲. مهم‌تر باشد ۵۱
۳. اثرش پایدارتر باشد ۵۱
۴. در خطّ پیامبر باشد ۵۲
۵. در شرایط دشوار انجام شود ۵۳
۶. نشاط و دوام داشته باشد ۵۳
۷. عبادت خود را بزرگ نشمارد ۵۴
۸. با بصیرت باشد ۵۴
فصل چهارم. آداب مشترک نماز و انتظار ظهور ۵۵
۱. آگاهانه ۵۵
۲. عاشقانه ۵۶
۳. خالصانه ۵۶
۴. خاشعانه ۵۷
۵. مخفیانه ۵۸
۶. مستمرانه ۵۸
۷. فرصت‌طلبانه ۵۹
۸. صبورانه ۶۰
۹. توسعه‌گرانه ۶۰
فصل پنجم. آفات مشترک نماز و انتظار ظهور ۶۲
۱. ریا و خودنمایی ۶۲
۲. عُجب و خودخواهی ۶۲
۳. خطا و گناه‌کاری ۶۲
۴. لج‌بازی ۶۳

غیر قابل فروش

۵. روشنفکر زدگی..... ۶۴
۶. مقدّس مآبی ۶۴
۷. سایر آفات..... ۶۴

بخش دوم: تأثیر نماز بر مهدویت

فصل اول. نماز، دعوت کننده به امام زمان و معرفت او..... ۶۸
فصل دوم. نماز امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و آغاز حکومت مهدوی ۷۰
فصل سوم. نماز، عاملی مؤثر در دستیابی حکومت مهدوی به اهدافش..... ۷۱
فصل چهارم. جایگاه نماز در کارگزاران امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ۷۷
فصل پنجم. نماز و زمینه سازی ظهور ۷۸
الف) کارکردهای نماز در زمینه‌سازی فردی برای ظهور ۸۰
۱. کارکردهای بینشی نماز..... ۸۱
۲. کارکردهای گرایشی نماز..... ۸۹
۳. کارکردهای رفتاری نماز ۱۱۵
ب) کارکردهای نماز در زمینه‌سازی اجتماعی برای ظهور..... ۱۱۸
۱. آگاهی از مسائل اجتماعی..... ۱۱۸
۲. جمع‌گرایی و ادب ۱۱۹
۳. رهبرمحوری..... ۱۲۰
۴. امدادرسانی و حل مشکلات اجتماعی..... ۱۲۲
۵. دوست‌یابی صحیح..... ۱۲۳
۶. اصلاح مسائل مالی و اقتصادی ۱۲۴
۷. تقویت روابط سازمانی و تشکیلاتی ۱۲۴
۸. افزایش محبت بین همدیگر..... ۱۲۶
۹. کارکردهای حاصل از معاد باوری ۱۲۷
فصل ششم. جایگاه نماز در عصر غیبت ۱۳۴

غیر قابل فروش

بخش سوم: تأثیر مهدویت بر نماز

فصل اول. مهدویت و افزایش رغبت به نماز..... ۱۳۸
فصل دوم. اقامه کامل نماز به وسیله حکومت مهدوی ۱۴۴
فصل سوم. مهدویت، عامل قبولی نماز ۱۴۶
سخن آخر(توجه به امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف با نماز) ۱۴۸
فهرست منابع ۱۵۰

غیر قابل فروش

مقدمه

دو مقوله نماز و مهدویت از موضوعات بسیار مهمی هستند که مطالعه اجمالی قرآن کریم و احادیث معصومین نیز به سهولت این ادعا را ثابت می‌کنند. پس از انقلاب اسلامی و به برکت حکومت اسلامی به این موضوع توجه زیادی شده و از جمله افرادی که در این مسیر زحمات زیادی را متقبل شده‌اند حضرت حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی هستند که با دو نهاد «ستاد اقامه نماز» و «بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف»، همواره پی‌گیر این دو موضوع مهم بوده و انصافاً در شناساندن بهتر نماز و مهدویت گامهای بزرگی را در کشور برداشتند.

در این میان آنچه کمبود آن احساس می‌شود ارتباط« نماز و مهدویت» و تأثیر متقابلی بوده که این دو بر طبق متون دینی بر رشد و شکوفایی یکدیگر داشته و کمتر مورد توجه واقع شده است. این در حالی است که اگر میزان تأثیر این دو مقوله بر همدیگر به صورت روشن و شفاف مورد بررسی قرار گیرد برای بالا بردن کارآیی هر کدام از آنها در جامعه به دیگری می‌توان تمسک جست.

نوشتار پیش رو برای جبران این خلأ سامان یافته و محتوای آن نیز بر اساس سالها تحقیق استاد قرائتی که در قالب کتاب و سخنرانی عرضه شده، تنظیم و تبویب گردیده است. امید آنکه این اثر نیز بتواند قدمی در راستای حضور پر رنگ نماز و مهدویت در جامعه اسلامی ما باشد؛ ان شاءالله.

تدوین‌گر- حسن ملایی

قم مقدسه

سخن آغازین: جایگاه امامت و مهدویت

درباره موضوع نماز در کتابها و سخنرانی‌های مختلف، مطالبی را بیان کردیم؛ اما لازم است برای بررسی رابطه متقابل «نماز و مهدویت» راجع به «امامت و مهدویت» که از اصول دین است نکاتی را بیان نماییم:

یک. امامت از اصول دین

«امام» به معنای پیشوا و جمع آن «ائمّه» است. در حقیقت به آنچه از او پیروی می‌شود امام می‌گویند؛ خواه کتاب باشد یا انسان، حق باشد یا باطل.[1] اکنون که معنای امام روشن شد، برای اثبات این که امامت، یکی از اصول دین است، بهتر آن دانستیم که آیات و روایاتی را بیان کنیم و قضاوت را به عهده خوانندگان بگذاریم:

۱. خداوند در حجّة الوداع، پیامبر را مخاطب قرار داده و می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ؛[2] ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگار بر تو نازل شده است به مردم برسان و اگر چنین نکنی، رسالت خدا را انجام نداده‌ای (و رسالت تو بی‌سرانجام است) و بدان که خداوند تو را از خطرات احتمالی حفظ می‌کند و خداوند کافران را هدایت نمی‌کند﴾.

با توجّه به اینکه سوره مائده آخرین سوره‌ای است که در اواخر عمر شریف پیامبر نازل شده و با توجه به اینکه مسائل مربوط به توحید و معاد، از همان ابتدای بعثت به مردم گفته شده و با توجه به اینکه دستوراتِ نماز، جهاد، روزه، خمس

۱. *مفردات راغب*، ذیل ماده امم.
۲. سوره مائده، آیه ٦٧.

و زکات در سال‌های اول هجرت صادر شده و اکنون سال دهم هجری است و با توجّه به اینکه پیامبر، انسان ترسویی نبود که خداوند این چنین سفارش کند وگرنه باید همان سال‌های اول بعثت که تنها بود بترسد نه سال‌های آخر که ده‌ها هزار علاقه‌مند دارد و با توجّه به اینکه نحوه ابلاغ (جمع کردن تمام کاروانیان در گرمای سوزان مکه) و محل و زمان این دستور نیز منحصر به فرد است؛ با توجه به همه این مسائل، معلوم می‌شود پیامی را که پیامبر باید برساند درباره موضوعی بسیار مهم است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از پیامدهای آن و کارشکنی منافقان هراس دارد و آن مسئله جانشینی رسول خدا می‌باشد. چنانکه عدّه بسیار زیادی از اصحاب رسول خدا -که مورد قبول همه مسلمانان هستند- نیز این ماجرا را نقل کرده و گفته‌اند آیه درباره ماجرای غدیر خم و مسئله جانشینی پیامبر است.

۲. در روایات متعدد یکی از امور زیربنایی و اساسی اسلام، امامت و ولایت معرفی شده است، چنانکه امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

«**بنی الاسلام علی خمسة اشیاء: علی الصلاة و الزکاة و الحج و الصوم و الولایة**؛ بنای اسلام بر نماز، زکات، حج، روزه و ولایت استوار است».

زراره که از شاگردان بزرگوار امام بود، می‌پرسد: کدام یك از این امور مهم‌تر است؟ امام می‌فرماید: ولایت از همه مهم‌تر است و سپس چنین توضیح می‌فرماید:

«**لانّها مفتاحهنّ و الوالی هو الدلیل علیهنّ**؛[1] زیرا ولایت، کلید سایر مسائل است و والی نقش رهبری و هدایتِ مردم را به دیگر موارد دارد».

۳. دلیل سومی که می‌توان برای اهمیّت امامت آورد حدیث معروفی از پیامبر است که می‌فرماید: «**مَن مات و لم یَعرف امام زمانه مات میتة جاهلیّة**؛[2] هر که بمیرد و

۱. *وسائل الشیعه*، ج ۱، ص ۱۳.
۲. *بحارالانوار*، ج ۳۲، ص ۳۳۱.

نسبت به امام زمان خود شناختی نداشته باشد، گویا قبل از ظهور اسلام و به مرگ جاهلیّت مرده است». همچنین امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

کلّ مَن دان الله بعبادة یجهد فیها نفسه و لا امام له من الله فسعیه غیر مقبول و هو ضالّ متحیّر؛[1] هر که بدون پذیرش رهبر حقّ، خود را به زحمت انداخته و عبادتی انجام دهد، هرگز مورد قبول خدا نبوده و در تحیّر وگمراهی است.

با نگاهی اجمالی به دلایل فوق، می‌توان دریافت که رهبری در اسلام جزو اصول دین است نه فروع دین و اصل امامت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ توحید که اولین اصل دین است، زمانی نمادین می‌شود که حاکم جامعه، امام معصوم باشد وگرنه به جای توحید، شرك و طاغوت سبز می‌شوند. نبوّت و شریعت زمانی پابرجا می‌ماند که رهبری معصوم آن را حفظ کند وگرنه با خرافات و تحریف و بدعت و سلیقه‌های شخصی آمیخته شده و وحی از اعتبار می‌افتد. اصولًا جامعه بدون قانون و رهبر حقّ، مساوی با جنگل است و هر یك از قانون و رهبر مکمّل یکدیگر و جدایی ناپذیرند.

شناخت و توجه به معاد و آشنایی با مسائل ملکوتی آن، جز از طریق امام معصوم ممکن نیست. امامت است که به نماز جان می‌دهد، به حج و روزه جهت می‌دهد، به جهاد مشروعیّت می‌دهد و فرایض الهی را احیا می‌کند. امام همانند کارخانه برق به همه لامپ‌ها نور و روشنایی می‌دهد.

دو. دلایل نیاز به امام

به همان دلایلی که نیاز به پیامبر داریم، به امام هم نیاز داریم و ما پیش از این در کتاب نبوّت، در این زمینه دلایلی را بیان کردیم و اینك آنها را مرور می‌کنیم:

---

۱. *کافی*، ج ۱، ص ۳۷۵.

* آیا می‌توان قبول کرد که هدف از آفرینش انسان رشد و کمال و در مسیر خدا قرار گرفتن باشد، ولی در این میان هادی و راهنمایی در کار نباشد؟!

* آیا می‌توان قبول کرد که انسان عاشق رسیدن به مقام والای انسانی باشد، ولی در خارج چنین الگویی وجود نداشته باشد؟! مگر نه این است که برای هر نیاز و احساس درونی یك واقعیّت خارجی و بیرونی وجود دارد که آن احساس را اشباع کند. اگر ما در درون احساس تشنگی می‌کنیم و نیاز به آب داریم، برای رفع آن نیاز، آبی در خارج از بدن وجود دارد. حال چگونه قبول کنیم که علاقه به کمال و رسیدن به قله سعادت در انسان باشد، اما چیزی که پاسخ گوی این نیاز باشد در خارج از ذهن وجود نداشته باشد؟!

* چگونه می‌توان پذیرفت که میزبانی از مردم دعوت کند، ولی نشانی منزلش را ندهد و یا راهنمایی نفرستد، به خصوص در مواردی که بدون راهنما، راهیابی ممکن نیست و در مسیر مواردی وجود دارد که مهمان را به بیراهه و انحراف از منزل میزبان می‌کشاند. در اینجا بر میزبان لازم است تا راهنمایی با نام و نشانی روشن برای مهمان بفرستد تا هم راه را به او بنماید و هم با برخورد با موارد انحرافی، او را به مقصد برساند.

* چگونه قبول کنیم که انسان در راه‌های ساده و محسوس زندگی نیاز به راهنما دارد، اما در پیمودن راه‌های سعادت و معنویّت و رسیدن به رشد واقعی که پیچیده‌تر و علم انسان در آن زمینه کمتر و وسوسه‌های شیطانی بیشتر است، نیاز به راهنما نداشته باشد.

* مگر نه آن است حیواناتی که زندگی دسته جمعی دارند؛ همچون زنبور عسل، برای خود ملکه‌ای را به طور غریزی پذیرفته‌اند. در تاریخ سیاست‌ها و جنگ‌ها کدام موفقیّتی را سراغ دارید که نقش رهبر و فرمانده در آن نادیده گرفته شده

باشد؟ جامعه بدون امام؛ یعنی هرج و مرج و کدام عقل و وجدان آن را می‌پذیرد؟ حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «لابدّ للناس من امیر برّ کان او فاجرٍ؛[1] وجود رهبر برای مردم ضروری است، خواه نیکوکار باشد یا بدکار».

علاوه بر موارد فوق که میان نیاز به پیامبر و امام مشترك است، در خصوص نیاز به امام، دلایل دیگری نیز وجود دارد:

۱. برای پیاده شدن دستورات الهی و حفظ احکام، قدرت و حکومت لازم است و قدرت و حکومت به امام و رهبری لایق نیاز دارد؛ مخصوصاً در موردی که دسترسی به پیامبر امکان نداشته و خاتمیّت حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را پذیرفته باشیم.

۲. مگر می‌شود خدا برای مردمی پیامبر بفرستد و آن پیامبر با خون دل احکام و قوانینی بیاورد و بعد همه را رها کرده از دنیا برود؟ آیا این کار حکیمانه است؟ آیا رها کردن و رفتن با آن حرص و سوزی که از پیامبر سراغ داریم سازگار است؟! راستی کسانی که می‌گویند پیامبر با آن‌همه زحمت مکتب و امتی را بنیان گذاری کرد و رفت چگونه جواب حکمت خدا و سوز پیامبر را می‌دهند. کدام مقام مسئول اینقدر بی تفاوت مردم را رها می‌کند؟!

۳. اساساً دین و مکتب یا باید هماهنگ با خواسته‌های درونی و حوادث خارجی و به اصطلاح رشدآور و رشد دهنده و به روز باشد و یا باید فقط قوانینی مقطعی و خشك باشد که با مرور زمان به دست فراموشی سپرده شده و به اصطلاح ایستا باشد. اگر در کنار مکتب، امامی با شرایط ویژه بود، مکتب از نوع اول و گرنه از نوع دوم خواهد بود و به همین دلیل امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید:

«انّ الامامة زمام الدین و نظام المسلمین و صلاح الدنیا و عزّ المؤمنین؛ امامت و رهبری حقّ، زمام دین است و مایه نظام بخشیدن به مسلمانان و صلاح امور دنیوی و

---

۱. *نهج‌البلاغه*، خطبه ۴۰.

عزّت مؤمنین است».

«انّ الامامة اسُّ الاسلام النامی؛[1] امامت، اساس اسلام رشد یافته است».

یعنی چیزی که بتواند همه احتیاجات فردی و اجتماعی و مادی و معنوی کاروان بشریّت را تأمین کند، تنها امامت است. امام رضا علیه‌السلام با تعبیر «الاسلام النامی» به ما می‌فهماند که اسلام بدون امام، نمو و رشدی ندارد و در معرض کهنگی و زوال است. جامعه انسانی هر آن در معرض حوادثی است که اگر حکم الهی و دستور خدا با الهام از وحی و رهبری حق در کار نباشد، مردم آرامش خود را از دست می‌دهند و هر کدام راهی را می‌پیمایند و هرج و مرج به وجود می‌آید، لذا در کنار مکتب، وجود امام و رهبر ضروری است.

۴. همان گونه که شنا در استخر نیاز به مربّی و ناجی دارد و گذر از دریا نیاز به کشتی و ناخدا، دنیا نیز، چنانکه امام فرمود: دریای عمیق و پر تلاطم است: «الدنیا بحر عمیق»[2] که به کشتی و کشتی‌بان نیاز دارد. این با کدام منطق و حکمت سازگار است که خداوند، شناوران ناتوان و ناآشنا را در دریای پرخطر به حال خود رها کند!

۵. همان گونه که خداوند در کشور تن فرمانروایی به نام عقل قرار داده تا به وسیله آن چشم و گوش و تمام اعضا از انحراف و خطا حفظ شوند، لازم است برای جامعه نیز امام و فرمانروایی قرار دهد تا دچار تحیر و انحراف و هرج و مرج نشده و به مقصد برسد.

سه. حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف دوازدهمین امام

در روایات متعدد، پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله تعداد و نام جانشینان خود را بیان کرده است: در برخی روایات آمده است: «الائمّة بعدی اثنی عشر کلّهم من قریش؛[3] رهبران

۱. *عیون الاخبار*، ج ۱، ص ۲۱۶.
۲. *کافی*، ج ۱، ص ۱۵.
۳. *کفایة الأثر*، ص ۲۷.

پس از من دوازده نفرند و همه آنها از قریش‌اند».

در برخی روایات، پیامبر نام تك تك آن دوازده نفر را بیان کرده‌اند. جابر بن عبدالله انصاری، صحابی بزرگ پیامبر می‌گوید: زمانی که آیه ﴿وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ نازل شد، از پیامبر اکرم پرسیدم: خداوند و پیامبرش را می‌شناسیم، اولی الامر کیانند که اطاعتشان به اطاعت خداو رسول مقرون شده است؟ آن حضرت فرمود: ای جابر! آنان جانشینان من و ائمّه مسلمین هستند؛ «اوّلهم علیّ بن ابی طالب ثمّ الحسن ثمّ الحسین ثمّ علیّ بن الحسین ثمّ محمّد بن علیّ...؛ اول آنان علی ابن ابیطالب سپس دو فرزند او حسن و حسین و آنگاه زین‌العابدین فرزند حسین و آنگاه فرزندش محمد معروف به باقر است که تو او را درك می‌کنی. ای جابر! زمانی که او را دیدی سلام مرا به او برسان». «ثمّ الصادق جعفر بن محمّد ثم موسی بن جعفر ثمّ علیّ بن موسی ثمّ محمّد بن علیّ ثمّ علیّ بن محمّد ثمّ حسن بن علیّ ثمّ سمیّی و کنیّی حجّةالله فی ارضه و بقیته فی عباده ابن الحسن بن علیّ؛ پس از او فرزندش جعفر الصادق و آنگاه موسی الکاظم و سپس علی الرضا و آنگاه محمد التقی و سپس علی الهادی و آنگاه حسن العسکری می‌باشد و آخرین آنان فرزند عسکری است که هم نام من و حجّت خدا بر زمین و بقیت‌الله است». «ذاك الّذی یفتح الله علی یدیه مشارق الارض و مغاربها؛ همان که به وسیله او در شرق و غرب عالم فتح و گشایش پیدا خواهد شد». «ذاك الّذی یغیب عن شیعته و اولیائه؛[1] او همان است که از چشم شیعیان غایب خواهد شد» و همه کس او را باور نداشته و لیاقت دیدار او را نخواهد داشت.

بر اساس شواهد تاریخی نیز، یازده امام به دنیا آمده و شهید شده‌اند، ولی امام دوازدهم پس از تولد به خواست خداوند از دیدگان غایب گشته‌اند تا هر زمان که خدا بخواهد و مصلحت بداند ظهور کنند و دنیا را پر از عدل و داد نمایند.

۱. *کفایة الأثر*، ص ٥٤.

بخش اوّل
مشترکات نماز و مهدویت

غیر قابل فروش

فصل اول. جایگاه مشترک نماز و مهدویت در اسلام

از جمله نقاط مشترکی که بین نماز و مهدویت وجود دارد، جایگاه مشترک این دو در اسلام است که توجه به آنها می‌تواند در درک تأثیرهای متقابل این دو و بهره‌برداری از آنها کمک فراوانی به ما کند. برخی از عناوین مشترک نماز و مهدویت از این قرار است:

۱. عبادت بودن نماز و انتظار ظهور

عبادت، به معنای اظهار ذلّت، عالی‌ترین نوع تذلّل و کرنش در برابر خداوند است. در فرهنگ اسلام، عبادت فراتر از نمونه‌هایی چون نماز و روزه است و همه کارهای شایسته‌ای که به نفع مردم نیز باشد، عبادت است. یکی از کارهایی که در اسلام، عبادت به حساب آمده، انتظار حکومت عدل جهانی است و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود«أفضل العبادة انتظار الفرج؛[1] انتظار فرج وگشایش (با آمدن امام زمان علیه‌السلام) برترین عبادت است». روشن است که منظور، انتظار مثبت و سازنده‌ای است که زمینه سازی و تلاش برای دولت عدل مهدی علیه‌السلام را نیز به همراه داشته باشد.

حال که دانستیم نماز و انتظار هر دو مظهر عبادت هستند، پس ریشه‌های مشترکی دارند که عبارت است از:

درک عظمت خدا

انسان وقتی خود را در برابر عظمت و جلال خدایی می‌بیند، ناخودآگاه در برابر او احساس خضوع و فروتنی می‌کند؛ آن سان که در برابر یك دانشمند و شخصیت

۱. *کمال الدین و تمام النعمة*، ج۱، ص ۲۸۷.

مهم، انسان خویشتن را کوچك و ناچیز شمرده، او را تعظیم و تکریم می‌کند. در منتظر امام زمان هم همین امر هست؛ زیرا او با درک عظمت خدا، عظمت ولی خدا و حکومت بی‌نظیر مهدوی را نیز درک می‌کند.

احساس فقر و وابستگی

طبیعت انسان چنین است که وقتی خود را نیازمند و وابسته به کسی دید، در برابرش خضوع می‌کند. وجود ما بسته به اراده خداست و در همه چیز، نیازمند به اوییم. این احساس عجز و نیاز، انسان را به پرستش خدا وامی‌دارد. خدایی که در نهایت کمال و بی نیازی است. در بعضی احادیث است که اگر فقر و بیماری و مرگ نبود، هرگز گردن بعضی نزد خدا خم نمی‌شد. منتظران امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیز در دین و دنیا، خود را وابسته به امام زمان می‌دانند و به او که واسطه بین خدا و مخلوقات است متوسل می‌شوند. به وسیله حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بلا از ما دور می‌شود. خداوند در قرآن درباره رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ﴾.[1]

از امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف روایت شده که فرمود: «و بی یدفع الله عز و جل البلاء عن أهلی و شیعتی».[2] امام صادق علیه‌السلام نیز فرموده است: «هو المفرج للکرب عن شیعته بعد ضنك شدید و بلاء طویل و جور».[3]

توجّه به نعمت‌ها

انسان، همواره در برابر برخورداری از نعمت‌ها، زبان ستایش و بندگی دارد. یادآوری نعمت‌های بیشمار خداوند، می‌تواند قوی‌ترین انگیزه برای توجه به خدا و عبادت

۱. سوره انفال، آیه ۳۳.
۲. *کمال الدین و تمام النعمة*، ج۲، ص۴۴۱.
۳. *همان*، ج۲، ص۶۴۷.

او باشد. در مناجات‌های امامان معصوم، معمولًا ابتدا نعمت‌های خداوند، حتی قبل از تولّد انسان، به یادآورده می‌شود و از این راه، محبت انسان به خدا را زنده می‌سازد؛ آنگاه درخواست نیاز از او می‌کند. خداوند هم می‌فرماید: ﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ، الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾[1] مردم پروردگار این کعبه را بپرستند، او را که از گرسنگی سیرشان کرد و از ترس، ایمنشان نمود.

در آیه‌ای دیگر است، پروردگارتان را بندگی کنید، چون شمارا آفرید: ﴿يا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذي خَلَقَكُمْ وَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِكُم...﴾.[2] در انتظار هم توجه به نعمت بزرگ امامت و ولایت وجود دارد؛ از جمله آیاتی که در قرآن کریم به این موضوع می‌پردازد، آیه سه سوره مائده است: ﴿الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا ؛[3] امروز، (روز هجده ذی‌الحجّه سال دهم هجری که حضرت علی به فرمان خدا به جانشینی پیامبر اکرم منصوب شد) کافران از (زوال) دین شما مأیوس شدند، پس، از آنان نترسید و از من بترسید. امروز دینتان را برای شما کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان «دین» برایتان برگزیدم﴾. امام مهدی علیه‌السلام ادامه همین راه ولایت و همان صراط مستقیمی است که در سوره حمد می‌خوانیم. ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾ و آن افراد مشمول نعمت انبیا، صدّیقین، شهدا و صالحان هستند.[4] راه مستقیم، راه خدا و اولیای خداوند و بندگان مخلص خداست. در روایات آمده است که امامان معصوم علیهم‌السلام می‌فرمودند: «راه مستقیم، ما هستیم».[5] یعنی نمونه عینی و عملی راه مستقیم و

۱. سوره قریش، آیه ۳ و ٤.
۲. سوره بقره، آیه۲۱.
۳. سوره مائده، آیه ۳.
٤. سوره نساء، آیه٦٩.
٥. *تفسیر نورالثقلین*، ج۱، ص۲۰.

اسوه و الگو برای قدم برداشتن در راه، رهبران آسمانی هستند. آنها در دستورات خود درباره تمام مسائل زندگی از قبیل کار، تفریح، تحصیل، تغذیه، انفاق، انتقاد، قهر، صلح، علاقه به فرزند و ... نظر داده و ما را به اعتدال و میانه‌روی سفارش کرده‌اند.

فطرت الهی

پرستش، جزیی از وجود و کشش فطری انسان است. این روح پرستش، که در انسان فطری است، گاهی در مسیر صحیح قرار گرفته و انسان به «خدا پرستی» می‌رسد، گاهی انسان در سایه جهل یا انحراف، به پرستش سنگ و چوب و خورشید و گاو و پول و ماشین و همسر و پرستش طاغوت‌ها کشیده می‌شود. انبیا، برای ایجاد حسّ پرستش نیامده‌اند، بلکه بعثت آنان، برای هدایت این غریزه فطری به مسیر درست است. علی علیه‌السلام می‌فرماید: «فَبَعث اللهُ مُحَمَّداً بِالْحَقّ لِيُخرِجَ عِبادَهُ مِنْ عِبادَةِ الاَوْثان الی عِبادَتِهِ؛[1] خداوند، محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله را به حق فرستاد، تا بندگانش را از بت پرستی، به خدا پرستی دعوت کند».

بیشتر آیات مربوط به عبادت در قرآن، دعوت به توحید در عبادت می‌کند، نه اصل عبادت؛ زیرا روح عبادت در انسان وجود دارد. مثل میل به غذا که در هر کودکی هست، ولی اگر راهنمایی نشود، به جای غذا، خاك می‌خورد و لذّت هم می‌برد! اگر رهبری انبیا نباشد، مسیر این غریزه منحرف می‌شود و به جای خدا، معبودهای دروغین و پوچ پرستیده می‌شود. آن‌گونه که در نبود حضرت موسی و غیبت چهل روزه‌اش، مردم با اغوای سامری، به پرستش گوساله طلایی سامری روی آوردند.

در موضوع انتظار هم فطرت توحید و عدالت‌خواهی به عنوان دو عنصر مهم

۱. *نهج البلاغه*، خطبه ۱۴۷.

مهدویت در همه انسان‌ها وجود دارد و انتظار حکومت مهدوی نیز، انتظار تشکیل حکومتی است که هم به میل عدالت خواهی بشر به صورت کامل پاسخ دهد و هم فطرت اصیل در مسیر خود قرار گرفته و عبادت خدا به صورت خالص انجام شود؛ کما اینکه قرآن کریم چنین مژده‌ای را به ما داده و فرموده است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾؛[1] خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد؛ همان‌گونه که کسانی پیش از ایشان را جانشین کرد، و قطعاً دینی را که خداوند برای آنان پسندیده است، برای آنان استقرار و اقتدار بخشد و از پی ترسشان امنیت را جایگزین کند، تا [تنها] مرا بپرستند و چیزی را برای من شریك نگیرند، و هر کس بعد از این کفر ورزد، پس آنان همان فاسقان‌اند﴾. در روایات بسیاری از امام سجاد و امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام می‌خوانیم که مصداق کامل این آیه، حکومت جهانی حضرت مهدی است و خداوند وعده داده است که در آن روز، اهل ایمان بر جهان حکومت کنند.[2]

۲. بندگی و رستگاری، هدف مشترک نماز و مهدویت

پس از پی بردن به عبادت بودن نماز و انتظار ظهور می‌توان در همین راستا به اهداف مشترک آن دو پی برد. در اهمیّت عبادت، همین بس که هدف آفرینش هستی و جن و انس، عبادت و بندگی خداوند است. خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾.[3] کارنامه همه انبیاء و رسالت آنان نیز، دعوت

۱. سوره نور، آیه ۵۵.
۲. ر.ک: نورالثقلین، ذیل آیه شریفه.
۳. سوره ذاریات، آیه ۵۶.

مردم به پرستش خداوند بوده است: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾[1] پس هدف از خلقت جهان و بعثت پیامبران، عبادت خدا بوده است. روشن است که خدای متعال، نیازی به عبادت ما ندارد، ﴿فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنكُمْ﴾[2] و سود عبادت، به خود پرستندگان برمی‌گردد، هم‌چنان‌که درس خواندن شاگردان به نفع خود آنان است و سودی برای معلّم ندارد.

البته باید دانست که پرستش و اطاعت ظاهری، اگر بدون تسلیم و پذیرش قلبی باشد، بی‌ارزش است. «بنده» باید تسلیم محض و بی قید و شرط امر «خدا» باشد و در برابر فرمان الهی و دین خدا، سلیقه‌ها و خواسته‌های شخصی را کنار بگذارد و به نیش و نوش دیگران و خوش آمدن و بد آمدن مردم بی اعتنا باشد. این تسلیم محض و بی چون و چرا بودن، همان «عبودیت» است که فلسفه عبادت است. ابلیس، با آن همه سابقه عبادت، چون روحیه عبودیت نداشت، در مقابل فرمان خدا درباره سجده بر آدم سرپیچی کرد و مطرود شد. ریشه استکبار و اعراض مردم از دعوت‌های انبیا، آن بوده که حالت تسلیم و عبودیّت نداشتند و تابع خواسته دل بودند. قرآن می‌فرماید: ﴿أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنفُسُكُمُ اسْتَكْبَرْتُمْ﴾؛[3] آیا هر گاه پیامبری از طرف خداوند، برای شما قانونی می‌آورد که مطابق دلخواهتان نبود، تکبّر می‌ورزید؟﴾

در جای دیگر می‌فرماید: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾؛[4] به خدا سوگند، ایمان واقعی به تو نمی‌آورند، مگر آنگاه که در مشاجرات و نزاعهایشان تورا به داوری بپذیرند و در

۱. سوره نحل، آیه ۳۶.
۲. سوره زمر، آیه ۷.
۳. سوره بقره، آیه ۸۷.
۴. سوره نساء، آیه ۶۵.

برابر قضاوت تو، هیچ ناراحت نشوند و تسلیم بی چون و چرای حکم الهی باشند﴾. پس، عبادتی ارزشمند است که سرچشمه از عبودیّت و تسلیم و رضای انسان داشته باشد. عبادت، بندگی خداکردن است، نه بنده خود و تابع هوس و تمایلات خویش بودن. هرگاه برای مسلمانان صدر اسلام، حکم جهاد می‌آمد، گروهی می‌گفتند: چرا این فرمان، مدّتی به تأخیر نیفتاد و حالا فرا رسید؟ ﴿لَوْلَآ أَخَّرْتَنَآ إِلَىٰٓ أَجَلٍ قَرِيبٍ﴾[1] در واقعه تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه، عدّه‌ای گفتند: چرا؟ قرآن پاسخ می‌دهد: ﴿لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ﴾[2] تا ببینیم چه کسی پیرو پیامبر است و چه کسی به عقب برمی‌گردد (و دهن کجی می‌کند). نمونه کامل تسلیم و عبودیت را در داستان ابراهیم و اسماعیل علیهما‌السلام می‌بینیم، که هم پدر، مطیع محض دستور خدا است و فرزند را به قربانگاه برده و کارد بر حلقومش می‌گذارد و هم اسماعیل می‌گوید: ای پدر، آنچه راکه فرمان است انجام بده: ﴿يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ﴾.[3] حضرت ابراهیم علیه‌السلام نمونه کامل یك بنده مطیع و تسلیم است، چه در قربانی کردن فرزند، چه در رها کردن هاجر و اسماعیل در بیابان‌های خشك مکّه، چه در آمادگی برای افتادن در آتش نمرودیان.

البته این عبادت زمینه عبودیت و خود آن نیز زمینه و عامل سعادت و رستگاری انسان است. توضیح آنکه، هستی برای بشر آفریده شده: ﴿خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾[4] و بشر برای عبادت: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾[5] و عبادت برای رسیدن به تقواست: ﴿وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ... لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾[6] و تقوا برای رسیدن

۱. سوره نساء، آیه ۷۷.
۲. سوره بقره، آیه ۱۴۳.
۳. سوره صافات، آیه ۱۰۲.
۴. سوره بقره، آیه۲۹.
۵. سوره ذاریات، آیه۵۶.
۶. سوره بقره، آیه۲۱.

به رستگاری: ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ... لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾[1] با این مقدّمات، معلوم می‌شود که قلّه‌ی کمالات، فلاح و رستگاری است.

اگر دین اسلام هدف از خلقت را بندگی و در نتیجه رسیدن به رشد و رستگاری معرفی می‌کند، هدف دستورات عبادی او نیز همین است. مروری بر آیات و روایات نشان می‌دهد که فلسفه نماز به عنوان یک عبادت بزرگ- برای رسیدن به مقام عبودیت و تقرب به درگاه خداست. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «إِنَّ الصَّلاةَ قُربانُ المُؤمِنِ؛[2] همانا نماز باعث تقرب مؤمن به خداست». از طرفی هدف از اصل اعتقادی امامت حکومت مهدوی و انتظار آن نیز که از افضل عبادات شمرده شده است، چیزی جز بسترسازی برای عبادت و رسیدن به مقام بندگی نیست، زیرا به همان دلایلی که به پیامبر نیاز داریم، به امام هم نیاز داریم که برخی از آنها در ابتدای کتاب بیان شد.

ممکن است کسی بگوید با وجود قرآن و کتاب آسمانی، دیگر چه نیازی به امام است؟ اما پاسخ آن است که قرآن، کتاب قانون است و قانون به مفسّر و مجری نیاز دارد. در نظام امروز جهان نیز در کنار قوه مقننه، قوه مجریه و قضائیه وجود دارد؛ زیرا قانون به مجری و ضمانت اجرا نیاز دارد. این نیاز در زمان پیامبر به دست ایشان و پس از ایشان، توسط امامان برطرف می‌شد.

علاوه بر این، جزئیات همه چیز، مثلاً تعداد رکعات نماز یا تعداد شوط های طواف در قرآن ذکر نشده و بسیاری از مطالب جزیی و مقطعی در قرآن نیامده است؛ بلکه پیامبر و امامان این موارد را برای مردم بیان می‌کردند. خود قرآن می‌فرماید: ﴿مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا؛[3] آن‌چه را پیامبر بیان می‌کند،

۱. سوره مائده، آیه۱۰۰.
۲. *میزان الحکمة*، ج٦، ص ٢٧٤.
۳. سوره حشر، آیه ۷.

بگیرید و آن چه را نهی می‌کند، رها کنید﴾. این آیه دلالت دارد که پیروی از سنت نبوی واجب است؛ زیرا پیروی از آن، در حقیقت، پیروی از خداست: ﴿مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ﴾.[1] امامت و ولایت نیز پذیرش سنت پیامبر ﷺ است.

آفرینش به خاطر اولیای خداست. به خاطر گل است که علف ها هم آب می خورند. وجود اولیای خدا و امام زمان باعث امنیت است. در احادیث متعددی آمده است که اگر حجت خدا نباشد، زمین به هم می‌ریزد. حق هم همین است. اگر بچه درس نخواند، مدیر اصلاً در آزمایشگاه و کتابخانه را باز نمی‌کند.

امام رضا علیه‌السلام فرمود: «لا إِلَهَ إِلَّا اللّه (توحید) دژ خداست». بعد از مدتی صبر فرمود: «وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا».[2] امام رضا می‌فرماید من از شروط توحید هستم، چون توحید بدون امام ارزش ندارد. شرط توحید، وجود یك رهبر لایق است و آن هم یک رهبر زنده. امام نمی‌گوید: «الامام من شروطها»، می‌گوید «وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا»؛ یعنی من که امام زنده‌ام، شرط توحید هستم. توحید همیشگی است، پس در هر زمان باید یک امام معصوم وجود داشته باشد. الآن هم امام زمان شرط توحید هستند.

درباره امام زمان می خوانیم: «أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ».[3] هستی به وجود او زنده است؛ مثل ناخدایی که اگر نباشد، کشتی غرق می‌شود.

اگر معتقد به وجود امام زمان نباشیم، در واقع می‌گوییم پیغمبر ـ نعوذ بالله ـ دروغ گفته است. چون در حدیث ثقلین فرموده که قرآن و اهل بیت هیچ وقت از هم جدا نمی‌شوند. اکنون قرآن هست، پس اهل بیت کجایند؟! اگر بگوییم از دنیا رفته‌اند؛ یعنی این دو از هم جدا شده‌اند؛ در حالی‌که پیغمبر خدا می‌گوید این دو هیچ وقت از هم جدا نمی‌شوند؛ یعنی تا هر زمان که قرآن هست، باید یك نفر از اهل بیت هم

۱. سوره نساء، آیه ۸۰.
۲. *ثواب الأعمال*، ص ٦.
۳. *بحار الأنوار*، ج ۹۹، ص ۱۰٦.

باشد و او در زمان ما، حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است.

مطلب آخر اینکه درست که مهدویت نیز مانند همه احکام و برنامه‌های عبادی اسلام، حکمت و فلسفه دارد، زیرا اولًا: به دلیل صدها آیه و حدیث که مردم را به تعقّل وتفکر فرا می‌خواند و هیچ مکتبی به اندازه اسلام به اندیشیدن دعوت نکرده است؛ ثانیاً: یکی از انتقادهای شدید قرآن بر مشرکان و بت پرستان، تقلید کور کورانه و بی دلیل از نیاکان است و ثالثاً: خود قرآن، بارها در کنار بیان احکام و دستورها، به دلیل آن هم اشاره کرده و امامان معصوم نیز در روایات، به بیان این حکمت‌ها پرداخته‌اند، اما لازم نیست دلیل همه مسائل را، همه مردم در همه زمانها بدانند. گاهی دلیل برخی از آنها الآن روشن نیست، ولی گذشت زمان، آن را روشن می‌سازد. عبدالله بن فضل هاشمی گوید: از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمود:

إن لصاحب هذا الأمر غيبة لا بد منها يرتاب فيها كل مبطل؛ فقلت: و لم جعلت فداك؟ قال: لأمر لم يؤذن لنا فی كشفه لكم. قلت: فما وجه الحكمة فی غيبته؟ قال: وجه الحكمة فی غيبته وجه الحكمة فی غيبات من تقدمه من حجج الله تعالى ذكره؛ إن وجه الحكمة فی ذلك لا ينكشف إلا بعد ظهوره كما لم ينكشف وجه الحكمة فيما أتاه الخضر علیه‌السلام من خرق السفينة و قتل الغلام و إقامة الجدار لموسى علیه‌السلام إلى وقت افتراقهما. يا ابن الفضل إن هذا الأمر أمر من أمر الله تعالى و سر من سر الله و غيب من غيب الله و متى علمنا أنه عز و جل حكيم صدقنا بأن أفعاله كلها حكمة و إن كان وجهها غير منكشف؛[1] برای صاحب الأمر غیبت ناگزیری است که هر باطل جویی در آن به شك می‌افتد. گفتم: فدای شما شوم، برای چه؟ فرمود: به خاطر امری که ما اجازه نداریم آن را هویدا کنیم. گفتم: در آن غیبت چه حکمتی وجود دارد؟ فرمود: حکمت غیبت او همان

۱. *کمال الدین و تمام النعمة*، ج۲، ص۴۸۲.

حکمتی است که در غیبت حجت‌های الهی پیش از او بوده است و وجه حکمت غیبت او پس از ظهورش آشکار گردد، همچنان که وجه حکمت کارهای خضر علیه‌السلام از شکستن کشتی و کشتن پسر و به پاداشتن دیوار بر موسی علیه‌السلام روشن نبود تا آنکه وقت جدایی آنها فرارسید.ای پسر فضل این امر، امری از امور الهی و سری از اسرار خدا و غیبی از غیوب پروردگار است و چون دانستیم که خدای تعالی حکیم است، تصدیق می‌کنیم که همه افعال او حکیمانه است اگر چه وجه آن آشکار نباشد.

۳. یادآوری نماز و حکومت جهانی صالحان در تمام ادیان

نکته مشترک دیگری که بین نماز و حکومت عدل جهانی وجود دارد آن است که در کتابهای آسمانی گذشته به هر دو موضوع توجه شده است. قبل از حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آئین حضرت عیسی علیه‌السلام هم نماز بوده که قرآن از زبان او نقل می‌کند که خداوند مرا به نماز سفارش کرده است: ﴿... وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ؛[1] و مرا به نماز توصیه فرموده است﴾ و قبل از او حضرت موسی علیه‌السلام بوده است که خداوند به او خطاب می‌کند: ﴿... وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي؛[2] برای یاد من نماز را به پا دار﴾. قبل از حضرت موسی علیه‌السلام پدر زن او، حضرت شعیب علیه‌السلام بوده که نماز داشته است و قومش به او گفتند: ﴿يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ...؛[3] ای شعیب! آیا نمازت به تو دستور می‌دهد...﴾ و قبل از همه آنها نیز حضرت ابراهیم علیه‌السلام بوده است که از خداوند برای خود و ذریّه‌اش توفیق اقامه نماز را درخواست می‌نماید: ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي...؛[4] خداوندا! من و نسلم را اقامه کننده نماز قرار بده﴾.

۱. سوره مریم، آیه ۳۱.
۲. سوره طه، آیه ۱٤.
۳. سوره هود، آیه ۸۷.
٤. سوره ابراهیم، آیه٤۰.

همچنین این جناب لقمان است که به فرزندش می‌گوید: ﴿يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ؛[1] فرزندم! نماز را به پا دار﴾.

درست همانند این سفارش فراگیر ادیان به نماز، بشارت به آمدن فردی که جهان را از ظلم و ستم نجات می دهد و هستی را از عدالت سرشار کند نیز در ادیان و امت های گذشته مطرح بوده و بحث منجی در ادیان یکی از مباحث مهدویت است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛[2] در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!﴾.

کلمه «زبور» در لغت عرب به معنای هر نوع نوشته و کتاب است. ﴿وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ﴾؛[3] ولی به قرینه آیه ﴿وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا﴾[4] به نظر می‌رسد که مراد، کتاب اختصاصی حضرت داود علیه‌السلام باشد که در برگیرنده مجموعه مناجات‌ها، نیایش‌ها واندرزهای آن حضرت است. این کتاب بعد از تورات نازل شده و مراد از «ذکر» در این آیه نیز همان تورات است، چنانکه در آیه ۴۸ همین سوره هم گذشت که تورات، ذکر است. ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذِكْرًا لِلْمُتَّقِينَ﴾. بعضی گفته‌اند که منظور از «زبور» در این آیه، تمام کتب آسمانی و مراد از «ذکر»، قرآن مجید است و کلمه «مِنْ بَعْدِ» نیز به معنای «علاوه بر» می‌آید، که در این صورت معنای آیه چنین می‌شود: «ما علاوه بر قرآن، در تمام کتب آسمانی نوشتیم که وارثان زمین هر آینه بندگان صالح من خواهند بود». از امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی زبور و ذکر سؤال شد، حضرت فرمودند: «ذکر در نزد خداوند است و زبور کتاب نازل شده بر داود است و

۱. سوره لقمان، آیه ۱۷.
۲. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.
۳. سوره قمر، آیه۵۲.
٤. سوره نساء، آیه۶۳ و سوره اسراء، آیه۵۵.

همه کتاب‌های نازل شده در نزد اهل علم است و آنان ما (اهل‌بیت) هستیم».[1]

در پنج مورد از زبور «مزامیر» حضرت داود که امروزه جزء کتب عهد قدیم به شمار می‌رود، شبیه این تعابیر آمده است که: مردان صالح، وارث زمین خواهند شد. در روایات متعدّد آمده است که آن بندگان صالحی که وارث زمین خواهند شد، یاران حضرت مهدی علیه‌السلام هستند.[2] در بعضی روایات می‌خوانیم که اهل‌بیت پیامبر اسلام علیهم‌السلام وارثان زمین خواهند شد و افراد بد دوباره زنده خواهند شد.[3]

ممکن است کسی این سؤال را مطرح کند که چرا قرآن کریم نفرموده است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي التوراة»؟ یا چرا نگفته «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الانجيل»؟ و فرموده است در کتاب زبور داوود علیه‌السلام نوشتیم، در حالی که حضرت موسی و عیسی علیهما‌السلام پیامبران اولوالعزم بوده و مقامشان از حضرت داود بالاتر است؟ در پاسخ شاید بتوان گفت که چون در میان انبیاء هیچ پیغمبری مثل حضرت داود حکومت به دستش نیامد و حتی حضرت سلیمان علیه‌السلام فرزند ایشان هم وارث حکومت حضرت داود علیه‌السلام بود که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ﴾، می‌خواهد بفرماید که به داوود گفتیم، درست است که تو حکومت کره زمین را داری، اما فکر نکن که بالاتر از حکومت تو، حکومتی نیست، بلکه حکومت واقعی و جهانی در دوره آخرالزمان است.

۴. نماز و امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف عهد الهی

هرگونه تعهّدی که انسان بین خود و خدا داشته باشد، عهد الهی است. قوانین عقلی، فکری و احکام الهی که نماز از مهترین آن است، نیز مصداق عهد الهی می‌باشند. در اسلام وفای به عهد واجب است، حتّی نسبت به کفّار و انسان عهد

۱. *کافی*، ج ۱، ص ۲۲۵.
۲. *تفسیر قمی*، ج۲، ص ۷۷.
۳. همان، ص ۲۹۷.

شکن، فاقد دین کامل معرّفی شده، هرچند که اهل نماز باشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «لا دین لمن لا عهد له؛[1] آن کس‌که پایبند تعهّدات خود نیست، دین کامل ندارد». وفای به عهد، کمالی است که خداوند خود را به آن ستوده است؛ ﴿وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ؛[2] کیست که بهتر از خدا به پیمانش وفا کند؟﴾.

درباره اینکه نماز عهدی الهی است روایت شده که خدای متعال فرمود:

> إفتَرَضتُ عَلَى أُمَّتِکَ خَمسَ صَلواتٍ و عَهِدتُ عِندِی عَهداً إنَّهُ مَن حَافَظَ عَلیهِنَّ لِوَقتِهِنَّ أدخَلتُه الجَنَّةَ و مَن لَم یُحافِظ عَلیهِنَّ فَلا عَهدَ لَهُ عِندِی؛[3] خداوند متعال فرمود: نمازهای پنج گانه را بر امت تو واجب کردم و با خود پیمان بستم که هر کس مراقب آن نمازها و وقت آنها باشد، او را به بهشت داخل نمایم، و کسی که مراقب آنها نباشد، من تعهدی نسبت به او ندارم.

عهد دو گونه است: عهد و پیمانی که مردم با یکدیگر می‌بندند و باید به آن وفادار باشند. و عهد و پیمانی که خداوند برای رهبری یك جامعه، بر عهده‌ی پیامبر یا امام قرار می‌دهد که‌این عهد مقام الهی است. ﴿لَا یَنَالُ عَهْدِی الظَّالِمِینَ﴾[4] از این جمله استفاده می‌شود که رهبری آسمانی، عهد خداوند است.

مفضل بن‌عمر گوید: درباره این آیه، از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «کلماتی که خداوند با آن ابراهیم را آزمود، کدام‌اند؟». فرمود: «هِیَ الْکَلِمَاتُ الَّتِی تَلَقَّاهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَیْهِ وَ هُوَ أَنَّهُ قَالَ یَا رَبِّ أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ إِلَّا تُبْتَ عَلَیَّ فَتَابَ اللَّهُ عَلَیْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ؛ همان کلماتی که آدم آن‌ها را از پروردگارش دریافت نمود و توبه‌اش پذیرفته شد و آن این بود که عرض

---

۱. *بحار الانوار*، ج ۷۲، ص ۱۹۸.
۲. سوره توبه، آیه۱۱۱.
۳. *کنز العمال*، ج ۷، ص۲۷۹.
٤. سوره بقره، آیه ۱۲٤.

کرد: پروردگارا! به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام از تو مسألت دارم که توبه‌ام را بپذیری و خداوند نیز توبه او را پذیرفت؛ چراکه او توبه‌پذیر و مهربان است». عرض کردم: «یابن رسول‌الله! مقصود خداوند از این‌که می‌فرماید ابراهیم کلمات را به پایان رسانید چیست؟» فرمود: «يَعْنِي فَأَتَمَّهُنَّ إِلَى الْقَائِمِ اثْنَيْ عَشَرَ إِمَاماً تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ؛ یعنی خدا را تا حضرت قائم و به دوازده امام که نه نفرشان از فرزندان حسین هستند قسم داد».[1]

این آیه یکی از آیاتی است که پشتوانه فکری و اعتقادی شیعه قرار گرفته است. شیعه بر اساس این آیه معتقد است که امام باید معصوم باشد و کسی که لقب ظالم بر او صدق کند، به مقام امامت نخواهد رسید. در زیارت آل یاسین نیز، خطاب به امام زمان می‌گوییم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَه؛[2] سلام بر تو که پیمان خدا هستی».

۵. نماز و مهدویت، عامل قبولی سایر اعمال

قبولی اعمال، مهمترین مسأله هر مسلمانی است که ذهن او را مشغول کرده است، زیرا عاقبت به‌خیری او به قبولی اعمالش در نزد خدای متعال گره خورده است و بر طبق آیات قرآنی تنها صحیح بودن اعمال کافی نیست. انسان باید به مسئله قبولی عبادت توجه خاصی داشته باشد تا از تلاش معنوی خود بهره بیشتری ببرد. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «كُونُوا عَلَى قَبُولِ الْعَمَلِ اشَدَّ عِنايَةً مِنكُم عَلَى الْعَمَل؛[3] به قبولی عمل، بیش از اصل عمل توجه داشته باشید». انسان ممکن است برای پذیرش در جایی، هم کارت ورود بگیرد و هم براساس مقررات ظاهری عمل کند،

۱. *الخصال*، ج۱، ص ۳۰۵.
۲. *بحار الأنوار*، ج ۵۳، ص ۱۷۱.
۳. همان، ج۷۱، ص۱۷۳.

ولی در مصاحبه به دلایلی مانند فساد اخلاق یا سوء سابقه یا ... رد شود. عبادات هم ممکن است از نظر مقررات الهی درست انجام شود، ولی به دلایلی مورد قبول خدا قرار نگیرد. مگر نه این است که گاهی کارهای درستی از سوی افراد غیر مسئول انجام می‌گیرد، ولی به‌جای تشکّر از آنان انتقاد هم می‌شود؟! پس شرطِ قبولی کار، چیزی دیگر است.

در آیات و روایات، شرایطی برای قبولی اعمال و عبادات بیان شده که نمونه‌هایی از آنها از این قرار است: شرط اعتقادی، سیاسی، اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی که در جای خود باید به آنها پرداخت.

در روایات ما آمده است که نماز، کلید قبولی تمام اعمال است و امیرالمؤمنین علیه‌السلام به استاندارش می‌فرماید: «بهترین وقت خود را برای نماز قرار بده و آگاه باش که تمام کارهای تو در پرتو نمازت قبول می‌شود».[1] اما این تمام مطلب نیست، زیرا در سخنان امامان معصوم شروط دیگری نیز برای قبولی اعمال ما ذکر شده است که از جمله آنها، اعتقاد و انتظار حضرت قائم آل محمد عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

أَ لاَ أُخْبِرُكُمْ بِمَا لاَ يَقْبَلُ اَللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ اَلْعِبَادِ عَمَلاً إِلاَّ بِهِ فَقُلْتُ بَلَى فَقَالَ شَهَادَةُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اَللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ اَلْإِقْرَارُ بِمَا أَمَرَ اَللَّهُ وَ اَلْوَلاَيَةُ لَنَا وَ اَلْبَرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا يَعْنِي اَلْأَئِمَّةَ خَاصَّةً وَ اَلتَّسْلِيمَ لَهُمْ وَ اَلْوَرَعُ وَ اَلِاجْتِهَادُ وَ اَلطُّمَأْنِينَةُ وَ اَلِانْتِظَارُ لِلْقَائِمِ علیه‌السلام؛[2] آیا شما را از چیزی آگاه نکنم که خداوند بدون آن هیچ عملی را از بندگان نمی‌پذیرد؟ عرض کردم: بفرمایید. فرمود: گواهی دادن بر اینکه هیچ معبودی جز خدا نیست و اینکه محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله بنده [و فرستاده] او است، و اقرار

۱. *نهج‌البلاغه*، نامه ۲۷.
۲. *الغیبة نعمانی*، ص ۲۰۰.

به هر آنچه خداوند امر فرموده و ولایت برای ما و بیزاری از دشمنان ما- یعنی ما امامان به خصوص- و تسلیم شدن به آنان و پرهیزگاری و کوشش و خویشتن‌داری و چشم به راه حضرت قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بودن.

می‌بینید که اعتقاد به امامت و ولایت حضرت مهدی و انتظار ظهور و حکومت او از شرایط قبولی اعمال ما است؛ یعنی وقتی همه اعمال و عباداتت را انجام دادی تازه نوبت به شرط انتظار قائم آل محمد بودن می‌رسد؛ یعنی باید مسلمان از مسائل شخصی(خوراك، پوشاك، مسکن و...) بیرون بیاید و به چشم انداز آینده جهان که برای اسلام است بیندیشد. اسلام در واقع می‌خواهد با موضوع انتظار فرج، دید ما را باز کند، ما را از بند شکم و شهوت رها کند، همت ما را بلند کرده و به سوی حکومت عدل جهانی امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ببرد.

۶. نماز و امام مهدی، سبب شفاعت

شفاعت، به معنای در کنار چیزی یا شخصی قرار گرفتن و جفت‌شدن است. مثلًا شاگردی در مدرسه نمره کم می‌آورد و معلّم حاضر می‌شود یکی دو نمره اضافه به او بدهد تا او هم قبول شود. در اینجا نمره‌ها در کنار هم، شاگرد ضعیف را نجات می‌دهند. یا مثلًا نخ باریك توانی ندارد، نخ‌های دیگر با او تابیده و محکم شده و سبب بهره‌گیری می‌شود و یا مراجعه به پزشك و مصرف دارو، عامل بهبودی بیمار می‌باشد.

در مثال‌های بالا جمع‌شدن نمره‌ها و نخ‌ها و پزشك و دارو یك نوع شفاعت و در کنارهم آمدن است. تنه درخت هم شفاعت می‌کند و مواد غذایی را از ریشه گرفته و به شاخه‌ها و میوه‌ها می‌رساند. سیم برق هم برق را به لامپ‌ها می‌رساند. وخلاصه در عالم هستی هر یك از نور و حرارت و آب و زمین، دانه را از مرحله‌ای به مرحله بالاتری می‌رساند، این بود نمونه‌هایی از معنای شفاعت در طبیعت.

امّا معنای شفاعت در آخرت آن است که اولیای خدا، اعمّ از انبیا و امامان و علما و شهدا که به قلّه‌های تکامل معنوی رسیده‌اند، دست ضعیفانی (که انحراف فکری ندارند، ولی لغزشهای عملی دارند) را گرفته و آنان را از قهر خدا نجات می‌دهند، البتّه شکّی نیست که مقام شفاعت واجازه آن تنها به دست خداست.

تمام کتاب‌های مهم اعتقادی شیعه و سنّی مسأله شفاعت را طبق روایات متعدد بیان کرده‌اند. در قرآن بیش از بیست مرتبه از مسأله شفاعت سخن به میان آمده و مرحوم مجلسی در بحارالانوار، ۸۶ حدیث در این باره نقل فرموده است. فخررازی در تفسیر آیه ﴿أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا﴾[1] می‌گوید: همه مفسّران گفته‌اند: مقام محمودی را که خداوند در این آیه به پیامبرش وعده داده، همان مقام شفاعت اوست.[2]

بنابراین از نظر قرآن و روایات، در اصل شفاعت انبیا و اولیای خدا و امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف جای هیچ گونه تردید و اختلافی نیست. در روایتی از امام معصوم علیه‌السلام می‌خوانیم: در قیامت، شفاعت برای ما و شیعیان ما خواهد بود. «لنا شفاعة و لاهل مودّتنا شفاعة».[3]

البته شفاعت شامل حال همه افراد نمی‌شود، بلکه کسانی که دارای بینش و عقائد فکری و رهبری صحیح باشند و تنها در عمل دچار لغزشهایی شده باشند، مشمول شفاعت شافعان می‌شوند. قرآن می‌فرماید: ﴿لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾؛[4] تنها کسانی از شفاعت بهره‌مند می‌شوند که میان خود و خدایشان پیمانی داشته باشند و خدا و اولیای او و راه آنان را قلباً پذیرفته باشند.

آری، کسانی که در این دنیا از اولیای خدا و علمای ربّانی پیروی کرده باشند، در

---

۱. سوره اسراء، آیه ۷۹.
۲. *مفاتیح الغیب فخررازی*، ذیل آیه.
۳. *الخصال*، ج ۲، ص ٦٢٤.
٤. سوره مریم، آیه ۸۷.

آن روز هم می‌توانند از آنان بهره گیرند و مشمول شفاعت آن بزرگواران باشند؛ یعنی باید بذر شفاعت را در دنیا کاشت تا در آخرت برداشت کرد.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید:

> استَجِیبُوا الانبیاءَ وَ سَلِّمُوا بِامرِهِم وَ اعْمَلوا بِطاعَتِهِم تَدخُلُوا فِی شَفاعَتِهِم؛ دعوت و ندای پیامبران گرامی را بپذیرید و نسبت به فرمان‌های آن بزرگواران تسلیم باشید وعمل شما طبق دستور وفرمان آنان باشد تا در شفاعت آنان وارد شوید.

البتّه آیات و روایاتی نسبت به کوتاهی در بعضی از اعمال مهم، نظیر ترک و سبك شمردن نماز آمده است که شفاعت اولیای خدا شامل حال آنان نمی‌شود. قرآن در این باره یك صحنه بسیار جالبی را از گفتگوی اهل بهشت (در همان حال که در بهشت هستند) با اهل جهنّم ترسیم نموده و می‌فرماید: بهشتیان در بهشت از مجرمانی که در دوزخند می‌پرسند: «ما سَلَکَکُم فِی سَقَر»؛ چه کاری شما را به سوی جهنّم کشانید؟ و جهنّمیان پاسخ می‌دهند: ﴿لَمنَكُ مِنَ الْمُصَلِّینَ﴾؛[1] ما پای‌بند نماز نبودیم و در حقّ خدا کوتاهی کردیم و آنگاه بعد از شمردن چند ویژگی زشت اهل جهنم می‌فرماید: ﴿فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِینَ﴾؛[2] به خاطر این اعمال، شفاعت‌های شفیعان شامل حال آنها نشده و فائده به حالشان ندارد. نماز، آخرین سفارش انبیاء «وَ هی آخرُ وصایا الانبیاء». و آخرین سفارش امام صادق علیه‌السلام پیش از وفات است که همه خویشاوندان و فرزندان را دور خود جمع کرد و توصیه نمود که هر که نماز را سبك شمارد، مشمول شفاعت ما در قیامت نخواهد شد.[3] ائمه علیهم‌السلام در قیامت از افرادی شفاعت می‌کنند که در این دنیا رابطه‌شان با ائمه علیهم‌السلام خوب

---

۱. سوره مدثر، آیه ۴۳.
۲. سوره مدثر، آیه ۴۸.
۳. ***فروع کافی***، ج ۱، ص ۲۶۴.

باشد. هرکس اتصالش به امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بیش‌تر است، آن جا هم بیشتر مشمول شفاعت خواهد بود. رسول خدا در وصف امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف فرمودند: «**المهدی شفیعهم یوم القیامة**».[1] اما اگر کسی این جا رابطه‌اش قطع شود، مشمول شفاعت نخواهد شد.

نکته آخر آنکه برخی از گناهان است که فقط رضایت و شفاعت امام زمان سبب بخشش و غفران آن است. در زیارت جامعه کبیره که یک دوره کامل امام شناسی است می‌خوانیم:

> **یَا وَلِیَّ اللَّهِ إِنَّ بَیْنِی وَ بَیْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ذُنُوباً لَا یَأْتِی عَلَیْهَا إِلَّا رِضَاکُم**؛[2]
> ای ولی خدا! همانا بین من و خداوند عزوجل گناهانی است که جز رضایت شما توبه و بازگشت از آنها نخواهد بود.

غیر قابل فروش

۱. *الزام الناصب*، ج۱، ص۱۷٤.
۲. *من لا یحضره الفقیه*، ج۲، ص٦١٦.

فصل دوم. آثار مشترک نماز و مهدویت

نماز و انتظار ظهور هردو عبادت خدا هستند و عبادت، قرار دادن همه ابعاد زندگی در مسیر خواست و رضای الهی است. اینگونه رنگ خدایی زدن به کارها، تأثیرهای مهمّی در زندگی انسان دارد که به گوشه‌ای از آنها اشاره می‌شود:

۱. باقی ساختن فانی

انسان، و همه تلاش‌هایش از بین رفتنی است، امّا آنچه برای رضای خدا انجام گیرد و متعلّق به الله باشد، به صورت ذخیره درمی‌آید و باقی است. قرآن می‌فرماید: ﴿مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ؛[1] آنچه نزد شماست پایان می‌پذیرد و آنچه نزد خداست، ماندگار است﴾. و نیز می‌فرماید: ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ؛[2] هر چیزی نابود می‌شود مگر آنچه وجهه و رنگ و روی الهی داشته باشد﴾.

۲. تبدیل مادیّات به معنویات

اگر هدف در کارها خدا باشد و انسان بتواند نیّت و انگیزه و جهت کارهایش را در مسیر خواست خدا قرار دهد و بنده او باشد، حتی کارهای مادّی از قبیل خوردن، پوشیدن، مسافرت، دیدار، کار روزانه، خانه داری، تحصیل، همه و همه، معنوی می‌شود. برعکس، گاهی مقدّس‌ترین کارها، اگر با هدف مادّی و دنیوی انجام گیرد، از ارزش می‌افتد. اوّلی نهایت استفاده است، دوّمی نهایت زیان.

۱. سوره نحل، آیه ۹۶.
۲. سوره قصص، آیه ۸۸.

۳. سازندگی فرد و جامعه

عبادت و توجّه به خدا و پرستش او، چون همراه با نادیده گرفتن هوس‌ها و تمایلات، و تفاخر نداشتن نسبت به نژاد و لباس و زبان و زمین و شهر است و انس گرفتن با خدا و دل بستن به بی نهایت قدرت و کمال و تشکر از صاحب نعمت است، این مسائل، در ساختن فکر و زندگی فردی و اجتماعی مردم نقش دارد.

عبادت، حرکت در مسیر مستقیم الهی است: ﴿وَأَنِ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾.[۱]

عبادت، بار نیست، بلکه اهرم حرکت است: ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ؛[۲] از صبر و نماز کمك بگیرید﴾.

عبادت، هم انسان را به صورت فردی، از بردگی هوس‌ها و گناهان و شیطان نجات می‌دهد و هم یك جامعه عابد، که خدارا می‌پرستد، از پرستش طاغوت‌ها و ستمگران و ابرقدرت‌ها آزاد می‌شود.

عبادت، هم «فردساز» است و هم جامعه ساز، فساد جوامع، بیشتر از گرایش به عبودیت و پرستش غیر خدا سرچشمه و ریشه می‌گیرد.

۴. جهت‌دهی رفتارها

از ویژگی بارز نماز، جهت دادن به رفتارها است. نمازگزار باید رو به قبله بایستد و جهت و خطّ خود را روشن کند، البتّه قبله و جهت او را باید خداوند تعیین کند، نه خودش و نه طاغوت‌ها. قبله، رمز شناسایی مسلمین از دیگران است؛ از این جهت به مسلمین «اهل قبله» می‌گویند، مسلمانان با هر سلیقه و تفکّر و از هر نسل و نژادی، باید جهت واحدی داشته باشند. اگر مال و مقام هر لحظه دل ما را به سویی می‌کشد، هنگام نماز باید دل از همه بکنیم، کسی که جسم خود را رو به

۱. سوره یس، آیه ٦١.
۲. سوره بقره، آیات ٤٥ و ١٥٣.

غیر قابل فروش

خانه خدا کرد آمادگی آن را پیدا می‌کند که قلب و روح خود را متوجّه صاحب خانه کند. قبله ما کعبه است؛ اوّلین خانه‌ای که برای مردم و عبادت بنا شد. خانه‌ای که همه انبیا دورش طواف کرده‌اند، خانه‌ای که ابراهیم پایه‌هایش را بالا برده و اسماعیل در کنارش به کارگری پرداخته است، خانه‌ای که برای همه مردم و برای همیشه درهایش باز است و هیچ کسی در آنجا حقّ تعرّض ندارد. برای همه مردم مقدّس و از ملك هر کس آزاد است. انتظار حکومت مهدوی در زندگی انسان نیز همان کار نماز را انجام می‌دهد، زیرا هر شخص منتظری تمام رفتارهای خود را به سمت ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف جهت‌دهی می‌کند.

غیر قابل فروش

فصل سوم. شرایط مشترک صحت و قبولی نماز و انتظار

بارها بیان شد که یکی از وجوه مشترک نماز و انتظار ظهور، عبادی بودن آنها است، اما باید دانست که ارزش عبادت به صحّت و درستی آن است و صحّت آن به دو عامل مهم بستگی دارد: اول؛ صحیح بودن هدف و دوم؛ صحیح بودن شکل آن.

امّا «هدف»؛ کسب رضای الهی و انجام وظیفه، باید هدف انسان در عبادت باشد؛ از این رو، عبادتی که از روی ریا، یا کسب وجهه و خوشایند مردم باشد یا انسان انتظار ستایش از غیر خدا داشته باشد، شرك است. البته اگر هدف، خدا باشد و مردم متوجّه کار خالصانه انسان شوند، اشکال ندارد.[1] ریا در عبادت، علاوه بر آنکه حرام است، موجب بطلان آن نیز می‌شود. باید کوشید تا نیّت خالص عبادت، به انگیزه‌های غیر خدایی آمیخته نشود. درباره اخلاص در عمل، امام صادق علیه‌السلام فرموده است: «وَالْعَمَلُ الْخالِصُ الَّذی لا تُریدُ انْ یَحمَدك عَلَیهِ احدٌ الّا الله؛[2] عمل خالص، آن است که از احدی، به جز خداوند، انتظار مدح و ستایش نداشته باشی».

در آثار اخلاص، از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت است که:

> ما اخْلَصَ عَبْدٌ لِله عَزَّوجلَّ اربَعینَ صَباحاً الّا جَرَتْ یَنابیعُ الْحِکْمَةِ مِن قَلْبِهِ الی لِسانِه؛[3] بنده‌ای نیست که چهل روز تمام، کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد، مگر آنکه چشمه‌های حکمت و خرد، از روح و جانش بر زبانش جاری می‌شود.

۱. *تفسیر صافی*، ج ۲، ص ۳۵.
۲. *بحارالانوار*، ج ۷۰، ص ۲۳۰.
۳. همان، ص ۲۴۲.

اخلاص، دانشگاهی است که در مدّت چهل روز، فارغ التحصیلانی حکیم و فرزانه، تحویل می‌دهد.

امّا شکل کار؛ عبادتی صحیح است که به همان شکل و شیوه و صورت معین از سوی خدا و مکتب انجام گیرد، نه روی سلیقه‌های شخصی یا روشهای منحرف از دستور دین. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«لا قَول وَ لا عَمَل وَ لا نِيَّة الا بِاصابَةِ السُّنَّةِ؛[1] ارزشی برای گفته‌ها و عملها و نیّت‌ها نیست، مگر آن که طبق دستور و سنت انجام گیرد».

پس شکل عبادت را هم باید از اولیاء دین آموخت. حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند درخواست می‌کند که نحوه صحیح عبادت را به ما نشان بده: «وأرِنا مَناسِكَنا».[2] اگر بخواهید با کسی یا شهرستانی تماس تلفنی بگیرید، با یك شماره کم یا زیاد، شخص دیگر جواب می‌دهد یا شهر دیگری را می‌گیرید. در عبادات هم دقیقاً باید به همان صورتی انجام داد که دستور داده‌اند. مانند دندانه‌های یك کلید که اگر اندکی ریز یا درشت شود، دیگر قفل را باز نمی‌کند. امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ۱۸۹ بقره ﴿وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا﴾؛ از در خانه‌ها وارد شوید، نه از بیراهه، فرمود: «مقصود آن است که هر کاری را از راهش وارد شده و انجام دهید و طبق دستور عمل کنید».[3]

عبادات، غیر از شرایط صحّت، شرایط قبول و کمال هم دارد؛ یعنی آنچه که مراعاتش، انسان را به قرب خدا و رشد معنوی می‌رساند و در فرد و جمع، تأثیر می‌گذارد.

در آیات و روایات، شرایطی برای قبولی اعمال و عبادات بیان شده که نمونه‌هایی از آنها از این قرار است: شرط اعتقادی، شرط سیاسی، شرط اخلاقی، شرط اقتصادی،

---

۱. *الکافی*، ج۱، ص۷۰.
۲. سوره بقره، آیه ۱۲۸.
۳. مقصود آن است که هر کاری را از راهش وارد شده.

شرط اجتماعی، شرط بهداشتی و ... .

قبل از توضیح این موارد، تأکید می‌شود که انسان باید به مسئله قبولی عبادت عنایت خاصّی داشته باشد تا از تلاش معنوی‌اش بهره بیشتر ببرد. علی علیه‌السلام می‌فرماید: «**كُونُوا عَلى قَبُولِ الْعَمَلِ اشَدَّ عِنايَةً مِنكُم عَلَى الْعَمَلِ**؛[1] به قبولی عمل، بیش از اصل عمل توجّه داشته باشید».

انسان ممکن است برای پذیرش در جایی، هم کارت ورود بگیرد، هم طبق مقررات ظاهری عمل کند، ولی در مصاحبه به دلائلی مانند فساد اخلاق یا سوء سابقه یا ... رد شود. عبادات هم ممکن است از نظر مقررات الهی، درست انجام گیرد، ولی به دلایلی مورد قبول خدا واقع نشود. مگر نه این است که گاهی کارهای صحیحی از طرف افراد غیر مسئول انجام می‌گیرد، ولی به جای تشکّر، از آنان انتقاد هم می‌شود؟! پس شرطِ قبولی کار، چیزی دیگر است. اینك به بیان آن شرایط می‌پردازیم:

الف) شرایط قبولی

۱. شرط اعتقادی: ایمان به خدا

نداشتن ایمان، مایه تباهی اعمال است: ﴿وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ﴾.[2] کسانی مساجد خدا را آباد می‌کنند که ایمان به خدا و معاد داشته باشند: ﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾.[3] و عمل صالح از زن و مرد «مؤمن» است که موجب زندگی پاك می‌شود: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ

۱. *بحارالانوار*، ج ۷۱، ص ۱۷۳.
۲. سوره مائده، آیه ۵.
۳. سوره توبه، آیه ۱۸.

فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً﴾.[1]

کسی که خدا را قبول ندارد، برای او هم کاری نمی‌کند تا انتظار پاداش داشته باشد. قرآن کریم، اعمال کافران را همچون خاکستری می‌داند که در یك روز طوفانی در برابر باد قرار گیرد که چیزی از آن باقی نمی‌ماند.

۲. شرط سیاسی: ولایت

ولایت و رهبری صحیح و آسمانی، همه بندگان خدا و بندگی‌ها و نماز و حجّ و جهاد و ... را در مسیر الهی قرار می‌دهد و به آنها جهت شایسته می‌بخشد. مثل ایران امروز که با برخورداری از ولایت فقیه، راه رو به رشدی را می‌پیماید. در مقابل، کشورهای اسلامی دیگر، با آنکه نماز و روزه و ... دارند، ولی به خاطر انحراف در خط سیاسی و رهبری، در ذلّت‌اند. رهبری جامعه، همانند راننده در یك ماشین است. اگر همه سرنشینان، شیك و مرتب و مؤدّب باشند، اما راننده مست باشد یا جاده منحرف باشد، سقوط در پیش است، ولی اگر راننده، سالم و با تجربه باشد، هر چند مسافران، کهنه پوش و نامرتب باشند، این سفر به مقصد می‌رسد.

در حدیث از امام باقر علیه‌السلام است:

> مَنْ دانَ اللهَ بعبادَةٍ يَجْهَدُ فيها نَفْسَهُ وَ لا امام لَهُ مِنَ اللهِ فَسَعْيُهُ غَير مُقْبُولٍ؛[2] کسی که به خدا ایمان دارد وعبادت‌های طاقت‌فرسا هم انجام می‌دهد ولی امام لایقی از طرف خدا ندارد، تلاشش بی‌فایده است.

اگر رهبر آسمانی بود، پرستش خدا به طاغوت پرستی کشیده نمی‌شد و قوانین آسمانی تبدیل به خرافات نمی‌گردید و نمازهای جمعه، با همه شکوهش، به نفع

۱. سوره نحل، آیه ۹۷.
۲. *وسائل الشیعه*، ج ۱، ص ۹۰.

طاغوت‌ها نمی‌انجامید و حج، این مظهر قدرت و عزّت اسلام و مسلمین، چنین بی اثر یا به سود حکام دور از اسلام تبدیل نمی‌شد. در حدیث می‌خوانیم: «فَمَنْ لَم یَتَوَلّنا لَم یَرْفَعِ اللهُ لَهُ عَمَلًا؛[1] هر کس ولایت و رهبری ما را نپذیرد، خدا هم اعمال او را قبول نمی‌کند».

حضرت علی علیه‌السلام فرمود: «ما «باب الله» هستیم و راه خدا از طریق ما معرّفی و شناخته می‌شود».[2] پس شرط قبولی عبادات، ولایت است، ولی همراهش باید تقوا هم باشد.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «وَ ما تَنالُ وِلایَتَنا اِلّا بِالعَمَلِ وَالوَرَعِ؛[3] در خط رهبری ما نیست، مگر آن‌که اهل عمل و تقوا باشد».

۳. شرط اخلاقی: تقوا

داستان فرزندان آدم در قرآن آمده است. هر دو قربانی کردند؛ قربانی یکی پذیرفته شد و دیگری نه. خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛[4] خدا تنها از اهل تقوا می‌پذیرد﴾.

نقل کرده‌اند شخصی هنگام عبور از بازار، دو قرص نان سرقت کرد و دو انار از مغازه‌ای دیگر. سپس آن انار و نان را به فقیر داد. به او گفتند: این چه کاری است؟ گفت: خداوند هر گناه را یك کیفر، ولی ثواب را ده برابر پاداش می‌دهد. من با آن دو نان و دو انار، چهار گناه کردم، ولی به فقیر که دادم، چهل ثواب بردم. چهار گناه از چهل ثواب که کم شود، سی و شش ثواب باقی می‌ماند. به او گفتند: پاداش ده برابر، برای کسی است که کارش بر اساس تقوا باشد. انفاق از مال غصبی پاداش

۱. *کافی*، ج ۱، ص ۴۳۰.
۲. *کافی*، ج ۱، ص ۱۹۳، و ۱۴۵.
۳. همان، ج ۲، ص ۷۵ و *بحارالانوار*، ج ۷۱، ص ۱۸۷.
۴. سوره مائده، آیه ۲۷.

ندارد. مگر نخوانده‌ای که: «انما یتقبل الله من المتقین ...»!

۴. شرط اقتصادی: ادای حق مردم

رسیدگی به نیازمندان و ادای حقوق محرومان به درجه‌ای از اهمیت است که گاهی قبولی عبادت بستگی به آن دارد. پرداختن زکات، یا داشتن درآمد مشروع، از این نمونه‌هاست. امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ صَلّی و لم یُزَكِّ لَمْ تُقْبَلْ صَلوتُه؛[۱] هر کس نماز بخواند، ولی زکات (و مالیات اسلامی) نپردازد، نمازش قبول نمی‌شود».

در حدیث دیگری علی علیه‌السلام به کمیل می‌فرماید: «هر گاه غذای تو از راه حلال و درآمد صحیح نباشد، خداوند، تسبیح گفتن و شکر کردن تو را قبول نمی‌کند».[۲]

۵. شرط اجتماعی: خیرخواهی نسبت به دیگران

حفظ پیوندهای اجتماعی و اخوّت میان مسلمانان و روابط شایسته ونیکو میان پیروان اسلام، اهمیّت بسیاری دارد. از این رو، هر سخن و عملی که به گسستن پیوندها و به هم زدن روابط خوب منجر شود نارواست. «غیبت»، «سوء ظن»، «بد خواهی»، «قطع رابطه»، «بد خلقی» و ... از اوصاف و اعمالی هستند که موجب قبول نشدن عبادت می‌شوند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

> مَنِ اغْتابَ مُسْلِماً اوْ مُسْلِمةً لَمْ یَقْبَلِ اللّهُ صَلاتَهُ وَ لاصِیامَهُ اَرْبَعینَ یَوماً وَلَیْلَةً اِلّا اَنْ یَغْفِرَ لَه صاحِبُهُ؛[۳] کسی که غیبت زن و مرد مسلمانی را بکند، تا چهل روز نماز و روزه‌اش را خدا نمی‌پذیرد، مگر آنکه آن شخص، او را ببخشد.

و نیز، آن حضرت فرمود:

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۹۶، ص ۱۲.
۲. *سفینة‌البحار*، ج ۱، واژه «حلّ».
۳. *جامع السعادات*، ج ۲، ص ۲۳۴.

یا اباذَر! ایاكَ وَ هِجْرانَ اخیكَ، فَانَّ الْعَمَلَ لا یُتَقَبَّلُ مَعَ الْهِجْران؛[1] ای ابوذر! از دوری و قطع رابطه با برادر دینی بپرهیز، چراکه عمل اینگونه اشخاص پذیرفته نیست.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

لا یَقْبَلُ اللهُ مِنْ مُؤمِنٍ عَمَلًا وَ هُوَ مُضْمِرٌ عَلی اخیهِ سُوءً؛[2] هر مؤمنی که نسبت به برادر دینی‌اش، نیّت بدی داشته باشد، خداوند عمل او را قبول نمی‌کند.

نیز آن حضرت فرموده است:

انَّ سُوءَ الخُلقِ یُفْسِدُ العَمَلَ کَما یُفْسِدُ الخَلُّ العَسَلَ؛[3] بد اخلاقی با مردم، چنان عمل را فاسد می‌کند، که سرکه، عسل را.

نتیجه آنکه بدگویی از دیگران، نیّت سوء درباره مردم، ترک دوستی، غیبت و امثال آن - که باعث سست شدن پیوندهای اجتماعی مسلمانان می‌شود- از موانع قبول شدن عبادات به حساب آمده است و نمازگزار و اهل عبادت، باید روابط دینی مستحکمی با بندگان خدا داشته باشد تا پرستش‌هایش شایستگی قبولی را پیدا کند.

۶. شرط خانوادگی: خوش‌رفتاری

آئین مقدس و متعالی اسلام، میان عبادت و سیاست و اخلاق و اجتماع، پیوندی منسجم ایجاد کرده است. در امور خانوادگی هم رعایت احترام و حقوق متقابل زن و شوهر را چنان مهم دانسته که بی توجهی به آن گاهی باعث قبول نشدن عبادات می‌گردد. و قطع پیوندهای زمینی، به قطع پیوند آسمانی می‌انجامد. در این زمینه

۱. *مکارم الاخلاق*، ص ٥٥٤.
۲. *اصول کافی*، ج ۲، ص ٣٦١.
۳. همان، ص ٣٢١.

پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده است:

مَنْ كانَ لَهُ امْرئَةٌ تُوذيهِ لَمْ يَقْبَلِ اللّهُ صَلاتَها وَ لا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِها ... وَ عَلَى الرَّجُل مِثْلُ ذلِكَ؛[1] هر کس زن بد رفتار و اذیت کننده‌ای داشته باشد، خداوند نماز و کارهای نیك آن زن را نمی‌پذیرد.

(مرد نیز همچنین است)

نه تنها بد رفتاری زن با شوهر یا برعکس، این اثر را دارد، حتی نگاه خشم آگین به پدر و مادر هم مانع قبولی عبادت است. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

مَنْ نَظَرَ الى أَبَويهِ نَظَرَ ماقتٍ وَ هُما ظالِمانِ لَهُ لَمْ يَقْبَلِ اللّهُ لَهُ صَلاةً؛[2] نماز فرزندانی که با خشم به پدر و مادر خود نگاه می‌کنند، قبول نمی‌شود.

گرچه والدین، نسبت به آنان کوتاهی و ظلمی کرده باشند. آری ... وقتی ما از نردبان نماز، به معراج می‌رویم که پایه‌های آن روی زمین محکمی باشد، ولی اگر روی یخ لغزنده یا زمین سُست قرار داده شود، بالا رفتن را مشکل یا غیر ممکن می‌سازد. کمال معنوی در سایه عبادات، آن هم با حسن رفتار و روابط شایسته اجتماعی حاصل می‌شود. مسائل دیگری هم در روایات بیان شده که مانع قبولی اعمال است، مانند شراب خوردن و... البته نباید تصوّر شود که حال که خدا قبول نمی‌کند، پس نماز نخواند و روزه نگیرد و ...، بلکه این‌گونه روایات، نشان دهنده ضعف عمل و کم ارزشی آن به خاطر رفتار و خصلت‌های ناشایست عبادت کننده است.

قرآن، ثمره نماز را، باز داشتن از فحشاء و منکر می‌داند ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾[3] و این خاصیّت، مغز و محتوای اصلی نماز و نشان قبولی اعمال و عبادات

۱. *وسائل الشیعه*، ج ۱۴، ص ۱۱۶.
۲. *اصول کافی*، ج ۲، ص ۳۴۹.
۳. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

است. هسته بی‌مغز، رشد نمی‌کند و ثمر نمی‌دهد. نماز بدون بازداشتن از بدی‌ها، همان عبادت بی‌محتواست. امام صادق علیه‌السلام در بیان این نشانه، می‌فرماید:

مَنْ احَبّ انْ يَعْلَمَ اقُبِلَتْ صَلاتُه امْ لَمْ تُقْبَل، فَلْينظُر هَلْ مَنَعتْهُ صَلاتُه عَنِ الْفَحشاءِ وَالمنكر؟ فَبقَدرِ ما ضَعَتْهُ قُبِلَتْ مِنه؛[1] هر کس دوست دارد بداند نمازش قبول شده یا نه، ببیند که آیا نمازش او را از گناه و زشتی باز داشته یا نه؟ پس به هر قدر که نمازش او را از گناه باز داشته، به همان اندازه نمازش قبول شده است.

عبادت زمانی ارزش دارد که سطحی نباشد، بلکه همراه با شناختِ رهبر آسمانی و ولایت او و همراه با خشوع و آداب مخصوص خود باشد. حضرت علی علیه‌السلام گرفتار یك عدّه نماز خوانِ خشك مقدس بود که در تاریخ به نام مارقین و خوارج معروفند. کسانی که پیشانی آنها به خاطر سجده‌های طولانی و مکرّر پینه بسته بود، امّا در برابر علی علیه‌السلام قیام کردند و بر او شمشیر کشیدند. گمان نکنید آنها که برای کشتن امام‌حسین به کربلا آمده بودند همه تارك‌الصلوة بودند، بلکه نماز جماعت می‌خواندند! حتی خود یزید و معاویه پیشنماز بودند! آری، عبادتی که همراه با جهالت باشد، کشتنِ عابدترین مردم را در محرابِ عبادت، بزرگ‌ترین عبادت می‌داند و با قصد قربت برای کشتن علی علیه‌السلام می‌رود!

نه فقط نماز که سایر عبادات نیز باید همراه با معرفتِ رهبر حق و اطاعت از او باشد، لذا در روایات آمده که خداوند حج را واجب کرد تا مردم دور خانه او جمع شوند و در این مرکز اجتماع با امامان معصوم ارتباط برقرار کنند. اما امروزه میلیون‌ها نفر گرد کعبه می‌گردند، و به خاطر نداشتن رهبر آسمانی از هم گسیخته‌اند و با داشتن مرکز وحدت و اهرمهای اقتصادی از عدّه‌ای یهودی توسری می‌خورند!

۱. *بحارالانوار*، ج ۸۲، ص ۱۹.

آری، اسلام مجموعه‌ای است که تجزیه‌بردار نیست. نماز بدون پذیرفتن ولایت قبول نیست، نماز بدون پرداخت زکات قبول نیست؛ چنانکه انفاق بدون نماز نیز پذیرفته نیست. دستورات اسلام مثل اعضای بدن است که هیچیك جای دیگری را نمی‌گیرد؛ نه چشم کار گوش را می‌کند و نه گوش کار دست را. در اسلام نیز خواندن نماز جای زکات را نمی‌گیرد، چنانکه هیچیك از این دو جای جهاد و مبارزه در راه خدا را پر نمی‌کنند. بلکه مجموعه اینها اسلام است. گاهی عبادت، صحیح است، ولی رشد آور نیست، مثل دارویی که شفابخش نیست. گاهی عبادت، از کیفر می‌رهاند، ولی ما را محبوب خدا نمی‌سازد.

ب) شرایط کمال

غیر از شرایط صحّت و قبول عبادات که بیان شد، اموری هم جزء شرایط کمال عبادت است. این شرایط، نشان دهنده ارزش والاتر و محتوای بهتر و تأثیر بیشتر عبادات است. این شرایط، از این قرار است:

۱. مشکل‌تر باشد

انجام کارها و عبادات آسان از همه کس برمی‌آید، ولی عباداتی که دشوارتر است و همّت و اراده و رنج بیشتری لازم دارد، با ارزش‌تر و به کمال نزدیك‌تر است. قرآن، از کسانی که در دوران سختی، پیامبر خدا را یاری و پیروی کردند ستایش می‌کند.[۱] امام مجتبی علیه‌السلام با آنکه مرکب سواری داشت، ولی پیاده به سفر حج می‌رفت تا پاداش بیشتری داشته باشد. قرآن، از نماز شب خوانانی تمجید می‌کند که خود را از بستر نرم و گرم جدا کرده و به نیایش و نماز می‌پردازند.[۲] علی علیه‌السلام فرموده است:

۱. سوره توبه، آیه ۱۱۷.
۲. سوره سجده، آیه ۱۵ و ۱۶.

«افْضَلُ الاعمالِ ما اکْرَهْتَ نَفْسَكَ عَلَيْهِ؛[1] برترین کارها آنست که خود را بر انجام آن وادار کنی».

قرآن، پاداش و مقام مجاهدان بزرگ و سخت‌کوش را برتر دانسته و می‌فرماید: ﴿وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾.[2]

۲. مهم‌تر باشد

در انجام کارها، رعایت «اهم و مهّم»، نشان عقل و عاقبت اندیشی و مصلحت شناسی است و اسلام، در کارها به آنچه که لازم‌تر و مفیدتر و مهم‌تر است تشویق می‌کند؛ چه در آموختن، چه در عبادت، چه در انفاق. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده است: «لا صَدَقَةَ وَ ذُورَحِمٍ مُحتاج؛[3] با وجود بستگان نیازمند، انفاق و کمك به دیگران بی ارزش است».

و علی علیه‌السلام می‌فرماید: «لا قُربَةَ بِالنَوافِلِ اذا اضرَّتْ بِالْفَرائِضِ؛[4] هرگاه نمازهای مستحب، به نمازهای واجب ضرر برساند، آنگونه عبادت، موجب قرب به خدا نخواهد بود».

۳. اثرش پایدارتر باشد

برکت، آثار فراوان و فواید ماندگار یك عمل و انسان است. کاری و عبادتی صفت کمال دارد که آثار آن زودگذر و ناپایدار نباشد. علی علیه‌السلام می‌فرماید: «ربَّ يَسيرٍ انْمى مِنْ كَثيرٍ؛[5] چه بسا کارهای کم و ناچیز که از کارهای بسیار، رشد و نموّ بیشتری دارد». برخی از تألیفات و اقدامات شایسته و مراکز خدماتی به اندازه‌ای خیر و برکت

۱. *نهج البلاغة*، ص ۵۱۱، قصار ۲۴۹.
۲. سوره نساء، آیه ۹۵.
۳. *نهج الفصاحه*، ۵۲۲.
۴. *الحیاة*، ج ۱، ص ۳۱۸.
۵. *نهج البلاغه*، وصیت ۳۱.

و آثار وجودی دارد که بسیاری از آثار و نوشته‌ها و اعمال، فاقد آن است. پس برکت نیز یکی از شرایط کمال عبادات است.

۴. در خطّ پیامبر باشد

کمال عبادات و اعمال، آن است که در مسیر و خط سنّت و سیره پیامبر و اولیاء دین باشد، نه بر اساس تشریفات یا سنّت‌های موروثی از نیاکان یا محیط و خواسته مردم. عبادت، هر چه به روش معصومین علیهم‌السلام نزدیک‌تر باشد ارزشمندتر است.

سبقت داشته باشد

در عبادات و کارهای نیک، سابقه ارزش دارد و پیشتازی به اینگونه امور، ملاک کمال است. قرآن، به طور مکرّر، فرمانِ «سارعوا» و «سابقوا» دارد. در جایی می‌فرماید: ﴿ وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى؛[1] مسلمانانی که پیش از فتح مکه، انفاق و جهاد کردند، پاداش بیشتری دارند از آنانکه پس از فتح مکه انفاق و مبارزه کردند. گرچه خداوند به هر دو گروه، وعده پاداش داده است﴾. پس سبقت در کارهای شایسته (انفاق و جهاد) از ملاک‌های کمال است. در حدیثی می‌خوانیم، علی علیه‌السلام فرمود:

لایتمّ المعروفُ الّا بثلاثِ خصالٍ: تَعْجیله وَ تَصْغیرهُ وَ سترهُ؛[2] کار خیر، زمانی ارزش بیشتر دارد که هم زودتر انجام بگیرد، هم انجام دهنده آن را کوچک پندارد (و به آن مغرور نشود) و هم پنهانی و دور از تظاهر انجام گیرد.

از این رو، بهترین نماز، نماز اوّل وقت است و هر چه از اوّل وقت دورتر شود، فضیلتش کمتر می‌شود. در اذان که شعار رسمی ماست، می‌گوییم: «حَیَّ عَلَی

۱. سوره حدید، آیه ۱۰.
۲. *تحف العقول*، ص ۳۲۳

الصَّلاةِ، حَیَّ عَلَی الْفَلاحِ، حَیَّ عَلی خَیْرِالْعَمَلِ». به سوی نماز و رستگاری و بهترین کارها بشتاب ...!

۵. در شرایط دشوار انجام شود

کار نیك و عبادتی که در شرایط سلطه ستم و طاغوت‌ها انجام گیرد، چون فداکاری بیشتری می‌خواهد وتأثیر فراوان‌تر دارد، ارزشمندتر است. آنجاکه فشارهای محیط بیرون و غرایز درون، دست به دست هم می‌دهد تا مانع عبادت و عبودیت شود، غلبه بر این فشارها و پرستش خدا، ارزش و کمال است.قرآن در ستایش از مؤمنان راستین می‌گوید: ﴿وَلَا یَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ؛[1] در راه خدا از ملامت هیچ ملامتگری هراس ندارند﴾. در جای دیگر می‌فرماید: ﴿الَّذِینَ یُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَیَخْشَوْنَهُ وَلَا یَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ؛[2] آنان، پیام‌های الهی را می‌رسانند و از او می‌ترسند و از احدی جز خداوند نمی‌ترسند﴾. آری ... آنانکه در محیط فاسد و سلطه ظالم، خود و دین خود را حفظ می‌کنند (مانند همسر فرعون) از مقام بالاتری برخوردارند.

۶. نشاط و دوام داشته باشد

بی نشاطی در عبادت، نشانه‌ای از نفاق است. قرآن منافقان را چنین توصیف می‌کند که وقتی به نماز می‌ایستند، نشاط ندارند.[3] در مقابل، نشاط بندگی، ارزش است و نیز تداوم عبادت، کمال آفرین است. در احادیث، اعمال اندکی که پیوسته و مستمر باشد، بهتر از عبادت زیاد ولی همراه با تنبلی و ملالت و رها کردن به شمار آمده است. قرآن وعده پاداش‌ها و بهره‌مندی‌های زیاد در علم، فکر و ... را به کسانی داده که در طریقت اسلام، پایدار باشند: ﴿وَأَنْ لَوِ اسْتَقَامُوا عَلَی الطَّرِیقَةِ

۱. سوره مائده، آیه ٥٤.
۲. سوره احزاب، آیه ۳۹.
۳. سوره نساء، آیه ١٤٢.

لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾.[1]

۷. عبادت خود را بزرگ نشمارد

انسانهای مغرور، عبادت خود را بزرگ و مهم می‌بینند و از این راه، دچار تباهی اعمال می‌شوند. شرط کمال عبادت آن است که عابد، عباداتش را زیاد نبیند و مغرور نشود.امام سجّاد در دعای «مکارم الاخلاق» از خداوند چنین می‌طلبد: «اللّهُمَّ عَبِّدْنی لَكَ وَ لا تُفْسِدْ عبادَتی بالعُجْبِ؛ خدایا به من توفیق عبادت بده و عبادتم را با «عُجب» تباه مساز».

احادیث بسیاری به این مضمون است که انسان عبادات و کارهای نیك خود را بزرگ نشمارد. خداوند در قرآن، از عبادت و تسبیح بسیار فرشتگان و ذکر دائمی آنان یاد می‌کند.[2] شاید به این جهت که بندگان روی زمین، مغرور چند رکعت نماز و عبادت خود نشوند.

۸. با بصیرت باشد

آگاهی عمیق و بصیرت و اندیشه در دین، رمز ارزشمندی کارها و عبادات است و بدون آن، عمل، فاقد ارزش لازم است. علی علیه‌السلام می‌فرماید: «الا، لا خَيرَ فِي عِبادةٍ لَيْسَ فيها تَفَكُّرٌ؛[3] عبادت بدون بصیرت و فکر، بی ارزش است».

در حدیث دیگری تعبیر «یقین» آمده است:

انّ الْعَمَلَ الدائم الْقَليل عَلى الْيَقينِ، افْضَلُ عِنْدَاللهِ مِنّ العَمَل الكَثير عَلى غَيْرِ يَقينٍ؛[4]

عمل اندك ولی همیشگی بر اساس «یقین»، برتر است نزد خداوند، از کار بسیار بدون یقین و بصیرت.

---

۱. سوره جن، آیه ۱۶.
۲. سوره انبیاء، آیه ۲۰.
۳. *سفینة‌البحار*، کلمه «نظر».
۴. همان، کلمه «عبد».

فصل چهارم. آداب مشترک نماز و انتظار ظهور

اگر گفتیم نماز و انتظار ظهور امام زمان عبادت خدا محسوب می‌شود، روش عبادت را باید از قرآن و عترت آموخت. آنگونه که آدرس هر خانه را باید از صاحب خانه گرفت. آیات قرآن و احادیث معصومین، بهترین عبادت را کدام می‌دانند و چه اوصافی برای آن می‌شمارند؟ جواب را باید از قرآن و عترت دریافت. پس مروری به کلمات اولیاء دین می‌کنیم تا ببینیم هم در نماز و هم در موضوع انتظار امام زمان باید چگونه عمل کنیم:

۱. آگاهانه

اولین شرط در آداب نماز و انتظار فرج آن است که هر دو باید با آگاهی انجام شود. درباره نماز در حدیث آمده است: «رَكْعَتانِ مِنْ عالِمٍ خَيرٌ مِن سَبْعينَ رَكْعَةً مِن جاهِلٍ؛[1] دو رکعت نماز عالم، بهتر از هفتاد رکعت نماز جاهل است». و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده است: «از نماز، آن قسمتی مورد قبول است که انسان بر اساس تعقّل و آگاهی بخواند».[2] در حدیث دیگر است:

الْمُتَعَبِّدُ عَلى غَيرِ فِقْهٍ كَحِمارِ الطّاحُونَةِ؛[3] عابدی که از روی فهم ودرك عبادت نکند، همچون الاغ آسیاب حرکت می‌کند، ولی در جا می‌زند وپیش نمی‌رود.

نماز آگاهانه آن است که انسان بداند چه می‌کند، چه می‌گوید، با که صحبت می‌کند، حضور قلب و توجّه به خدا داشته باشد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «دو رکعت

۱. *الإختصاص*، ص ۲۴۵.
۲. *محجة البيضاء*، ج ۱، ص ۳۶۶.
۳. *الإختصاص*، ص ۲۴۵.

نماز با توجّه، از شب زنده داری غافلانه بهتر است».[1]

قرآن می‌فرماید: ﴿لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ؛[2] در حال مستی سراغ نماز نروید، تا بدانید که چه می‌گویید﴾.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «هر که دو رکعت نماز بخواند و بداند با که سخن می‌گوید و چه می‌گوید، گناهانش بخشیده می‌شود».[3]

۲. عاشقانه

آنگونه که بیمار، از غذای لذیذ، لذّت نمی‌برد، عبادت کنندگان بی شوق هم لذّتی از پرستش نمی‌برند. عبادت باید همراه محبت و عشق و نشاط و لذّت باشد، نه همراه کسالت و بیحالی و افسرده دلی. نشاط در عبادت، امتیازی است که انسانهای شیفته دل از آن برخوردارند. زمینه آن را هم باید با معرفت و توجّه به دست آورد. عبادت زوری و تحمیلی، بی نتیجه است.امام صادق علیه‌السلام فرمود: «لا تُكْرِهُوا الى انْفُسِكُم الْعِبادَة؛[4] عبادت را به خودتان تحمیل نکنید».

آنگونه که برای دیدار یك شخصیت محبوب و بزرگ، نشاط و شوق می‌یابیم، برای دیدار با خدا و پرستش در آستان او هم باید قلبی مشتاق و با نشاط بیابیم. اولیاء دین و معصومین علیهم‌السلام چنان شیفته لحظه دیدار با خدا بودند و چنان عاشقانه نماز و عبادت داشتند که شگفت آور است (به نمونه‌هایی در بحث‌های بعد اشاره می‌شود).

۳. خالصانه

گوهر خلوص، به عبادت‌ها ارزش و اعتبار می‌بخشد و عبادتی که خالص برای

---

۱. ***بحارالانوار***، ج ۸۴، ص ۲۵۹.
۲. سوره نساء، آیه ۴۳.
۳. ***الوافی***، ج ۲، ص ۱۰.
۴. ***اصول کافی***، ج ۲، ص ۸۳.

خدا نباشد و ریا، نفاق و شهرت‌طلبی و عوام فریبی باشد، فاقد ارزش است و نزد خداوند هم پذیرفته نیست. قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾[1] هر که به خدا و قیامت ایمان دارد کسی را در عبادت، شریك خدا نسازد﴾. امام رضا علیه‌السلام فرمود: «مَنْ شَهَّرَ نَفْسَهُ بِالْعِبادَةِ فَاتَّهِمُوهُ عَلى دينِه؛[2] هر کس با طرح عبادت خویش در جامعه، خود را مشهور می‌کند، نسبت به دین او بدبین باشید». چنین کسانی از دین، دامی برای فریب مردم می‌سازند. عبادت بی اخلاص، همچون جسم بی جان و پیکر بی روح است. و به تعبیر قرآن، مردم فرمان نیافته‌اند مگر آنکه با دینی خالص خدا را بپرستند: «وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعْبُدُواْ اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَّهُ الدِّينَ».[3]

۴. خاشعانه

خشوع، آن توجّه قلبی به پروردگار و داشتن حالتی است که مناسب با عظمت خداوند است. پرستش خدا باید همراه با قلبی سرشار از احساس عظمت خدا و کوچکی و نیاز در مقابل او باشد. قرآن، در وصف مؤمنان رستگار، «خشوع در نماز» را بیان می‌کند: ﴿الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾[4] این خشوع قلبی، باید سراسر وجود اهل عبادت را فرا بگیرد. راه به دست آوردن آن، این است که نمازگزار، چنان عبادت کند که گویا خدا را می‌بیند و ذلت و کوچکی خویش را در برابر قدرت و عظمت او حسّ کند. در حدیث آمده است که: «اعْبُدُاللَّهَ كَانَّكَ تَراه؛[5] خدا را چنان عبادت کن که گویا او را می‌بینی». همچنین در حدیث دیگر است: «فَصَلِّها لِوَقتِها صَلاةَ مُوَدِّع؛[6] نماز را در وقتش چنان بخوان، که گویا آخرین نماز توست و تو از نماز

۱. سوره کهف، آیه ۱۱۰.
۲. *وسائل الشیعه*، ج ۱، ص ۵۸.
۳. سوره بیّنه، آیه ۵.
۴. سوره مؤمنون، آیه ۳.
۵. *مصباح الشریعه*، ص ۸.
۶. *الأمالی للصدوق*، ص ۴۹۹.

و دنیا خداحافظی می‌کنی».

۵. مخفیانه

انسان، مصون از دام‌های شیطان نیست و عبادت‌های عابد، چه بسا با عُجب و ریا و خودنمایی تباه می‌شود. راه غلبه بر این آفت، عبادت‌های پنهانی است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «اعْظَمُ الْعِبادَةِ اجْراً اخْفاها؛[۱] پاداش عبادتی بیشتر است که مخفی‌تر باشد».

البته این در مواردی است که خود اسلام، دستور به عبادت‌های علنی (مثل نماز جماعت و جمعه و حجّ) نداده باشد، چراکه نماز جماعت در مسجد، برتر از نماز فرادی در خانه است. عبادت مخفیانه بسیاری اوقات، جلوی ریا و تباه شدن عبادت را می‌گیرد.

۶. مستمرانه

دوام و پشتکار در هر کاری پسندیده است، در عبادت هم چنین است. از نظر اسلام، عبادت کوچك و کم، ولی پیوسته، ارزشمندتر از عمل نیك بزرگ، ولی بی دوام است.قرآن می‌فرماید: ﴿فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ؛[۲] خدا را بپرست، و در راه عبادت او صبور و شکیبا باش﴾. از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز نقل شده است که: فرمود: «آفَةُ الْعِبادَةِ الْفَتْرَةُ؛[۳] آفت عبادت، سستی و گاهی انجام دادن و گاهی ترك است». و در احادیث بسیاری این مضمون آمده است که: «انَّ احَبَّ الاعْمالِ الَی اللهِ تَعالی ادْوَمُها و انْ قَلَّ؛[۴] نزد خداوند، محبوب‌ترین کارها، آن است که بیشتر دوام یابد، هر

۱. *وسائل الشیعة*، ج۱، ص ۷۹.
۲. سوره مریم، آیه ٦٥.
۳. *المحاسن*، ج۱، ص ۱۷.
٤. *نهج الفصاحه*، جمله ٤٥٣.

چند اندك باشد!» سفارش شده که: هر کاری را شروع کردید، حدّاقل تا یك‌سال ادامه دهید.

پس تداوم داشتن عبادت و روحیه پرستش در انسان، مهمّ است. نه آنکه گاهی تب عبادت و دعا و مسجد انسان را بگیرد، و مدّتی هم بکلّی این امور را رها کند و بیگانه با عبادت شود.

۷. فرصت‌طلبانه

سرمایه عمر و فرصت‌های زندگی از کف می‌رود و همچون ابرهای گذران، از آسمان حیات ما می‌گذرد. باید هوشیار بود و از این رهگذر، بیشترین بهره را برد و بندگی خدا کرد. در حدیث زیبایی، علی علیه‌السلام فرموده است:

انَّ اللَّیْلَ وَ النَّهارَ یَعْمَلانِ فیكَ فَاعْمَلْ فیهِما وَ یَأْخُذانِ مِنْكَ فَخُذْ مِنْهُما؛[1] شب و روز در تو کار می‌کنند، تو هم در آنها کار کن، و از تو می‌گیرند، تو هم از آن‌ها بگیر.

راستی ... عمری را که می‌دهیم و این سرمایه را شب و روز خرج می‌کنیم، چه به دست می‌آوریم؟ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده است: «الدُّنیا ساعةٌ فَاجْعَلُوها طاعَةً؛[2] دنیا، ساعت و لحظه‌ای بیش نیست، آن را در راه اطاعتِ خدا به کار گیرید». اگر هم در شرایطی خاص امکان عبادت و بندگی کم بود، باید تلاش کرد و زمینه فراهم ساخت و به محیط‌های آزادتر رفت و خدا را پرستید، که تنگنای زمین و زمان، برای دوری از پرستش خدا، بهانه نیست: ﴿إِنَّ أَرْضِی وَاسِعَةٌ فَإِیَّایَ فَاعْبُدُونِ﴾.[3]

۱. *الحیاة*، ج ۱، ص ۳۳۱.
۲. *بحارالانوار* ج ۷۷، ص ۱۶۴.
۳. سوره عنکبوت، آیه ۵۶.

۸. صبورانه

راه خداپرستی دشواری‌هایی هم همراه دارد، چه از سوی طاغوت‌ها که مانع توجّه مردم به خدایند؛ چه از طرف بی دینان که دین‌داران را مسخره می‌کنند؛ چه از سوی شیطان و نفس که تلاش در جهت بازداشتن انسان از عبادت دارند؛ و چه از طرف هر عاملی که مانع تراشی کند. مگر پیامبر اسلام را هنگام نماز، در کعبه، آزار نمی‌دادند؟ مگر مسلمانان مبارز، به خاطر خداپرستی، زیر شکنجه‌های طاغوت جان نمی‌دادند؟ مگر بلال حبشی‌ها، در راه خدای یکتا، شلاق نمی‌خوردند؟

مردان خدا در هیچ حال و شرایطی، دست از خدا و پرستش او و اجرای دین او برنمی‌دارند. حضرت زینب علیها السلام با آن‌همه مصیبت‌ها و شهادت‌ها که دیده بود، باز هم در طول سفر کوفه و شام، نماز شب را ترک نکرد، گرچه به خاطر بی طاقتی، نشسته می‌خواند. امام خمینی رحمه الله در آخرین شب عمر هم، در بیمارستان، دست از نمازهای مستحب نکشید.

راه حق، دشواری هایی دارد که باید به جان خرید و از هو شدن و دشمنی دیدن نهراسید. علی علیه السلام می‌فرماید: «لا تَسْتَوحِشُوا فی طَریقِ الْهُدی لِقِلَّةِ اهْلِهِ؛[1] در راه حق، به خاطر کمی افرادش، هراس نداشته باشید». گاهی ممکن است به خاطر خرید چیزی یا صرف غذا یا افتادن جنسی از ماشین، با اصرار اتوبوس را نگهداریم، ولی برای نماز، شهامت فریاد زدن و اتوبوس را نگاه داشتن نداشته باشیم! ...

۹. توسعه‌گرانه

مؤمن خداپرست، باید به گسترش فرهنگ عبادت بپردازد و تنها به نماز و عبادت خود اکتفا نکند، بلکه دیگران را هم با خدا و پرستش، آشنا کند. توصیه به حق و

۱. *نهج البلاغه*، خطبه ۱۹۲.

وظیفه تبلیغ، بر عهده هر مؤمن است. خداوند، بعد از ایمان و عمل صالح، انسان را به دعوت به حق و صبر فرا می‌خواند: ﴿وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾.[1]
اگر ده نفر سیگاری وارد منطقه‌ای شوند، در مدت کمی افراد زیادی را با دود آشنا می‌کنند، چند نفر فاسد، محله یا شهری را به فساد می‌کشند. چرا نباید تعدادی اهل نماز و عبادت، مردم را با خدا آشنا سازند و زمین و محیط را محل پرستش خدا کنند؟ باید با تمام نیرو، در خانه، محلّه، مدرسه، اداره، شهر و روستا به فکر توسعه اهداف الهی خود باشیم و در این راه، هر گونه توانایی خود را به کار گیریم.

غیر قابل فروش

۱. سوره عصر، آیه ۳.

فصل پنجم. آفات مشترک نماز و انتظار ظهور

شیطان، این دشمن قسم خورده و دیرینه انسان که همواره در کمین انسان است تا عبادت‌هایش را تباه و بی نتیجه سازد، از این راه‌ها برای فاسد کردن و باطل نمودن عبادات ما وارد می‌شود:

۱. ریا و خودنمایی

کسی که نه برای خدا، بلکه برای جلب نظر مردم یا رسیدن به موقعیّت و شهرت، عبادت می‌کند، او گرفتار دام شیطان است و عباداتش به هدر می‌رود. این اخلال در عبادت، توسّط شیطان حتّی گاهی پیش از عمل هم، در نیّت پدید می‌آید و از «قصد قربت» باز می‌دارد.

۲. عُجب و خودخواهی

شیطان انسان را در حین عبادت، به خودپسندی و مهم دانستن عبادت‌ها می‌کشد و اگر کار، با نام و برای خدا هم شروع شده باشد، در نیمه راه، شیطان آن را تباه می‌سازد و انسان را به غرور، دچار می‌سازد.

۳. خطا و گناه‌کاری

بی شك، گناهان، آثار خوب عبادات را از بین می‌برند. کشاورزی که پس از ماهها تلاش و زحمت در راه به‌ثمررساندن مزرعه و باغ، در اثر یك غفلت، گرفتار آتش سوزی و حریق خرمن می‌شود، رنج‌هایش هدر رفته است.

گناهان، آتشی در خرمن عبادات و اعمال ما هستند که آنها را بر باد می‌دهند.

خلاصه آنکه: شیطان، با جلوی ورود آب زلال را به جام دل انسان می‌گیرد

یا پس از پر شدن این ظرف، آن را آلوده و فاسد می‌سازد و یا «زیرآب» آن را کشیده، آب‌ها را هدر می‌دهد.

امام سجاد علیه‌السلام در دعای «مکارم الاخلاق» از خداوند چنین می‌طلبد:

اَلهی عَبِّدْنی لَکَ وَ لا تُفْسِدْ عِبادَتِی بِالْعُجْبِ ... اعِزَّنی وَلا تَبْتَلِیَنّی بِالْکِبْرِ؛[1] خدایا، مرا بنده خودت ساز، ولی عبادتم را با عُجب، فاسد مگردان؛ مرا عزیز کن، ولی به تکبّر مبتلایم مساز.

کاشتن نهال، وقت چندانی نمی‌برد، ولی به ثمر رساندن و مواظبت از سلامت آن و زدودن آفت‌ها دشوار است. گاهی گناهان یا حالات ناپسند روحی، همه نیکی‌ها را بر باد می‌دهد. در حدیث می‌خوانیم: «اِنَّ الْحَسَدَ یَأْکُلُ الْحَسَناتِ کَما تَأْکُلُ النّارُ الْحَطَبَ؛[2] آنگونه که آتش، هیزم را می‌خورد، حسد هم حسنات را می‌خورد». در برخی از کتابها آمده که: عابدی مغرور و فاسقی شرمنده، هر دو وارد مسجد شدند، فاسق، به خاطر حالت توبه و پشیمانی، دگرگون گشت و مؤمنی صالح شد، ولی عابد، به خاطر غرورش، فاسق از کار درآمد.

قرآن، نمونه‌های متعدد یاد می‌کند که چگونه اقوام پیشین، با تغییر شکل عبادت، دچار قهر و غضب الهی شدند. انگیزه این تغییر شکلها متفاوت بوده که از هر کدام یك نمونه قرآنی ذکر می‌کنیم:

۴. لج‌بازی

خداوند به بنی اسرائیل دستور داد هنگام ورود به سرزمین مقدس، کلمه «حطّه» را بر زبان جاری کند (یعنی خدایا ما را ببخش و گناهانمان را بریز). آنان از روی استهزاء و لجاجت، تغییر داده و گفتند: «حنطه» (یعنی گندم).

۱. *صحیفه سجادیه*، دعای بیستم.
۲. *الکافی*، ج۸، ص ۴۵.

خدا بر آنان غضب کرد و هلاکشان نمود.[1]

۵. روشنفکر زدگی

در اسلام، چهار ماه حرام است که جنگیدن در آن ممنوع است. این آتش بس اجباری، در سه ماه پیاپی (ذیقعده، ذیحجه، محرّم) و یك ماه جدا (رجب) است که قرآن همه را با عنوان «اربعة حرم»، یاد کرده و جنگیدن را ممنوع ساخته است، مگر آنجا که حالت دفاعی باشد. برخی به نظر روشنفکرانه خود و روی سلیقه، ماههای حرام را جابجا می‌کردند، عقب جلو می‌کردند و می‌گفتند: چه فرق می‌کند، هدف آن است که سالی چهار ماه نجنگیم. قرآن، این تغییر در ماه‌های حرام را نکوهش کرد و آن را فرو رفتن در کفر دانست.

۶. مقدّس مآبی

منظور، کار کسانی است که با سرپوش مذهب و حیله‌های شرعی، به خواسته‌های دل خود می‌رسند و بدین‌وسیله می‌خواهند بر سر وجدان و قانون خدا کلاه بگذارند. نمونه‌اش در داستان بنی اسرائیل است که چون خداوند، صید ماهی را روز شنبه برای آنان تحریم کرده بود، با احداث حوضچه‌هایی کنار آب، ماهی‌ها را به درون آن می‌کشیدند، ولی روز بعد، ماهی‌ها را می‌گرفتند و می‌گفتند: ما که روز شنبه ماهی نگرفته‌ایم ...! ماجرای فوق، در آیاتی از قرآن بیان شده و مورد مذمّت قرار گرفته است.

۷. سایر آفات

بندگی و اطاعت و عبادت، تنها در برابر آفریدگار جهان شایسته و رواست و هر

۱. «فانزلنا علی الذین ظلموا رجزاً من السماء ...»؛ (سوره بقره، آیه ۵۹).

پرستشی نسبت به هر پدیده یا انسان و موجودات دیگر، باطل است. این عبادت‌های ناروا، بیشتر از راه جهالت، یا دوری از هدایت‌های انبیا پیش می‌آید. خداوند متعال در قرآن، ضمن اشاره به انواع عبادت‌های ناروا و باطل، آنها را بی دلیل و بیهوده می‌خواند و با دلیل ردّ می‌کند. از این قبیل که:

اگر به خاطر یاری جُستن از دیگران، سراغ غیر خدا می‌روید، بدانید که همه قدرت‌ها از آن خداست: ﴿أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾؛[1]

اگر در پی عزّت یافتن هستید، باز هم عزّت برای خدا و در دست خداست: ﴿فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا﴾؛[2]

اگر برای تأمین معاش و روزی هستید. معبودهای باطل که مالك رزق شما نیستند: ﴿لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا﴾؛[3]

اگر به امید نفع یا ضرر، توسّط معبودهای دیگرید، آنان توان سود رساندن یا دفع زیان ندارند: ﴿مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا﴾؛[4]

اگر طاغوت‌ها را برتر از خود می‌دانید، بدانید که آنها هم بندگانی همچون شمایند: ﴿عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ﴾؛[5]

اگر پرستش بت‌ها، روی تقلید از نیاکان است، آنان خود در گمراهی بودند: ﴿أَنتُمْ وَءَابَآؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾؛[6]

اگر فکر می‌کنید در قیامت، به فریادتان می‌رسند، بدانید که آنها پرستش‌های شما

۱. سوره بقره، آیه ۱۶۵
۲. سوره فاطر، آیه ۱۰.
۳. سوره عنکبوت، آیه ۱۷.
۴. سوره مائده، آیه ۷۶.
۵. سوره اعراف، آیه ۱۹۴.
۶. سوره انبیاء، آیه ۵۴.

را نادیده گرفته و با شما دشمن می‌شوند: ﴿سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا﴾؛[1]

اینان بدون جهت و بی دلیل، سراغ معبودهای دیگر رفته‌اند و برهانی بر این پرستش ندارند: ﴿وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَالَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا﴾.[2]

هیچ چیز و هیچ کس جز خدا، لایق پرستش نیست؛ زیرا این معبودهای باطل، یا وجود خارجی ندارند و ساخته ذهن‌اند یا موجوداتی بی خاصیّت و ناتوانند، یا اگر کارآیی دارند، موقت و محدود و همراه با منّت‌ها و هوس‌ها و تحقیرهاست. پس در هر سه صورت، شایسته نیستند که انسان، طوق بندگی آنها را به گردن اندازد. انسان در برابر هیچ مخلوقی، به قیمت نافرمانی خداوند، نباید اطاعت و پرستش و فرمانبرداری کند. امام جواد علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ اصْغی الی ناطِقٍ فَقَد عَبَدَهُ؛[3] هر کس به سخن کسی گوش دهد، او را پرستیده است!».

پس اگر گوینده حق بگوید، بنده حقیم و اگر باطل بگوید، باطل را پرستیده‌ایم. و امام صادق علیه‌السلام در حدیثی فرموده است: «مَنْ اطاعَ مَخلُوقاً فی مَعْصِيَةِ الْخالِقِ فَقَدْ عَبَدَهُ؛[4] هر کس با اطاعت از مخلوقی، خالق را نافرمانی کند، آن مخلوق را پرستیده است». پس عبادت باطل، تنها به پرستش سنگ و چوب و خورشید و ستاره منحصر نیست. دل و جان سپردن به هر فکر و سخن و قدرت و حکومتِ غیر الهی، عبادت کردن ناروا است، حتی پذیرش فرهنگ ضدّ الهی هم، از عبادت‌های باطل به شمار می‌رود.

---

۱. سوره مریم، آیه ۸۲.
۲. سوره حج، آیه ۷۱.
۳. *تحف العقول*، ص۴۵۶.
۴. *نورالثقلین*، ج ۳، ص ۳۵۷.

بخش دوم

تأثیر نماز بر مهدویت

غیر قابل فروش

فصل اول. نماز، دعوت کننده به امام زمان و معرفت او

هر مسلمانی واجب است در نمازهای واجب روزانه خود ده بار سوره حمد را خوانده و در آن ده مرتبه از پروردگار متعال درخواست رسیدن به راه مستقیم الهی نماید و بگوید: ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ؛[1] [خداوندا!] ما را به راه راست هدایت فرما﴾. نکته قابل توجه در این باره فهم مصداق عینی این صراط است که ذهن هر نمازخوان متفکری را به خود مشغول می‌کند. مفضّل بن عمر گوید: از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم: «صراط چیست؟» فرمود:

هُوَ الطَّرِيقُ إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُمَا صِرَاطَانِ صِرَاطٌ فِي الدُّنْيَا وَ صِرَاطٌ فِي الْآخِرَةِ وَ أَمَّا الصِّرَاطُ الَّذِي فِي الدُّنْيَا فَهُوَ الْإِمَامُ الْمُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ مَنْ عَرَفَهُ فِي الدُّنْيَا وَ اقْتَدَى بِهُدَاهُ مَرَّ عَلَى الصِّرَاطِ الَّذِي هُوَ جِسْرُ جَهَنَّمَ فِي الْآخِرَةِ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ فِي الدُّنْيَا زَلَّتْ قَدَمُهُ عَنِ الصِّرَاطِ فِي الْآخِرَةِ فَتَرَدَّى فِي نَارِ جَهَنَّمَ؛[2] صراط راهی به سوی شناخت خدای بزرگ است، و آن دو گونه است؛ صراطی در این دنیا و صراطی در آن دنیا. اما صراط دنیا امام است که فرمانبرداری از او واجب است؛ هرکس در دنیا او را شناخت و رهنمودهای او را به‌کار بست، از صراط آخرت ـ که پلی روی جهنم است ـ خواهد گذشت و هر کس در این جا امام خود را نشناخت، هنگام گذشتن از صراط آخرت، گامش خواهد لغزید و در آتش دوزخ خواهد افتاد.

بنابراین امام عصر، همان صراط الهی است که در سوره حمد آمده و ما دستیابی به آن را درخواست می‌کنیم. امام صادق علیه‌السلام نیز در تفسیر آیه ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ

۱. سوره حمد، آیه ٤.
۲. *معانی الأخبار*، ص ۳۲.

الْمُسْتَقِيمَ﴾ فرمود: مراد «الطَّرِيقَ وَ مَعْرِفَةَ الْإِمَام؛[1] صراط مستقیم درخواست راه‌یابی به راه و معرفت امام است». در این مورد و در بخش دوم کتاب توضیحات بیشتری خواهیم داد.

غیر قابل فروش

۱. **تفسیر قمی**، ج۱، ص ۲۸.

فصل دوم. نماز امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و آغاز حکومت مهدوی

تأثیر دیگر نماز و اهمیت آن را باید در رابطه با حکومت مهدوی-چه آغاز آن و چه تشکیل و تثبیت آن- جست‌وجو کرد. در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام و در تفسیر آیه معروف: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ...﴾،[1] ماجرای آغاز قیام حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بعد از نماز این طور بیان شده و ایشان فرمودند:

> نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، هُوَ وَ اللَّهِ الْمُضْطَرُّ إِذَا صَلَّى فِي الْمَقَامِ رَكْعَتَيْنِ وَ دَعَا اللَّهَ فَأَجَابَهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُهُ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ؛[2]
>
> این آیه درباره قائم آل محمد نازل شده است. به خدا قسم، مضطر اوست که وقتی دو رکعت نماز در مقام حضرت ابراهیم بگذارد و خدا را بخواند، پروردگار نیز او را اجابت کند و گرفتاری او را برطرف سازد و وی را در زمین خلیفه خود گرداند.

بدین گونه آغاز قیام حضرت قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف پس از اقامه نماز خواهد بود.

دومین نکته در همین ارتباط موضوع اقتدای حضرت عیسی علیه‌السلام به امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در نماز بعد از ظهور است، زیرا می‌دانیم طبق روایات شیعه و سنّی، حضرت عیسی علیه‌السلام در آخرالزمان از آسمان فرود می‌آید و پشت سر امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نماز می‌خواند و پس از زندگی طولانی، از دنیا می‌رود؛ کما اینکه امام باقر علیه‌السلام فرمود: عیسی علیه‌السلام قبل از روز قیامت فرو خواهد آمد و احدی در دنیا از ملت‌های یهودی و دیگران نمی‌ماند، مگر آن‌که به او ایمان می‌آورد و او پشت سر حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نماز خواهد خواند.[3]

---

۱. سوره نمل، آیه ٦٢.
۲. *تفسیر نور الثقلین*، ج٤، ص٩٤.
۳. *إلزام الناصب*، ج١، ص ٥٧.

فصل سوم. نماز، عاملی مؤثر در دستیابی حکومت مهدوی به اهدافش

سومین تأثیر نماز را باید در رسیدن حکومت مهدوی به اهداف مقدسش دانست. توضیح آنکه در اسلام تشکیل حکومت هدف اصلی نیست، بلکه فلسفه حکومت برای آن است که دین مورد رضایت خداوند در سراسر جهان حاکم و با قدرت شود تا همه انسانها با بندگی و عبودیت خدا به رشد و کمال برسند؛ آیاتی که درباره حکومت مهدوی هست نیز همین موضوع را هدف اصلی این حکومت معرفی می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛[1] خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد؛ همان‌گونه که کسانی پیش از ایشان را جانشین کرد، و قطعاً دینی را که خداوند برای آنان پسندیده است، برای آنان استقرار و اقتدار بخشد و از پی ترسشان امنیت را جایگزین کند، تا [تنها] مرا بپرستند و چیزی را برای من شریك نگیرند، و هر کس بعد از این کفر ورزد، پس آنان همان فاسقان‌اند﴾.

در روایات بسیاری از امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام می‌خوانیم که مصداق کامل این آیه، حکومت جهانی حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است و خداوند وعده داده است که در آن روز، اهل ایمان بر جهان حکومت کنند.[2] این آیه شریفه این درس را به ما می‌دهد که دین از سیاست جدا نیست؛ بلکه سیاست و حکومت برای حفظ

۱. سوره نور، آیه ۵۵.
۲. ر.ک: *نورالثقلین*، ذیل آیه شریفه.

دین است: «لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ ... یَعْبُدُونَنِی»؛ علاوه بر آن پیام روشن دیگری نیز دارد که هدف از حکومت اهل ایمان، استقرار دین الهی در زمین و رسیدن به توحید و امنیت کامل است: «لَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمْ... لَیُبَدِّلَنَّهُم... لا یُشْرِکُونَ»؛ این بدان جهت است که امنیت واقعی در سایه حکومت دین است و این امنیت شرایط مناسبی را برای عبادت فراهم می‌سازد: «وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یَعْبُدُونَنِی».

بنابراین باید بدانیم که به وجود آمدن فضایی سرشار از بندگی در سراسر جهان، هدف امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف از حکومت است که البته به تصریح آیات مختلف این امر تنها با غلبه دین خدا بر سایر ادیان به دست می‌آید. یکی از این آیات، این آیه شریفه است: ﴿هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ؛[1] او کسی است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین‌ها پیروز گرداند، هر چند مشرکان ناراحت باشند﴾.

این آیه به همین صورت، در دو سوره دیگر نیز آمده است؛ سوره فتح، آیه ۲۸ و سوره صف، آیه ۹. گرچه اسلام از نظر منطق و استدلال همیشه پیروز بوده است، اما این آیه، غلبه ظاهری و وعده حاکمیت اسلام بر جهان را بیان می‌کند. از یك سو، این آیه تاکنون تحقق نیافته و از سویی دیگر، خداوند وعده حاکمیت کلی اسلام را داده است و وعده او دروغ نیست؛ در نتیجه، همان‌گونه که در روایات بسیاری آمده است، این آیه به ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف اشاره دارد. محمد بن فضیل گوید: به حضرت کاظم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف عرض کردم معنی این فرموده خداوند: «لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ» چیست؟ فرمود: «یعنی دین خود را در زمان قیام قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بر همه دین‌ها غلبه دهد. خدا می‌فرماید: «وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ»، یعنی ولایت حضرت قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را کامل خواهد کرد».[2]

۱. سوره توبه، آیه ۳۳.
۲. *الکافی*، ج ۱، ص ۴۳۲.

حال که از بیان فلسفه حکومت مهدوی فارغ شدیم به جاست که فلسفه نماز را بیان کنیم تا مشخص شود که چگونه نماز، یکی از بهترین عوامل در دستیابی حکومت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به اهداف مورد نظرش است. یکی از مهمترین آیاتی که هدف از نماز خواندن را بیان می‌کند آیه چهل و پنج سوره عنکبوت است که می‌فرماید: ﴿اتْلُ مَآ أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَوةَ إِنَّ الصَّلَوةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَآءِ وَالْمُنكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ؛ آنچه از کتاب آسمانی به تو وحی شده تلاوت کن و نماز را به‌پادار، که همانا نماز (انسان را) از فحشا و منکر باز می‌دارد و یاد خدا بزرگ‌تر است و خداوند آنچه را انجام می‌دهید، می‌داند». در این آیه خداوند، تلاوت قرآن و اقامه نماز، این دو منبع نیروبخش را در کنار هم قرار داده است. در آیات دیگر که خداوند از مسئولیّت سنگین پیامبرش خبر می‌دهد: ﴿إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا﴾؛[1] به او می‌فرماید: برای انجام مسئولیّت، از این دو منبع کمك بگیر؛ یکی تلاوت قرآن: ﴿وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾[2] و دیگری نماز شب: ﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا﴾.[3] به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله گفته شد: فلانی هم نماز می‌خواند و هم گناه می‌کند؛ فرمود: «إنَّ صلاتَه تَنْهاهُ يَوماً؛ بالاخره نماز، روزی نجاتش می‌دهد».[4] حاصل آنکه در منطق دین، گسترش معروف‌ها و به ویژه نماز در جامعه، به‌طور طبیعی مانع رشد منکرات می‌شود و این موضوع یکی از اهداف اصلی حکومت دینی است. حال ممکن است این سؤال مطرح شود که چگونه نماز، فرد و جامعه را از فحشا و منکر باز می‌دارد؟

پاسخ آن است که اولاً، ریشه تمام منکرات، غفلت از یاد خداست و آیه ۱۷۹ سوره

---

۱. سوره مزمّل، آیه ۵.
۲. سوره مزمّل، آیه٤.
۳. سوره مزمّل، آیه٦.
٤. *تفسیر نورالثقلین*، ج ٤، ص ١٦٢.

اعراف، انسان غافل را از حیوان بدتر می‌شمرد: ﴿أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾. و نماز، بهترین وسیله غفلت‌زدایی است، پس زمینه منکرات را از بین می‌برد.

ثانیاً، داشتن رنگ الهی، مانع گرفتن رنگ شیطانی می‌شود. کسی که لباس سفید بپوشد، حاضر نیست در جای کثیف و آلوده بنشیند. مسجدنشین از رفتن به مکان‌های گناه حیا می‌کند.

ثالثاً، نماز، احکام و دستوراتی دارد که رعایت آنها انسان را از بسیاری گناهان باز می‌دارد:

- شرط حلال بودن مکان و لباس نمازگزار، انسان را از تجاوز به حقوق دیگران؛
- شرط پاك بودن مکان، لباس و بدن، نمازگزار را از آلودگی و بی‌مبالاتی دور می‌سازد.
- شرط اخلاص در نیّت، انسان را از منکر، شرك، ریا و سُمعه باز می‌دارد.
- رکوع و سجده، انسان را از تکبّر باز می‌دارد و او را متواضع می‌سازد.
- حفظ پوشش در نماز، انسان را از منکر برهنگی و بی‌حیایی حفظ می‌کند. و...

البته ذکر این نکته لازم است که بدانیم نمازهای موسمی و مقطعی که گاه و بیگاه خوانده شود، انسان را در زمره نمازگزاران قرار نمی‌دهد. دوزخیان می‌گویند: ﴿قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ﴾؛ یعنی نماز ما استمرار نداشت. در سوره ماعون نیز آمده است: ﴿فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾؛[1] وای بر نمازگزارانی که از نماز خود غافل‌اند﴾. و چنین نمازی انسان را مشمول شفاعت شافعان قرار نمی‌دهد: ﴿قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ... فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ﴾.[2] چنانکه امام صادق علیه‌السلام در آستانه رحلت خود به بستگانشان فرمودند: «لاینالُ شَفاعَتُنا مَنِ اسْتَخَفَّ بِالصَّلوة؛

۱. سوره ماعون، آیات ۵ - ٦.
۲. سوره مدّثر، آیات ٤٨- ٤٣.

هرکس نماز را سبك بشمارد به شفاعت ما نمی‌رسد».[1]

حال که ازکارآیی فوق العاده نماز مطلع شدیم، می‌توان فهمید که چرا در زمان حکومت مهدوی، نماز اقامه می‌شود و این بدان جهت است که نماز، امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را در رسیدن به هدف حکومتش که بندگی مردم و دوری از منکرات و زشتی‌ها و در نتیجه رشد است یاری می‌دهد. قرآن می‌فرماید: حکومت اسلامی همان است که: ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ﴾.[2]

مدیر کلی که برای استخر پرسنل، بیمه پرسنل، بهداشت پرسنل، لباس و خوراك، حقوق و خلاصه برای همه کارها، برنامه و جلسه داشته باشند، اما جلسه‌ای نداشته باشند تا ببینند علت اینکه برخی کارمندانش چرا نماز را بلد نیستند و یا در نماز خواندن سستی می‌کنند؛ چنین مدیرکل و رئیسی به درد جمهوری اسلامی نمی‌خورد، زیرا طبق آیه قرآن، مسئول جمهوری اسلامی کسی است که همین که پشت میز نشست، اول به فکر نماز کارمندانش باشد. اگر چنین توجهی باشد، تولید کارخانه‌اش هم بالا می‌رود، چون اگر انسان، بنده خدا شود کارش را هم خوب انجام می‌دهد. همه دزدها آنهایی هستند که از خدا جدا شدند. کارمند نماز خوان است که با خود می‌گوید: اگر رئیس نفهمد، خدای رئیس که هست. امیرالمومنین علیه‌السلام رئیس حکومت اسلامی بود. سؤال این است وقتی ایشان حکومت اسلامی تشکیل داد نماز اول وقت می‌خواند یا نه؟ ما نمی‌توانیم در شعار بگوئیم کشور ما کشور علوی است، اما برخی مسئولان و مدیران ما به بهانه‌های مختلف نماز را اول وقت نخوانند.

در سفری که به حج داشتم روزی به یک قاضی که با من بود گفتم: آیا شما نمی‌توانی

۱. *الکافی*، ج۶، ص ۴۰۱.
۲. سوره حج، آیه۴۱.

به دبیرستانی که در کنار دادگستری محل کار شما است رفته و ده دقیقه آنجا نماز به جماعت بخوانید؟ گفت: آخر بنده کارمند دادگستری هستم. گفتم: مگر کار شما قضاوت نیست؟ او گفت: بله. به وی گفتم: قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾[1]؛ اگر نماز در جامعه احیاء بشود فحشا و منکرکم می‌شود و در نتیجه نیاز به قضاوت شما کم می‌شود. در میدان جنگ هم حضرت علی علیه‌السلام نماز اول وقت می‌خواند. بنابراین همه ما مسئول هستیم. مگر امام حسین علیه‌السلام ظهر عاشورا مسئولیتی نداشت؟ کدامیك از کارمندهای دولت ما مسئولیت‌شان بیش از ظهر عاشورا است؟

غیر قابل فروش

۱. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

فصل چهارم. جایگاه نماز در کارگزاران امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

با توضیحاتی که درباره تأثیر نماز گفته شد به خوبی معلوم می‌شود که اگر حکومت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بخواهد به اصلاح‌گری جهان پرداخته و به اهداف توحیدی خود برسد باید مسئولان و کارگزاران این حکومت نیز خود صالح باشند. قرآن کریم درباره ویژگی‌کسانی که حاکمیت زمین را به ارث می‌برند، صالح بودن را شرط اصلی می‌داند و می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛[1] و همانا در [کتاب آسمانی] زبور [که] بعد از ذکر [یعنی تورات، نازل شده] نوشتیم که قطعاً بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد﴾. بر اساس این آیه و آیات دیگر، مدیریت و حکومت، نیاز به لیاقت و صلاحیت‌های خاصی دارد. معلوم است که بخشی از این صلاحیت با نماز و عبادت حاصل خواهد شد.

این نکته آنقدر مهم است که حضرت علی علیه‌السلام به مالك اشتر می‌فرماید: «**واجعل افضل اوقاتك للصلوة واعلم انّ جميع اعمالك تبع لصلوتك**»[2] بهترین وقت خودت را برای نماز قرار بده و بدان ارزش تمام کارهای تو تابع نماز تو است.

نماز در میان کارگزاران حضرت مهدی نیز همین جایگاه را دارد. امام صادق علیه‌السلام در برخی از اوصاف یاران امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف فرمود:

مردانی در میان آن‌ها هستند که شب‌ها نمی‌خوابند؛ زمزمه آن‌ها در حال عبادت، هم‌چون زمزمه زنبور عسل است. تمام شب را به عبادت مشغول‌اند و روزها سواره به دشمن حمله می‌کنند. آن‌ها در وقت شب، راهب، و هنگام روز، شیرند.[3]

---

۱. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.
۲. *نهج‌البلاغه*، نامه ۵۳.
۳. *بحار الأنوار*، ج۲۵، ص ۳۰۸.

فصل پنجم. نماز و زمینه سازی ظهور

زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را از مهمترین کارکردهای نماز می‌توان دانست. قبل از ورود به این موضوع باید نکته‌ای مهم -که ممکن است برای بعضی مردم مورد سؤال باشد- روشن شود و آن نقش ما در زمینه‌سازی ظهور است.

در احادیث گوناگون، علت عدم درك محضر امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بیان شده است؛ از جمله آن‌که خود ایشان ارتکاب گناه را سبب این امر معرفی کرده و فرموده‌اند: «فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ»؛[1] ما را از شما حبس نمی‌کند، مگر اعمال ناپسندی که از ناحیهٔ شما به ما می‌رسد. این سخن با صراحت می‌گوید که به سبب اعمال زشتی که انجام داده‌ایم، توفیق درک ظهور را پیدا نمی‌کنیم.

هم‌چنین وقتی از امام صادق علیه‌السلام سؤال می‌کنند که چرا امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف غایب می‌شود، آمده است: «وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى عُنُقِهِ»؛[2] یعنی ایشان به گردن خود اشاره می‌کردند؛ کنایه از این‌که اگر بیاید، کشته می‌شود. بنابراین، از مجموع این روایات به دست می‌آید که علت غیبت امام دوازدهم، عدم آمادگی مردم برای پذیرش رهبری امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است. خداوند آن حضرت را برای زمان مناسب ذخیره فرموده است تا زمانی که رشد و فرهنگ مردم به جایی برسد که بتوانند نور امامت را درك و از آن بهره‌گیری کنند.

اگر اداره برق یك شهر برای روشنایی کوچه‌ای، تیر چراغ برقی نصب کرد و لامپی به آن زد، ولی بچه‌های کوچه با زدن سنگ لامپ را شکستند، مأمور اداره، لامپ دیگری می‌زند. چنانچه مجدداً بچه‌ها لامپ را هم بشکنند، باز ادارهٔ برق،

---

۱. *بحارالانوار*، ج ۵۳، ص ۱۷۶.
۲. *کمال‌الدین و تمام‌النعمه*، ج ۲، ص ۴۳۵.

برای روشنایی محل اقدام به نصب لامپ دیگری می‌کند. حال اگر برای بار سوم بچه‌های بی‌ادب لامپ را شکستند، به احتمال فراوان، ادارهٔ برق تمایلی به نصب مجدد لامپ ندارد، اما به خاطر خواهش بزرگ‌ترها و رفاه حال اهالی آن کوچه، ممکن است لامپ دیگری را نصب کند. اما فکر می‌کنید اداره برق تا چه تعداد این کار را انجام دهد؟ در مورد بحث ما نیز، حاکمان ستم‌گر، یازده چراغ هدایت را شکستند! خداوند نیز چراغ دوازدهم را نگه داشت تا زمانی که مردم لیاقت و آمادگی بهره‌گیری از این چراغ هدایت را پیدا کنند؛ بنابراین، باید زمینه‌های ظهور و حکومت مهدوی با فراهم شدن شرایط آن، آماده شود.

نکته مهم دیگر آن که آرزوهای هر انسان، انگیزه زندگی اوست و هر کسی در انتظار رسیدن به آرزوهایش به سر می‌برد و راه‌هایی را برای دست‌یابی به آن جست‌وجو می‌کند. در منطق قرآن کریم، تلاش و کوشش، سهم زیادی در به دست آوردن آرزوها و منافع دارد، به طوری که در این کتاب زندگی آمده است: ﴿وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسانِ إِلَّا ما سَعى أَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرى؛[1] و برای انسان جز آنچه تلاش کرده، (بهره دیگری) نیست و تلاش و سعی او به زودی دیده می‌شود». این آیات به روشنی بیان می‌کند که: اولاً، هستی، میدان تلاش و کار و نتیجه‌گیری است و ثانیاً، ما مکلف به انجام وظیفه‌ایم، نه حصول نتیجه. سعی و تلاش، وظیفه ماست. حال می‌گوییم یکی از آرزوهای بلند و مقدس همه ما شیعیان، ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است، اما شاید کسانی بگویند: ما در زمینه‌سازی برای ظهور ایشان، با بسیاری از امور آشنایی نداریم! قرآن کریم دست کشیدن از تلاش را با این بهانه قبول ندارد و برای دفع چنین تفکر غلطی، کوشش در راه خدا را زمینه دریافت لطف ویژه خدا و نشان دادن راه‌هایی می‌داند که تاکنون برای ما مخفی بوده و به آن آگاهی

۱. سوره نجم، آیات ۳۹ـ۴۰.

نداشتیم؛ بنابراین، با شعار و آرزو نمی‌توان به چیزی دست یافت و این کار، عمل و سخت‌کوشی است که شیرینی موفقیت را به کام انسان می‌نشاند. بنابراین، اگر کسانی واقعاً می‌خواهند که دوران ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و حکومت عادلانه او را درك و از برکات آن استفاده کنند، خودشان نیز باید برای تحقق چنین حکومتی به اندازه توانایی که دارند تلاش کنند.

یکی از عوامل و ابزارهایی که در اصلاح و آماده‌سازی فردی و اجتماعی برای ظهور امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بسیار مؤثر است موضوع نماز است؛ قرآن کریم در کنار اقامه نماز می‌فرماید: ﴿إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ﴾[1] ما پاداش اصلاح طلبان را ضایع نمی‌کنیم. معلوم می‌شود نماز اگر درست برگزار شود و احکام و شرایط ظاهری و باطنی آن مراعات شود، جامعه به طرف صلاح می‌رود و نتیجه آن خواهد شد که زمینه حکومت صالحان فراهم خواهد شد: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾.[2]

مهمترین کارکردهای نماز در این امر عبارت است از:

الف) کارکردهای نماز در زمینه‌سازی فردی برای ظهور

بخشی از آثار نماز را باید در کارکردهای نماز بر افراد در جهت زمینه‌سازی ظهورجست‌وجو کرد. با توجه به اینکه شخصیت هر فرد ترکیبی از بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارها است- که البته این سه به هم مرتبط نیز هستند- و تغییر در هر کدام، زمینه تغییرات بعدی را به وجود می‌آورد به کارکردهای مهدوی نماز در افراد در هر سه بُعد بینشی، گرایشی و رفتاری می‌پردازیم تا تأثیرات فردی آن را در زمینه‌سازی ظهور بر شخصیت افراد بیان کنیم.

۱. سوره اعراف، آیه ۱۷۰.
۲. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۱. کارکردهای بینشی نماز

طبق وعده‌های مکرّر قرآن، پیروزی نهایی با اسلام است و مردم سراسر جهان در آینده به سراغ اسلام می‌آیند و حکومت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تشکیل می‌شود؛ اما این وعده‌ها شرایطی دارد و آن عبارت است از: توجه دنیا به اسلام و شناخت آن؛ علاوه بر آن، شناخت اجراکننده قوانین اسلامی؛ یعنی حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف از جمله آمادگی‌های فکری و معرفتی است که مردم باید به آن دست پیدا کنند. کسانی که امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و عدالت و رحمت او را نمی‌شناسند، چگونه تن به حکومت او خواهند داد و به او اعتماد خواهند کرد؟! امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف وقتی ظهور می‌کند که آمادگی از هر جهت در میان مردم وجود داشته و مردم به معارف و اندیشه‌های قرآن و اسلام آگاه و آمادگی حکومت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را داشته باشند. بخشی از کارکردهای نماز در مورد مهدویت را می‌توان در تأثیر آن بر بینشها و آگاهی‌های لازم برای زمینه‌سازی ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف دانست. مهمترین این آگاهی‌ها که نماز در ایجاد آن مؤثر است عبارت است از:

تقویت بینش توحیدی

توحید و خدامحوری در تمام مسائل مهدویت، جایگاه اصلی و محوری را دارد. اگر به حکومت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بنگریم هدف اصلی و تمام برنامه‌های حکومت مهدوی بر اساس توحید و بندگی خدا است؛ این مطلب در یکی از مهمترین آیه های مهدوی این گونه بیان شده است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا

وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛[1] خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد؛ همان‌گونه که کسانی پیش از ایشان را جانشین کرد، و قطعاً دینی را که خداوند برای آنان پسندیده است، برای آنان استقرار و اقتدار بخشد و از پی ترسشان امنیت را جایگزین کند تا [تنها] مرا بپرستند و چیزی را برای من شریك نگیرند، و هر کس بعد از این کفر ورزد، پس آنان همان فاسقان‌اند﴾. ملاحظه می‌کنید که در آخر آیه فلسفه حکومت دینی که عبارت است از عبودیت بدون ترس و عدم شرک به خدا به وضوح بیان شده است. امام صادق علیه‌السلام نیز در سخنی فرمود:

هنگامی که قائم ما قیام کند، جایی بر روی زمین باقی نمی‌ماند، مگر این‌که در آن جا صدای **أشهد ان لااله الاالله و أشهد ان محمداً رسول الله** بلند می‌شود.[2]

به همین دلیل است که حکومت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، حاکمیت دین حقیقی (اسلام) بر ادیان و مکاتب التقاطی دیگر است؛ کما اینکه قرآن کریم در آیه: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ او کسی است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین‌ها پیروز گرداند، هر چند مشرکان ناراحت باشند﴾[3] به صراحت این نکته را بیان می‌کند.

حال اگر حکومت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف قرار است که انسانیت را به وادی بندگی بکشاند و این هدف اصلی او است باید زمینه‌های مردمی درک و ایمان به این هدف توحیدی این حکومت جهانی را فراهم کرد و از بهترین عواملی که این آمادگی معرفتی و بینشی را به وجود می‌آورد نماز است.

---

۱. سوره نور، آیه ۵۵.
۲. ***تفسیر عیاشی***، ج۱، ص ۱۸۳.
۳. سوره توبه، آیه ۳۳.

رابطه نماز و توحید بسیار نزدیك است؛ توحید ما را به سوی نماز می‌کشاند و نماز روح توحید ما را زنده می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾[1] نماز با تکبیر آغاز می‌شود و در هر رکعت بعد از پایان سوره، قبل و بعد از رکوع و هر سجده و در پایان هر نماز، مستحب است الله اکبر بگوئیم. در ذکر رکوع و سجود، سبحان الله می‌گوئیم و در رکعت سوم وچهارم «لااله الا الله» می‌گوئیم که همه مایه صیقل‌دادن روح توحید و جلوه دادن روح ایمان است.

نماز، حرکاتی است برخاسته از آگاهی و شناخت؛ شناختِ خداوند که به فرمان او و برای او و انس با او قیام می‌کنیم. و لذا قرآن ما را از نماز در حال مستی[2] و کسالت[3] نهی کرده تا آنچه را در نماز می‌گوییم با توجّه و آگاهی باشد. انسان در نماز خداوندی را حمد و سپاس می‌کند که خالق تمام هستی است، سرچشمه تمام رحمت‌ها و برکات است و مالك روز قیامت است. کسی که حمد و ثنای خود را نثار این وجود مقدّس با این خصوصیات می‌کند هرگز حاضر نیست برای هر چیز پست و جزئی و در برابر هر قدرت ناچیزی ستایش کند.

زبانی که ثناگوی خالق هستی شد، دیگر تن به ثناگویی هر نالایقی نمی‌دهد. فراموش نکنیم که امام حسین علیه‌السلام فرمود: کسی که وصل به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله باشد و از دامن زهرا علیهاالسلام برخاسته باشد، بیعت یزید را نخواهد پذیرفت.آری...ستایش او نه دیگران،ثنای او نه طاغوت‌ها، ثنای او برای ربّ‌العالمین بودنش، الرّحمن الرّحیم بودنش، مالك یوم الّدین بودنش و... .دیگران چه و که هستند و چه قدرتی دارند که من ثناگوی آنها باشم؟ به خصوص که مسلمان می‌داند اگر ظالمی ستایش شود عرش خداوند به لرزه در می‌آید. بنابراین ثنای او، آنچنان روح بزرگی به ما

۱. سوره طه، آیه۱٤.
۲. سوره نساء، آیه ٤۳.
۳. سوره نساء، آیه ۱٤۲.

می‌دهد که دیگر حاضر به ثنای دیگران نمی‌شویم و این روح بزرگ را از نماز و حمد می‌توان تحصیل کرد.

در واقع باید گفت که افراد دیگر غیر از خداوند، یا لطفی ندارند یا لطفشان ناچیز و محدود است، یا لطف خود را به دیگران نمی‌رسانند و یا با هزار منّت ذرّه‌ای محبّت دارند و اگر لطفی کنند از بهره خودشان کم می‌شود. امّا خداوند جَلَّ‌جَلالُه لطفش بی نهایت است، باب لطف او همیشه به روی همه باز است، دعوت به ورود هم کرده است، از ورود دیگران در مدار لطفش شاد می‌شود، مردم را بدون هدیه و رشوه و با دست خالی می‌پذیرد، رابطه با او و بهره‌گیری از الطاف او نه زمان می‌خواهد و نه زمین، نه واسطه می‌خواهد، نه رابطه و نه هیچ شرطی دیگر؛ فقط صداقت قلبی کافی است. صادقانه به لغزش خود اقرار کنیم و به درگاه او رو آوریم.

دریچه معرفت به امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

مهمترین شناخت‌ها برای زمینه‌سازی ظهور را باید در معرفت به امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به عنوان محقق کننده حکومت عدل مهدوی دانست و نقش نماز در این زمینه، نقش ممتازی است.

اگر بخواهیم این مطلب را روشن‌تر بیان کنیم، باید گفت: راه‌های متعددی در برابر انسان قرار دارد و او باید یکی را انتخاب کند: راه خواسته‌ها و هوس‌های خود، راه انتظارات و توقع‌های مردم، راه وسوسه‌های شیطان، راه طاغوت‌ها، راه نیاکان و پیشینیان، راه خدا و اولیای خدا و... .

انسان مؤمن، راه خداوند و اولیای او را انتخاب می‌کند که بر دیگر راه‌ها امتیازاتی دارد:

الف) راه الهی ثابت است؛ برخلاف راه طاغوت‌ها و هوس‌های مردم و هوس‌های شخصی که هر روز تغییر می‌کند.

ب) یك راه بیش‌تر نیست؛ در حالی‌که راه‌های دیگر متعدد و پراکنده‌اند.

ج) انسان در پیمودن راه الهی، به مسیر و مقصد، مطمئن است.

د) در انتهای این مسیر، شکست و باخت وجود ندارد.

مروری بر قرآن کریم نشان می‌دهد که خداوند در قرآن کریم، دین پابرجا و استوار خود را «راه مستقیم» معرفی کرده است.[1] در روایات نیز آمده است که امامان معصوم علیهم‌السلام فرموده‌اند: «ما راه مستقیم هستیم».[2] یعنی هم نمونه عینی و عملی راه مستقیم، و هم بهترین اسوه و الگو در پیمودن این راه، رهبران آسمانی هستند. آنان در دستورات خود درباره تمام مسائل زندگی از قبیل کار، تفریح، تحصیل، تغذیه، انفاق، انتقاد، قهر، صلح، علاقه به فرزند و... نظر داده و ما را به اعتدال و میانه‌روی سفارش کرده‌اند.[3] جالب آن‌که ابلیس نیز در همین صراطِ مستقیم به کمین می‌نشیند.[4]

بنابراین لزوم معرفت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف یکی از آموزه‌های اصلی سوره حمدی است که در هر نماز باید بخوانیم. وقتی نمازگزار در نماز خود از خدا می‌خواهد که: ﴿صِراطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ﴾؛[5] [خداوندا! ما را به] راه کسانی که آن‌ها را مشمول نعمت خود ساختی [هدایت کن] نه به راه غضب‌شدگان و گمراهان!﴾، این آیه راه مستقیم را راه کسانی معرفی می‌کند که مشمول نعمت الهی شده‌اند و عبارت‌اند از: انبیا، صدیقین، شهدا و صالحین.[6]

---

۱. ﴿قُلْ إِنَّنِي هَدانِي رَبِّي إِلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾؛ (سوره انعام، آیه ۱۶۱).
۲. *تفسیر نورالثقلین*، ج ۱، ص ۲۰.
۳. در این باره ر.ک: ***اصول کافی***، باب الاقتصاد فی العبادات.
۴. شیطان به خدا گفت: ﴿لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِراطَكَ الْمُسْتَقِيمَ﴾؛ (سوره اعراف، آیه ۱۶).
۵. سوره حمد، آیه ۷.
۶. ﴿مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِينَ؛ کسانی که خدا و رسول را پیروی کنند، آنان با کسانی هستند که خدا آن‌ها را نعمت داده است، از پیامبران، راستگویان، شهدا و صالحان»؛ (سوره نساء، آیه ۶۹ و سوره مریم، آیه ۵۹).

توجه به راه این بزرگواران و آرزوی پیمودن آن و تلقین این آرزو به خود، ما را از خطر کج‌روی و قرار گرفتن در خطوط انحرافی باز می‌دارد. انسان مؤمن بعد از این درخواست، از خداوند تقاضا می‌کند که او را در مسیر غضب‌شدگان و گمراهان قرار ندهد؛ زیرا بنی‌اسرائیل نیز به گفته قرآن، مورد نعمت قرار گرفتند، ولی در اثر ناسپاسی و لجاجت، گرفتار غضب شدند.

اهمیت معرفت به امام تا حدی است که امام صادق علیه‌السلام در ضمن تفسیر همین آیه فرمود: «**الضَّالِّينَ** الشَّاكُّ **و الَّذِينَ لَا يَعْرِفُونَ الْإِمَامَ**؛ ضالین و گمراهان، شکاکان و کسانی هستند که امامشان را نمی‌شناسند».[1] قبلاً نیز پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در ضمن حدیث ثقلین - که شیعه و سنی نقل کرده‌اند- تصریح به این مطلب(همگامی هدایت با امام در کنار قرآن) کرده و فرمود: «**إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا**؛[2] اگر همراه قرآن و اهل‌بیت باشید، گمراه نمی‌شوید». این گمراهی، همان است که در آخر سوره حمد از خدا می‌خواهیم که ما را از آن دور کند.

با این بیان، ضالین دو دسته‌اند: یک عده، کسانی‌که با اهل‌بیت هستند، اما قرآن را رها کرده‌اند؛ و عده دیگر، کسانی که قرآن را گرفته‌اند، اما از اهل‌بیت جدا شده‌اند؛ چراکه پیامبر در حدیث ثقلین تصریح می‌کنند که اگر به هردوی این‌ها تسمک نکنید، گمراه می‌شوید. مثل ریل‌های قطار که اگر دو ردیف باشد، قطار حرکت می‌کند، اما اگر یك ردیف باشد، قطار از ریل خارج و در نتیجه نابود می‌شود. پس اگر در نماز می‌گوییم: «خدایا! ما را جزء ضالین قرار نده»، برای آن‌که منحرف نشویم، باید به قرآن و اهل بیت که حضرت مهدی آخرین بازمانده آنها در زمان ما است رجوع، و به آن‌ها تمسک کنیم و این یعنی معلم و کتاب باید با هم باشد.

۱. *تفسیر قمی*، ج۱، ص ۲۹.
۲. *بحار الأنوار*، ج ۲، ص ۹۹.

موضوع لزوم معرفت امام به جهت اهمیتی که داشته همواره مورد تأکید معصومین بوده است؛ چنان که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره لزوم شناخت امام و پیروی از او فرموده است: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛[1] اگر کسی بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است».

در روایت دیگری می‌خوانیم:

اگر شخصی تمام شب‌ها را نماز بخواند و روزها را روزه بگیرد و اموالش را در راه خدا بدهد و هر سال به مکه و حج برود، اما ولیّ خدا را نشناسد و کارهای خود را به رهبری او انجام ندهد، هیچ حقی بر خدا ندارد و اهل ایمان نیست.[2]

بنابراین اگر انسان امام زمانش را نشناسد، از دینش منحرف می‌شود. در یکی از دعاهای عصر غیبت می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي؛[3] خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر خودت را به من نشناسانی، نمی‌توانم پیغمبرت را بشناسم. خدایا! پیغمبرت را به من بشناسان که اگر پیغمبرت را نشناسم، حجتت را هم نمی‌شناسم. خدایا! حجتت را به من بشناسان که اگر امام را نشناسم، از دینم منحرف می‌شوم». به راستی که انحراف، وقتی است که انسان، امام زمانش را نشناسد.

مطلب مهمی که درباره معرفت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف وجود دارد آن است که امامان معصوم علیهم‌السلام معرفت به امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را جزو لوازم ایمان برشمرده و فرموده‌اند: لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِناً حَتَّى يَعْرِفَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الْأَئِمَّةَ كُلَّهُمْ وَ إِمَامَ زَمَانِهِ وَ يَرُدَّ إِلَيْهِ

۱. *کمال‌الدین و تمام النعمة*، ج ۲، ص ۴۰۹.
۲. *تفسیر صافی*، ج ۲، ص ۱۸.
۳. *کافی*، ج ۱، ص ۳۳۷.

وَ يُسَلِّمَ لَه؛[1] بنده خدا مؤمن نمی‌شود تا آن‌که خدا و رسولش و همه ائمه و امام زمانش را بشناسد و در امورش به امام زمانش رجوع کند و تسلیم او باشد.

سپس فرموده‌اند: «چگونه ممکن است کسی امام آخر را (که امام زمان اوست) بشناسد و امام اول را نشناسد؟» همین جایگاه معرفت به امام و لزوم شناختن ایشان است که سبب شده تا امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

کسی که برای معرفت امام زمان خود از خانه و شهر خود خارج شود، ولی اجل به او مهلت ندهد، از مصادیق این آیه است: ﴿وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ هرکه در راه خداوند هجرت کند، اقامت‌گاه‌های بسیار همراه با گشایش خواهد یافت و هرکه از خانه‌اش هجرت‌کنان به سوی خدا و پیامبرش خارج شود، سپس او را مرگ دریابد، حتماً پاداش او بر خداوند خواهد بود و خداوند آمرزنده مهربان است﴾.[2] کسی که در راه خدا هجرت کند، جاهای امنِ فراوان و گسترده‌ای در زمین می‌یابد. و هر کس به عنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او، از خانه خود بیرون رود، سپس مرگش فرا رسد، پاداش او بر خداست و خداوند، آمرزنده و مهربان است.[3]

نکته بعد آنکه خداوند در پاسخ به این پرسش که چرا ما را آفریده، فرموده است: ﴿لِيَعْبُدُونِ؛[4] تا مرا پرستش کنید﴾. از ائمه پرسیدند: «لِيَعْبُدُونِ» یعنی چه؟ فرمودند: «لیعرفون؛ نسبت به خدا معرفت پیدا کنید». از آن طرف و در سخنی دیگر، امام حسین علیه‌السلام در پاسخ به این سؤال که معرفت خدا چیست، فرمود: «مَعْرِفَةُ أَهْلِ

۱. ***کافی***، ج ۱، ص ۱۸۰.
۲. سوره نساء، آیه ۱۰۰.
۳. ***کافی***، ج ۱، ص ۳۷۸.
٤. سوره ذاریات، آیه ٥٦.

كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُم؛[1] معرفت خدا، شناخت مردم هر زمان نسبت به امامشان است».

یعنی معرفت خدا جز با معرفت امام زمان حاصل نمی‌شود. پس آفرینش برای عبادت خداست، عبادت خدا هم معرفت خدا و در نهایت، معرفت خدا هم به معرفت امام است. پس از معرفت به خدا، مهم‌ترین سرمایه یاران امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیز همین معرفت عمیق به اوست که آن‌چنان، ایشان را مجذوب و مطیع حضرت کرده است. بی‌شك، کسب چنین معرفتی یك‌دفعه نبوده است، بلکه آن‌ها در زمان غیبت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و هم‌گام با انتظار ظهورش، موفق به تحصیل آن شده‌اند.

این حقیقت در کلام امام سجاد علیه‌السلام به خوبی روشن است. ایشان فرمود:

> إن أهل زمان غیبته القائلین بإمامته و المنتظرین لظهوره أفضل من أهل کل زمان لأن الله تبارك و تعالی أعطاهم من العقول و الأفهام و المعرفة ما صارت به الغیبة عندهم بمنزلة المشاهدة؛[2] مردم زمان غیبت او که معتقد به امامت او و منتظر ظهورش هستند، از مردم هر زمانی برترند؛ زیرا خداوند عقل، فهم و معرفتی به آن‌ها عطا کرده که غیبت نزد آن‌ها چون مشاهده است.

دانستن همه این تأکیدها بر معرفت امام جایگاه نماز و اهمیت تأثیر آن بر مباحث مهدویت را واضح‌تر می‌کند.

۲. کارکردهای گرایشی نماز

زمینه‌سازی ظهور حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف غیر از آمادگی‌های شناختی و بینشی، نیازمند آمادگی‌های گرایشی و عاطفی نیز هست و اهمیت آن کمتر از مسائل بینشی نیست. زیرا چه بسا کسی نسبت به امام زمان و ظهور او اطلاعات زیادی داشته

۱. *بحار الأنوار*، ج ۵، ص ۳۱۲.
۲. *کمال الدین و تمام النعمة*، ج۱، ص۳۲۰.

باشد، اما کمترین تمایل و شوقی نسبت به آن در خود احساس نکند؛ نتیجه این عدم اشتیاق، عدم مسئولیت‌پذیری در موضوع زمینه‌سازی برای ظهور است. وجه مشترك همهٔ این شرایط، به تحقق آمادگی جهانی برای پذیرش حکومت امام زمان علیه‌السلام و عدالت او برمی‌گردد، به گونه‌ای که همه یك‌صدا از خدا درخواست کنند و بگویند: «انا نرغب الیك فی دولة کریمة».[1] آری! هر وقت مردم بتوانند امام و رهبری بر حق و معصوم را بپذیرند، آن وقت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ظهور خواهند کرد.

بخش مهم دیگری ازکارکردهای نماز در مورد مهدویت را می‌توان در ایجاد و تقویت گرایش‌های لازم برای زمینه سازی ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف دانست. مهمترین این گرایش‌ها که نماز در ایجاد آن مؤثر است عبارت است از:

احیای عدالت‌محوری

از مهم‌ترین ارزشهای اسلامی که در فرهنگ مهدویت جایگاه ممتازی دارد، عدالت‌ورزی و عدالت گستری است.

در روایتی آمده که امام صادق علیه‌السلام بعد از نقل این آیه: ﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ؛[2] بدانید که خداوند، زمین را پس از مرگش زنده می‌کند. همانا ما نشانه‌های [توحید و عظمت] را برای شما روشن کردیم، باشد که تعقل کنید﴾، فرمود:

> يُحْيِيهَا اللَّهُ بِعَدْلِ الْقَائِمِ عِنْدَ ظُهُورِهِ بَعْدَ مَوْتِهَا بِجَوْرِ أَئِمَّةِ الضَّلَالِ؛[3]
> خداوند زمین را پس از ظهور قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به واسطه عدالت او زنده می‌کند، پس از آن‌که با جور و ظلم رهبران گمراه، مرده باشد.

۱. *کافی*، ج۳، ص۴۲۴.
۲. سوره حدید، آیه ۱۷.
۳. *الغیبة*، نعمانی، ص ۲۵.

توجه به عدالت و جایگاه والای آن، در روایات متعدد و متواتر به چشم می‌خورد. با سیری کوتاه در آیات و روایات به وضوح در می‌یابیم که فضای اسلام، فضای عدالت است. آیات و روایات فراوانی، مردم را به عدالت و پاسداری از آن، توصیه و امر کرده و از ظلم و ستم و خیانت باز داشته‌اند. اسلام، مکتب عدل و اعتدال، نظام اسلامی، نظام عادلانه و امت اسلامی، امت میانه و وسط است. حضرت علی علیه‌السلام نیز در این‌باره فرمود: «فِی العَدلِ صَلاحُ البَرِیَّةِ وَالاقتِداءُ بِسُنَّةِ اللهِ؛[1] عدالت، هم به مصلحت مردم است و هم اقتدا به روش الهی». ایشان هم‌چنین فرمود: «العَدلُ حَیاةٌ والْجَوْرُ مَماتٌ؛[2] عدالت، باعث حیات جامعه و ظلم، باعث مرگ آن است».

عدالت از چیزهایی است که انسان فطرتاً آن را دوست دارد. به همین دلیل، حتی ستمگران نیز ظلم خود را توجیه، و سعی می‌کنند که کار خود را عادلانه جلوه دهند. گاهی چند نفر با یکدیگر شریك می‌شوند و دست به یك دزدی می‌زنند، ولی بعد از آن‌که اموال سرقت شده را به مکان دیگری انتقال دادند، در زمان تقسیم می‌گویند: بیایید اموال را عادلانه تقسیم کنیم! این سخن گاهی ناخودآگاه گفته می‌شود و اگر هم به زبان نیاورند، قلباً تقسیم عادلانه را دوست دارند و اگر یکی از آنان بخواهد سهم بیش‌تری بردارد، ناراحت می‌شوند. در همه جوامع، کسی که برای تحقق بخشیدن به عدالت، جلوی ستمگران ایستادگی می‌کند، تحسین می‌شود و این نیست مگر به خاطر آن‌که حمایت از عدل و مبارزه با ظلم، خواسته عقلی، طبیعی و فطری هر انسانی است. وجود قوانین عادلانه، شرط لازم برای اجرای عدالت در جامعه است. شاید کم‌تر حکومتی باشد که از حق و عدالت سخن نگوید و خود را حامی حقوق و مصالح جامعه نداند. قانون باید به تمام ابعاد انسان توجه داشته

۱. *الکافی*، ج ۷، ص ۱۷۴.
۲. *مستدرك الوسائل*، ج۱۱، ص ۳۱۸.

باشد. قانونی که به انسان به چشم یك موجود شهوی یا شکمی می‌نگرد، نمی‌تواند عادلانه باشد؛ زیرا برنامه‌ریزی آن بر اساس مادی‌نگری است. قانونی می‌تواند انسان را به رشد و کمال مطلوب برساند که قانون‌گذارش از هوس‌های شخصی و گروهی یا از استبداد فردی و گروهی به دور باشد. علاوه بر آن، باید دید قانون‌گذار طبق کدام معیار، قوانین عادلانه مقرر می‌کند و حافظ مصالح کدام طبقه و گروه است؟ بر این اساس، ما شریعت و قوانینی را که پیامبران آورده‌اند، بر قوانین بشری ترجیح می‌دهیم؛ زیرا اولاً، به تمام ابعاد مادی و معنوی انسان توجه دارند و از علم و حکمت بی‌پایان الهی سرچشمه گرفته‌اند و ثانیاً، قوانین آن‌ها به دنبال حفظ منافع شخصی یا گروهی نیست و از هر گونه هوا و هوس به دور هستند.

علاوه بر آن در اسلام، تمام مسئولیت‌های حساس به عهده افراد عادل است؛ یعنی کسانی که سوءسابقه‌ای پیش مردم ندارند و به صلاحیت و پاکی معروف‌اند. از قاضی تا شاهد و منشی دادگاه، همه باید در هر جایگاهی که هستند، عادلانه بگویند و بنویسند. امام در نماز جمعه و جماعت باید عادل باشد. مرجع تقلید و رهبر جامعه و مسئول بیت‌المال باید عادل باشند. مسئولان و کلیدداران نظام باید فقط به خدا وابسته بوده و عدالت پیشه باشند تا مردم نیز با رغبت عدالت را بپذیرند.

هدف انبیا آن است که ایمان به خدا و معاد را چنان در مردم زنده کنند و اخلاق و طرز تفکر الهی را در تاروپود فرد و جامعه نفوذ دهند که خود مردم به عدالت برخیزند و جامعه عادلانه تشکیل دهند. قرآن می‌فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾[1] ما پیامبران را با در دست داشتن دلایل روشن و کتاب آسمانی و معیار سنجش حقّ و باطل، برای

۱. سوره حدید، آیه ۲۵.

مردم فرستادیم تا مردم در پرتو این رهبران و قوانین آسمانی، به عدل قیام کنند﴾.

در اسلام، اجرای عدالت نه تنها درباره دوستان و مؤمنان، که درباره دشمنانِ در حال جنگ نیز سفارش شده است: ﴿فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ ؛[1] اگر به شما تعدی و تجاوزی صورت گرفت، تنها به همان مقدار می‌توانید مقابله به مثل کنید و با تقوا باشید﴾.

در نماز نیز عدالت و محبوبیّت اجتماعی دو شرط مهم برای امام جماعت است. اگر مردم امامت شخصی را قلباً قبول نداشته باشند، ولی او خودش را همچنان امام جماعت قرار بدهد نمازش قبول نیست. همچنین برای کسانی که در صف اوّل نماز قرار می‌گیرند، صفات وکمالاتی مطرح شده که این صفات خود یك نوع زنده‌کردن ارزش‌های معنوی است. یعنی در جامعه هرگروه که به عدالت و تقوا نزدیك‌ترند باید جلوتر ومحترم‌تر باشند. یاران امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیز از میان افرادی انتخاب می‌شوند که در عدالت‌ورزی نسبت به دیگران جلوتر باشند.

نیّت الهی در کارها

نیّت؛ یعنی آنکه بدانیم چه می‌کنیم و چه می‌گوییم و برای که و چه حرکت می‌نمائیم. ارزشِ هر کاری به نیّت و انگیزه آن است، نه فقط صِرف عمل؛ لذا حساب کسی که به خاطر حفظ نظم و احترام به قانون، پشت چراغ قرمز می‌ایستد از حساب کسی که از ترس پلیس یا جریمه می‌ایستد جداست. در همه عبادات و خصوصاً نماز، نیّت جایگاه ویژه‌ای دارد و اصولاً چیزی که یك کار را عبادت می‌کند، نیّتِ الهی آن کار است که اگر آن نیّت نباشد، هرچه هم ظاهر کار خوب و صحیح باشد، امّا ارزش عبادت ندارد.پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این باره می‌فرمایند:

۱. سوره بقره، آیه ۱۹۳.

«اِنَّمَا الْاَعْمالُ بِالنِّیّات؛ کارها به واسطه انگیزه‌ها ارزش پیدا می‌کند و با آنها سنجیده می‌شود». آری، فرق مادّی یا معنوی بودن یك کار، در تفاوت نیّت و هدف‌هاست. در اسلام به خالص نمودن نیت در همه عبادات که انتظار ظهور هم از جمله آن است تأکید شده است. منظور از نیّت خالص نیز آن است که انسان فقط برای خدا کار کند و در عمق جان و هدفش رضای او باشد و از مردم انتظار تشکّر یا پاداش نداشته باشد. نانی که اهل بیت رسول خدا علیهم‌السلام در چند شب پی‌درپی هنگام افطار به یتیم و اسیر و فقیر دادند، ارزش مادّیِ زیادی نداشت، اما چون خالصانه بود خداوند به خاطر آن، یك سوره (انسان) نازل کرد. در تاریخ می‌خوانیم کسی در جبهه کشته شد؛ همه گفتند: شهید شد. اما حضرت فرمودند: او «قَتیل الحِمار» است؛ یعنی کشته راه الاغ! مردم تعجّب کردند، اما حضرت فرمود: هدف او از آمدن به جبهه، خدا نبود، بلکه چون دید دشمن سوار بر الاغ خوبی است، با خود گفت: او را می‌کشم و الاغش را به غنیمت می‌برم، اما موفق نشد و آن کافر این مسلمان را کشت، پس او «قَتیل الحِمار» است.[1]

خالص کردن نیت، کاری بس دقیق و مشکل است. گاهی افکار غیرخدایی چنان در عمق جان انسان رسوخ می‌کند که خود انسان هم متوجّه نیست، و لذا در روایت آمده است: ریا و شرك از حرکت مورچه سیاه در شب تاریك بر سنگ سیاه، آرام‌تر و دقیق‌تر است.[2]

در روایات می‌خوانیم: «نِیَّةُ الْمُؤْمِنِ خَیْرٌ مِنْ عَمَلِهِ؛[3] نیّت مؤمن از عمل او بهتر است». همان‌گونه که در مقایسه جسم و روح، روح مهم‌تر از جسم است و انسانیّتِ انسان به روح اوست، در مقایسه عمل و نیّت، نیّت مهم‌تر از خود عمل است، چرا

۱. *محجّة‌البیضاء*، ج ۸، ص ۱۰۴.
۲. *بحارالانوار*، ج ۷۲، ص ۹۳.
۳. همان، ج ۷۰، ص ۲۱۰.

که روحِ عمل است.

انجام کارها برای جلب رضای خداوند به معنای آن نیست که خداوند تحت تأثیر کارهای ما قرار بگیرد و تغییر حال بدهد که در این صورت محلّ حوادث و تغییر می‌شود، بلکه قرب به خدا؛ یعنی بالارفتن روح از نردبان وجود که نتیجه‌اش نفوذ پیداکردن در هستی است؛ یعنی نزدیك شدن به سرچشمه هستی و او را در دل خود یافتن. همان‌گونه که مراتب وجود در جماد و نبات و حیوان و انسان تفاوت دارد، مراتب انسانها نیز در قرب به سرچشمه هستی متفاوت است و انسان می‌تواند تا آنجا به خداوند قرب پیداکند و مقرّب درگاه الهی شود که خلیفه خدا در روی زمین گردد.

می‌گویند: سلطان محمود غزنوی برای آزمایش درباریانش که چقدر به او وفادارند، کاروانی به راه انداخت و صندوق جواهری را بر شتری نهاد، اما در آن را قفل نکرد. در مسیر راه به درّه‌ای رسیدند او شتر را رَم داد، صندوق برگشت و جواهرات به درّه سرازیر شد.سلطان گفت: هر کس هر جواهری به دستش رسید از آنِ او باشد، اطرافیان، شاه را رها کردند و به سراغ جمع کردنِ درّ و گوهر رفتند. در این میان دید که ایاز جواهرات را رها کرده و به دنبال سلطان آمده است. از او پرسید: تو چرا به سراغ جواهرات نرفتی؟ ایاز در جواب گفت:

منم در قفای تو می‌تاختم　　زخدمت به نعمت نپرداختم

آنگاه مولوی از این ماجرا نتیجه‌گیری کرده و می‌گوید:

گر از دوست چشمت به احسان اوست　　تو در بند خویشی نه در بند دوست

خلاف طریقت بود کاولیاء　　تمنا کنند از خدا جز خدا

به هرحال، کار برای خود، نفس‌پرستی است.کار برای مردم، بت‌پرستی است. کار برای خدا و خلق، دوگانه‌پرستی است. و کارِ خود و خلق را برای خدا کردن،

خداپرستی است.

برای اخلاص در انتظار ظهور، نماز بسیار مهم و مؤثر است؛ زیرا در سراسر نماز، قصد قربت شرط صحیح بودن آن است و حتّی اگر حرکت یا کلمه‌ای از واجبات یا مستحبات نماز را برای غیر خدا انجام دهیم نماز باطل می‌شود و اگر مکان نماز یا زمان آن را برای غیر خدا تعیین نمائیم نماز باطل است. نیز اگر حالتی که هنگام نماز به خود می‌گیریم برای غیر او باشد نماز باطل می‌شود؛ بنابراین عبادت بودن نماز مربوط به آن است که انسان هیچ‌گونه قصد غیر خدایی نداشته باشد و این قصد قربت از لحظه ورود به نماز تا پایان همچنان ادامه یابد.

ناگفته پیداست که انسان در لابلای آن همه زرق و برق‌ها و جاذبه‌های زیاد اگر هر روز بتواند از همه چیز دل تهی کند و ریسمان معنوی روح خود را با ذات مقدّس او گره زند و چنان با او خلوت کند که راه نفوذ غیر را بگیرد، ارزش مهمی را به دست آورده است. ما در نماز با گفتن «ایّاك نعبد و ایّاك نستعین» به عبودیّت و بندگی خالصانه اعتراف می‌کنیم و این اخلاص را از خداوند می‌خواهیم. اگر کسی در محراب نماز، تمرین اخلاص کند در کلاس انتظار هم می‌تواند خالصانه منتظر ظهور باشد.

ارتقای انگیزه در انتظار

هم در نماز و هم در مهدویت و انتظار حضرت مهدی ارتقای نیت را می‌توان دید و به هر اندازه که در نماز انگیزه عبادت، رشد پیدا کند، انگیزه انتظار هم ترقی می‌کند. توضیح آنکه اگر از کودك سؤال کنیم پدر و مادرت را برای چه دوست داری؟ می‌گوید: به خاطر خرید شیرینی و لباس و کفش! امّا اگر از یك جوان سؤال کنید چرا آنها را دوست داری؟ می‌گوید: والدین نشانه هویت و شخصیت من و مربّی و دلسوز من هستند. اگر رشد فرزند بیشتر شود، انس با والدین برای او لذّت‌بخش‌تر است و دیگر

به فکر کفش و کلاه نیست و چه‌بسا فرزندانی که خدمت به والدین را وسیله قرب و کمال خودشان می‌دانند و بالاتر از مادیات فکر می‌کنند. پرستش و عبادت خدا نیز این‌چنین است و هرکس به دلیلی خدا را عبادت می‌کند. عبادت مراحلی دارد: گام اوّل. گروهی خدا را به خاطر نعمتهایش عبادت می‌کنند تا شکر او را به جای آورند؛ چنانکه قرآن نیز خطاب به عمومِ مردم می‌فرماید: ﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ؛[1] پس پروردگار این خانه را پرستش کنید که آنان را از گرسنگی و ناامنی نجات داد﴾. گام اوّل عبادت که ما نامش را عبادتِ شکر می‌گذاریم، درست مانند علاقه کودکی است که والدینش را به خاطر خرید کیف و کفش و شیرینی دوست دارد!

گام دوّم. در این مرحله، انسان به خاطر آثار و برکاتِ عبادت، خدا را پرستش می‌کند و توجّه به آثار روحی و معنویِ نماز دارد؛ چنانکه قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛[2] همانا نماز انسان را از بدی‌ها و منکرات بازمی‌دارد﴾. این مرحله از عبادت را که ما عبادتِ رشد می‌نامیم، به مانند علاقه جوانی است که پدر و مادر را به خاطر آنکه معلّم و مربّی او بوده‌اند و او را از انحرافات و خطرات حفظ کرده‌اند احترام می‌کند.

گام سوم. که بالاتر از مراحل قبلی است آنجاست که خداوند به حضرت موسی می‌فرماید: ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي؛[3] نماز را به خاطر یاد من به جای آر﴾. حضرت موسی که نماز را به خاطر آب و غذا نمی‌خواند، به خاطر دوری از فحشاء و منکرات هم نمی‌خواند؛ زیرا او اصولًا از شکم‌پرستی و منکرات دور است. او پیامبر اولوالعزم است و نماز را به خاطر انس با خدا و یاد خدا به جای می‌آورد. برای اولیای خدا

۱. سوره قریش، آیه ۳.
۲. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.
۳. سوره طه، آیه ۱۴.

انس با او بهترین دلیل برای عبادت است.

آری، این کودکانند که در بالای مجلس نزد بزرگان می‌نشینند تا بهتر پذیرایی شوند! اما افرادی هستند که کنار بزرگان نشستن را به خاطر استفاده‌های معنوی انتخاب می‌کنند و کاری به پذیرایی ندارند، برای آنها همین انس با دانشمند یك ارزش است.

گام چهارم. این مرحله که بالاترین و برترین مراحل عبادت است، عبادت برای شکر و رشد و انس نیست، بلکه برای قرب است؛ قرب به خدا.در قرآن چهار آیه داریم که هرکس آنها را بخواند واجب است سجده کند. در یکی از آنها همین مسأله قرب به واسطه عبادت مطرح شده است. آنجا که می‌فرماید: «وَاسْجُدْ وَ اقْتَرِبْ؛ سجده کن و به او قرب پیدا کن». به هر حال عبادت درجات و مراحلی دارد که بر اساس درجاتِ معرفت و ایمان افراد فرق می‌کند.

در انتظار ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف که خود نوعی عبادت محسوب می‌شود نیز همین مراتب وجود دارد. در روایات مهدوی از امام صادق علیه‌السلام آمده است:

> **افترق الناس فينا على ثلاث فرق: فرقة أحبونا انتظار قائمنا ليصيبوا من دنيانا فقالوا و حفظوا كلامنا و قصروا عن فعلنا فسيحشرهم الله إلى النار. و فرقة أحبونا و سمعوا كلامنا و لم يقصروا عن فعلنا ليستأكلوا الناس بنا فيملأ الله بطونهم نارا يسلط عليهم الجوع و العطش. و فرقة أحبونا و حفظوا قولنا و أطاعوا أمرنا و لم يخالفوا فعلنا فأولئك منا و نحن منهم**؛[1] مردم در باره ما سه دسته‌اند: دسته‌ای ما را به این امید دوست دارند که قائم ما ظهور کند و (در دولت او) از دنیای ما بهره‌مند شوند، سخنان ما را می‌گویند و حفظ می‌کنند اما از برنامه‌های عملی ما کوتاهی می‌کنند، خدا آنان را به دوزخ کشد. فرقه‌ای ما را دوست

۱. *تحف العقول*، ص ٥١٤.

دارند، گفتارمان را بشنوند و در عمل کوتاه نیایند، اما منظورشان تنها دنیا و شکم است، خدا شکمهای آنها را پر از آتش خواهد کرد، و گرسنگی و تشنگی را بر آنان مسلط سازد. و گروه دیگر ما را دوست دارند، سخنانمان را به خاطر سپارند، فرمانمان را اطاعت کنند، و در عمل با ما مخالفت ننمایند، آنها از ما هستند و ما از آنها.

گرایش به راه امام معصوم

تنها دعایی که بر هر مسلمانی واجب است که آن را در واجب‌ترین اعمال خود- نماز- روزی ده مرتبه بگوید، دعای ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾[1] است؛ بنابراین، درخواست هدایت به راه مستقیم، مهم‌ترین دعاست. آری، انسان باید در مقابل راه‌های متعدّدی که در برابر او قرار دارد، (راه هوس‌های خود و دیگران، راه وسوسه‌های شیطان، راه نیاکان و پیشینیان، راه طاغوت‌ها، راه توقّعات و انتظارات این و آن و راه خدا و اولیای او) هر لحظه و برای هر چیزی از خدا یاری جوید تا او را به راه مستقیم هدایت کند. صراط مستقیم راه کسانی است که خداوند به آنان نعمت ویژه داده است. ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾ و آن افراد مشمول نعمت انبیا، صدّیقین، شهدا و صالحان هستند.[2] راه مستقیم، راه خدا و اولیای خداوند و بندگان مخلص خداست. در روایات آمده که امامان معصوم علیهم‌السلام می‌فرمودند: «راه مستقیم، ما هستیم».[3] یعنی نمونه عینی و عملی راه مستقیم و اسوه و الگو برای قدم برداشتن در راه، رهبران آسمانی هستند. آنها در دستورات خود درباره تمام مسائل زندگی از قبیل کار، تفریح، تحصیل، تغذیه، انفاق، انتقاد، قهر، صلح، علاقه به فرزند و ...، نظر داده و ما را به اعتدال و میانه‌روی سفارش کرده‌اند.

۱. سوره حمد، آیه۶.
۲. سوره نساء، آیه۶۹.
۳. *تفسیر نورالثقلین*، ج۱، ص۲۰.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در ضمن حدیث ثقلین که شیعه و سنی نقل کرده‌اند، فرمود: «إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا؛[1] اگر همراه قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام باشید، گمراه نمی‌شوید». این گمراهی، همان است که در آخر سوره حمد از خدا می‌خواهیم که ما را از آن دور کند: ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾.[2] با این بیان، ضالین دو دسته‌اند: یک عده، کسانی‌که با اهل‌بیت علیهم‌السلام هستند، اما قرآن را رها کرده‌اند، و عده دیگر، کسانی که قرآن را گرفته‌اند، اما از اهل‌بیت علیهم‌السلام جدا شده‌اند؛ چراکه پیامبر در حدیث ثقلین تصریح می‌کنند که اگر به هردوی این‌ها تسمک نکنید، گمراه می‌شوید. مثل ریل‌های قطار، که اگر دو ردیف باشد، قطار حرکت می‌کند، اما اگر یك ردیف باشد، قطار از ریل خارج، و در نتیجه نابود می‌شود. پس اگر در نماز می‌گوییم: «خدایا! ما را جزء ضالین قرار نده»، برای آن‌که منحرف نشویم، باید به قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام رجوع، و به آن‌ها تمسک کنیم و این یعنی معلم و کتاب باید با هم باشد. همین آموزه‌های سوره حمد سبب می‌شود تا گرایش به امام معصوم و ولی خدا در شخص بیشتر شده و بدین وسیله یکی از زمینه‌های اصلی ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف که میل و علاقه به امام است بیشتر مهیا شود. البته همه اینها به تفکر در سوره و درک عمیق مفاهیم آن وابسته است.

توجه به مرگ و حل آن در زندگی منتظران

یکی از ویژگی‌هایی که برای یاران امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در احادیث شمرده شده آن است که: «آن‌ها برای تبرك، بدن خود را به زین اسبِ امام می‌سایند. آن‌ها در جنگ‌ها، امام را در میان گرفته و با جان خود از وی دفاع می‌کنند و هر کاری داشته باشد، برایش انجام می‌دهند... آن‌ها ادعای شهادت دارند و تمنا می‌کنند

۱. *بحار الأنوار*، ج ۲، ص ۹۹.
۲. سوره فاتحه، آیه ۷.

که در راه خداوند کشته شوند».[1] بدین‌سان، معلوم می‌شود که ایشان به جایی رسیده‌اند که از هیچ چیز، حتی بذل و فداکردن جان برای مولای معصوم خویش دریغ نمی‌ورزند و شهادت‌طلبانه در قیام جهانی امام موعود شرکت می‌کنند.

واضح است که تا مسأله مرگ، برای کسی حل نشود هیچگاه شوق شهادت در راه خدا و رکاب امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در او به وجود نخواهد آمد؛ همین امر لزوم توجه به برخی آیات سوره حمد را دو چندان می‌کند. واضح‌ترین آیه از سوره حمد درباره مرگ و معاد، آیه ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ است که خواندن و توجه به آن، غفلت از قیامت زدوده شده و شخص را وادار به تفکر می‌کند. درباره این آیه نکاتی قابل بیان است: خدا، مالك روز جزاست. خداوند هم مالك است و هم مَلِك. هستی نیز هم مِلك تحتِ مالکیّت اوست و هم مُلك تحت سلطنت و حکومت او. مالکیّت او فراگیر است و همه چیز را شامل می‌شود و حتی حکومت هم تحت مالکیت اوست: ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ﴾؛[2] چنانکه انسان نیز نسبت به اعضای بدن خود هم مالك است و هم حاکم و فرمانروا.

مالکیت خدا واقعی است، نه اعتباری و قراردادی. گرچه خداوند هم مالكِ دنیاست و هم آخرت، اما چون انسان در دنیا خود را مالك اشیا و امور می‌بیند از مالكِ اصلی غافل می‌شود، ولی در آن روز که همه اسباب قطع و نسبت‌ها محو و زبانها مُهر زده می‌شود، مالکیتِ الهی را به خوبی احساس و ادراك می‌کند، لذا به او خطاب می‌شود: ﴿لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ؛[3] امروز حکومت از آن کیست؟﴾ و او که تازه چشمش باز شده می‌گوید: ﴿لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ﴾. نمازگزاری که در هر نماز می‌گوید: خداوند ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ است همواره در یادِ معاد و قیامت است و هر کاری که می‌خواهد

۱. *بحارالأنوار*، ج۲۵، ص۳۰۸.
۲. سوره آل‌عمران، آیه ۲۶.
۳. سوره غافر، آیه ۱۶.

بکند از ابتدا به فکر حساب و کتاب روز جزاست. ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ انذار و هشدار است که ای نمازگزار از امروز به فکر فردا باش. فردایی که ﴿لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ؛[1] مال و ثروت و فرزند نفعی ندارد﴾، فردایی که ﴿لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ؛[2] بستگان و نزدیکان نیز فایده‌ای نمی‌رسانند﴾، فردایی که نه زبان اجازه عذرتراشی دارد و نه فکر فرصت تدبیر، فردایی که تنها یك چیز کارساز و چاره‌ساز است و آن لطف خداوند است.

اصولاً معاد، در عقل و فطرت هر انسانی جایگاه قابل توجّهی دارد؛ زیرا کیست که نپرسد و یا نخواهد بداند که آینده انسان و جهان چه می‌شود؟ پایان عمر و تلاش ما به کجا می‌رسد؟ نتیجه و هدف از زندگی چیست؟ آری، این سؤالها برای همه مطرح است.

در پاسخ به این سؤال‌ها دو جواب داریم:

الف) تمام ادیان الهی با استدلالی که در آینده بیان خواهیم کرد، آینده جهان و انسان و نتیجه کارها و تلاش او را بسیار روشن و امیدوار کننده و روح بخش می‌دانند، قرآن می‌گوید: ﴿وَأَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى؛[3] همانا نهایت و پایان به سوی پروردگارت می‌باشد».

ب) مکتب‌های مادّی، آینده جهان و انسان را بن‌بست، تاریك، فانی و نیستی می‌دانند و این دید بسیار خطرناك و یأس‌آور است. علاوه بر این چنین مکتب‌هایی هیچ گونه دلیل علمی هم برای عقیده خود ندارند. قرآن دراین باره می‌فرماید:

﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ

۱. سوره شعراء، آیه ۸۸.
۲. سوره ممتحنه، آیه ۳.
۳. سوره نجم، آیه ۴۲.

وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ؛[1] کسانی که ایمان به قیامت ندارند گفتند: زندگی جز همین چند روز دنیا نیست که ما هم در آن مرگ وحیاتی داریم و بعد هم روزگار ما را نابود می‌کند. ولی این انکار و گفته‌ها روی علم و دلیل نیست، بلکه تنها یك سری وَهم و خیالی باطل است که آنها دارند﴾.

گرچه افرادی به زبان معاد را نمی‌پذیرند، ولی ناخودآگاه در عمق جان خود احساس ابدیّت برای انسان دارند و گاه و بیگاه از خود علامت‌هایی نشان می‌دهند که دلیل آن است که با وجود مرگ و پوسیده شدن جسم، حاضر نیستند انسانیّت و شخصیّت واقعی او را نابود و نیست شده بدانند. ما نمونه‌هایی از این علامت‌ها را در اینجا بیان می‌کنیم:

- تمام منکران معاد به قبر نیاکان خود احترام می‌گذارند.
- نام شخصیّت‌های مرده را بر روی خیابان‌ها، مؤسسات، مدارس، دانشگاه‌ها و ... می‌گذارند.
- همه آنها میل دارند که بعد از مرگ نامشان به نیکی برده شود.
- نام نیاکان خود را روی فرزندان خود می‌گذارند.
- گاهی مردگان خود را مومیایی می‌کنند تا فاسد نشود.

اگر منکران معاد، مرگ را نابودی انسان می‌دانند، این قبیل اعمال چه توجیهی دارد؟ و چون آنان مردن را نیستی و هیچ می‌دانند، پس به گفته خودشان احترام مرده؛ یعنی احترام هیچ و نام مرده؛ یعنی نام نیستی و چرا برای نیست و هیچ شده، مقبره می‌سازند و دسته‌گل روی قبر می‌گذارند و به نام مردگان نامگذاری می‌نمایند؟! آری اینها همه نشان می‌دهد که مخالفان معاد هم در دل یك نوع

۱. سوره جاثیه، آیه ۲۴.

ایمانی (گرچه بسیار ضعیف) به بقای روح، انسانیّت و شخصیّت انسانی دارند که با مرگ از بین نمی‌رود. آری، انسان از درون فطرت خود احساس بقا و جاودانگی می‌کند و یکی از وسایل تشویق را نام نیك در تاریخ می‌داند. این از یك سو و از سوی دیگر یکی از احساسات درونی انسان احساس غربت است، دنیا برای او تنگ است، با همسر، باغ و مسافرت هم موقّتاً خود را سرگرم می‌سازد، ولی پس از چندی باز از درون احساس کمبود می‌کند، همه وسائل رفاه هم او را سیر نمی‌کند، گاهی به فکر خودکشی می‌افتد، گاهی می‌پرسد هدف آفرینش چیست؟ چرا من هستم؟ تمام این وسوسه‌های درونی نشان می‌دهد که انسان احساس غربت می‌کند و این جهان با تمام گستردگیش برای او تنگ، جسم برای او قفس و دنیا برای او زندان است که این احساس نیز یکی از زمینه‌های ایمان به روزی است که در آنجا انسان سیر می‌شود و به تمام آرزوها و اهدافش می‌رسد؛ زیرا پاسخ هر نیاز و احساس و وسوسه درونی در بیرون موجود است. مثلاً احساس تشنگی با آب و احساس شهوت با زناشویی و احساس غربت هم با معاد پاسخ داده می‌شود.

قرآن کریم در این زمینه می‌گوید:

۱. انسان بیهوده آفریده نشده است: ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا﴾؛[۱]

۲. در آفرینش انسان هدفی بس بزرگ در کار است و آن انتخاب راه حق از میان تمام راهها و بندگی و تسلیم خدا از از میان تمام انواع بندگی‌ها و تسلیم‌ها است: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾؛[۲]

۳. برای آنکه انسان در هدفش موفق شود، تمام امکانات طبیعی را برای او قرار داده و همه چیز را مسخّرش نموده‌ایم: ﴿سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ﴾؛[۳]

۱. سوره ذاریات، آیه ۵۶.
۲. سوره مؤمنون، آیه ۱۱۵.
۳. سوره حج، آیه ۶۵.

۴. به او بشارت و هشدار دادیم که کار نیك و بد تو در هر شرایط و هر مقداری که باشد، زیر نظر و مورد حساب قرار می‌گیرد: ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾؛[۱]

۵. انسان در گرو عمل خویش است: ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ﴾؛[۲]

۶. حتّی از گوش، چشم و دل انسان و از شنیدنی‌ها، گفتنی‌ها و فکر کردنی‌ها بازپرسی می‌شود: ﴿إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾؛[۳]

۷. خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾.[۴]

منتظران امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف کسانی هستند که در پرتو این آیات نورانی تربیت شده و نه تنها موضوع مرگ برای آنها حل شده است، بلکه خود طالب شهادت و مرگ در راه خدا هستند و آیه معاد سوره حمد می‌تواند جرقه خوبی برای رسیدن به همه این معارف قرآنی باشد.

الگوپذیری از انسان‌های مؤمن و مجاهد

یکی از بهترین شیوه‌های تربیت، معرفی الگوهای موفق است. الگو به کلیات و تئوری‌ها، روح و حیات می‌بخشد. الگوی خوب، مردم را از رفتن به سراغ الگوهای بد باز می‌دارد. الگوی خوب، دعوت و تبلیغ عملی است. دلیل و فلسفه مجالس عزاداری امامان معصوم به خصوص امام حسین علیه‌السلام آن است که پرچم الگوهای ایمان و استقامت در تاریخ برفراز باشد. خداوند، بارها به پیامبرش دستور داده، نمونه‌های برجسته انسانیت را به مردم معرفی کند تا این الگوها به فراموشی سپرده نشود. در یك آیه می‌فرماید: ﴿وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ﴾، یاد ابراهیم را

۱. سوره زلزال، آیه ۷ و ۸.
۲. سوره مدّثر، آیه ۳۸.
۳. سوره اسراء، آیه ۳۶.
۴. سوره توبه، آیه ۱۲۰.

زنده بدار. و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ﴾، یاد مریم را زنده بدار. آری، دیدن الگو، مطالب تصوری و ذهنی و شاید محال را به صورت عینی مجسم می‌کند.

در نماز با گفتن «**صراط الذین انعمت علیهم**» از خداوند می‌خواهیم که الگوی ما را کسانی قرار بده که مورد لطف تو هستند، تو را شناختند و به تو عشق ورزیدند، در راه تو گام برداشته و استقامت کردند و از تو جدا نشدند. بر اساس آیه ۶۹ سوره نساء کسانی که خداوند به آنها نعمت داده عبارتند از: انبیا، شهدا، صدیّقین و صالحان. امام نیز، الگوی کاملی است که باید همه انسان‌ها سعی کنند مثل او شوند. امام، مدل، نمونه و میزان است. اگر الگوهای کامل و واقعی را پیش چشم خود مجسم نکنیم و به آنان عشق نورزیم، الگوهای کاذب و باطل با تبلیغات نابجا فراروی ما قرار خواهند گرفت و به آنان گرایش پیدا خواهیم نمود و ما را به سوی خود خواهند کشید.

قرآن، تنها آن قسمتی از داستان پیامبران را که می‌تواند برای دیگران الگو باشد بیان می‌کند. به نام همسر و تعداد فرزند و تاریخ تولد و وفات آنان کاری ندارد؛ یعنی هرگز قرآن قصد داستان‌سرایی ندارد، بلکه هدفش الگو سازی است.

امام تنها راهنما نیست، بلکه امام است؛ تنها سرپرست نیست، بلکه امام است؛ یعنی کار وعبادت، خوردن وجنگیدن، سکوت وفریادش برای ما الگو ودرس است. امام به گفته‌ها و تئوری‌ها، عینیّت می‌بخشد. امام طرح ذهنی اسلام را به حقیقت خارجی، تصوّر را به واقعیّت و خیال را به حقیقت تبدیل می‌کند و بیان می‌کند که اسلام تنها اسم بی‌مسمی نیست. امام با آن صفات و افکار و اعمال همه‌جا و در همه وقت و برای همه افراد امام است، چنانکه ابراهیم علیه‌السلام اکنون نیز امام است. چه جالب تعبیری است و چه نیکو مقامی است و چه زیبا لفظی است کلمه امام.

غیر قابل فروش

این کلمه به قدری بار و محتوا دارد که هرگز لغات دیگر از قبیل معلم، مرشد، هادی، مبلغ و واعظ آن را ندارد؛ زیرا همه لغات دلالت بر آموزش و ارشاد می‌کند نه حرکت و پیشوایی، ولی امام؛ یعنی کسی که خود می‌رود و عملاً پیشواست و دیگران از او پیروی می‌کنند.

از بزرگ‌ترین راه‌های نفوذ استعمارگران ارائه الگوهای بد و دورکردن جوانان از امامان و الگوهای حقیقی است و شاید یکی از فلسفه‌های زیارت امامان نیز همین است که انسان هرگونه که هست باید در برابر انسان کامل، بایستد و فاصله‌ها و کمبودها را دریابد.

پاسخی به نیازهای ویژه روحی عصر غیبت

یکی از سنّت‌های حتمی خداوند درباره انسان، آزمایش و امتحان است که حدود بیست مرتبه در قرآن از آن سخن به میان آمده است. ناگواری‌ها از ابزارهای آزمایش خدا هستند؛ لذا گاهی انسان با آن‌که گناه و تقصیری هم نکرده، به برخی از ناگواری‌ها مبتلا می‌شود؛ همان‌گونه که خوشی‌ها نیز وسیله دیگری برای آزمایش الهی است. در زمان غیبت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بر طبق روایات، این سختی و گرفتاری بیشتر خواهد بود. یکی از آیات مهم مهدوی در این باره این آیه شریفه است که می‌فرماید: ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ؛[1] و قطعاً شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و کمبود محصولات، آزمایش می‌کنیم وصابران [در این حوادث وبلاها] را بشارت ده﴾.

امام صادق علیه‌السلام فرموده است: «پیش از ظهور قائم نشانه‌هایی از جانب خدای

۱. سوره بقره، آیه ۱۵۵.

تعالی برای مؤمنان خواهد بود». راوی گوید: «عرض کردم: فدای شما شوم! آن‌ها کدام است؟» فرمود: «این قول خدای تعالی که: ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾؛ یعنی شما مؤمنان را پیش از خروج قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌آزمائیم به [خوف از] پادشاهان بنی‌فلان در آخر سلطنت آن‌ها و [گرسنگی به واسطه] گرانی قیمت‌ها و [کاستی در اموال به واسطه] کسادی داد و ستد و کمی سود و [کاستی در نفوس به واسطه] مرگ و میر فراوان و [کاستی در ثمرات به واسطه] کمی برداشت محصولات زراعتی و در آن هنگام صابران را به تعجیل خروج قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف مژده بده».[1]

البته باید دانست که خداوند مصیبت‌ها را به این جهت استخدام کرده که به وسیله آن، انسان را از دنیا قطع و به خود وصل کند؛ دست انسان را از دست دنیا دربیاورد و در دست خود قرار بدهد. شما تا دستتان در دست دوستی قرار دارد، آیا می‌توانید با دوست دیگرتان دست بدهید؟ هرگز! مگر نمی‌گویید که با یك دست نمی‌شود دو هندوانه برداشت؟ پس با یك دست هم نمی‌شود با دو کس دست داد! انسان تا دست خود را از دست دنیا بیرون نکشد، نمی‌تواند با آخرت دست بدهد؛ باید از بیعت ظالم خارج بشود تا بتواند با امام بیعت کند؛ باید از وادی کفر بیرون بیاید تا بتواند به وادی ایمان وارد شود. همان‌طور که تا وقتی آخرین ثانیه‌های شب پایان نیابد، وارد اولین ثانیه‌های روز نخواهیم شد. پس مصیبت‌ها این هنر را دارند که دست انسان را برای همیشه از دست دنیا خارج کنند. خدا برای این‌که می‌خواهد انسان را نسبت به دنیا و دنیایی‌ها بی‌میل و رغبت کند، او را تحت فشار قرار می‌دهد و انواع مصیبت‌ها را بر او فرود می‌آورد. گاهی اوقات هم برای به هوش آمدن انسانی که بیهوش شده است، به او سیلی می‌زنند. مصیبت‌ها سیلی خداوند

۱. *کمال الدین و تمام النعمة*، ج۲، ص ٦٤٩.

هستند که بر صورت بی‌هوشان و سرمستان وادی دنیا نواخته می‌شود. آن‌که مرده است، هیچ‌گاه سیلی نخواهد خورد. پس آن‌که به مصیبتی گرفتار نیست، باور کند که مرده است؛ البته در صورتی که آثار به هوش بودن را در خویش نمی‌بیند. خداوند متعال وقتی بخواهد مؤمنی را متوجه کند که به این دنیا هیچ اعتمادی نیست، با «بده‌بستان» با او برخورد می‌کند! انسان در ابتدا وقتی چیزی را به چنگ می‌آورد، آرام و قرار ندارد؛ اما کمی که خدا با او بده‌بستان کرد، متین و باوقار می‌شود، هم در گرفتن و هم در پس دادن. دیگر نه وقتی که به او چیزی می‌دهند، فرحی از خود نشان می‌دهد و نه وقتی که از او چیزی می‌گیرند، جزع می‌کند.

البته شما می‌دانید که میان آزمایش ما و آزمایش خدا فرق است. آزمایش ما برای شناخت است، اما آزمایش خدا برای علم و آگاهی به وضع و روحیه و عکس‌العمل ما نیست؛ زیرا او قبل از هر فکر و عملی می‌داند که ما چگونه فکر می‌کنیم و چگونه عمل خواهیم کرد. بلکه هدف او از آزمایش، این است که از ما کاری سر زند و بدین وسیله، استحقاق پاداش و کیفر داشته باشیم؛ زیرا خداوند طبق علم خود و بدون آن‌که از شخصی عملی سر بزند، به خوبی و بدی او پاداش و کیفر نمی‌دهد. معلم می‌داند که فلان دانش‌آموز اهل درس خواندن نیست، ولی نمی‌تواند قبل از امتحان، او را مردود قلمداد کند.

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

آزمایش‌های الهی برای علم پیدا کردن خداوند نیست؛ بلکه برای آن است که بستری ایجاد شود و از انسان عملی سرزند تا کیفر و پاداش بر مبنای عمل او باشد.[1]

آزمایش الهی برای آن است که مدعیان راستین از مدعیان دروغین شناخته

۱. *نهج‌البلاغه*، خطبه ۱۴۴.

شوند، زیرا همه انسان‌ها به نوعی ادعا می‌کنند که آدم‌های خوبی هستند؛ اما به هنگام امتحان، حقیقت روشن می‌شود و هرکس می‌فهمد که چه مقدار در ادعایش راستگو بوده است. خیلی از ماها فکر می‌کنیم که انسان‌های خوبی هستیم و اگر امام زمان بیاید از سربازان او خواهیم بود، اما واقعا این طور نیست. منصور صیقل گوید: من و حارث بن‌مغیره با جماعتی از اصحابمان (شیعیان) خدمت امام صادق علیه‌السلام نشسته بودیم و از ظهور دولت حق سخن می‌گفتیم. آن حضرت سخن ما را می‌شنید، سپس فرمود: «شما در چه موضوعی وارد شده‌اید؟ هیهات! هیهات! به خدا قسم، آن‌چه انتظارش را می‌کشید، واقع نشود تا وقتی که غربال شوید. به خدا قسم، آن‌چه چشم به راهش هستید، واقع نشود تا وقتی که امتحان شوید. به خدا قسم، آن‌چه به سویش چشم می‌کشید، واقع نشود تا وقتی که جدا شوید».[1]

همه این سختی‌ها را اضافه کنید به سعی و تلاش‌هایی که منتظران حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف باید برای زمینه‌سازی ظهور او تحمل کنند؛ قطعاً همه این‌ها نیاز به تقویت روحی زیادی دارد. آنجا که کار و تلاش بیشتر است نیاز به نماز بیشتر است. انسان معمولًا در شب‌ها خواب است و فعّالیتی ندارد؛ از این رو از عشاء تا صبح نمازی واجب نیست، ولی نیاز معنوی انسان در روز بیشتر است. هوس‌ها، طاغوت‌ها، جلوه‌ها، حیله‌ها و تمام پرتگاه‌ها در روز جلوه دیگری دارند و لذا اوّل روز و آخر روز باید نماز خوانده شود و برای وسط روز سفارش ویژه آمده است: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ﴾[2] دو طرف روز (صبح و شب) نماز به پا دار﴾ و همچنین: ﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى﴾[3] نسبت به تمام

۱. *کافی*، ج۱، ص ۳۷۰.
۲. سوره هود، آیه ۱۱۴.
۳. سوره بقره، آیه ۲۳۸.

نمازها به خصوص نماز ظهر حفاظت کنید﴾. و مثل منافقین گرمی هوا را بهانه ترك جماعت قرار ندهید.

سدّی محکم در برابر گناه

یکی از وظایف مهم ما در همه زمانها و به ویژه عصر غیبت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف دوری از گناه است؛ زیرا آنچه ما را از ایشان محروم کرده و مانع ظهور است گناه است. خود ایشان نیز ارتکاب گناه را سبب این امر معرفی کرده و فرموده‌اند: «فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ؛[1] ما را از شما حبس نمی‌کند، مگر اعمال ناپسندی که از ناحیه شما به ما می‌رسد». این سخن با صراحت می‌گوید که به سبب اعمال زشتی که انجام داده‌ایم، توفیق درک ظهور را پیدا نمی‌کنیم. شخصی خودش را به آب و آتش زد که امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را ببیند تا بالأخره از طریقی فهمید که امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف فلان روز، فلان شهر و فلان خانه تشریف دارند. به همان محل رفت و دید آن‌جا پیرمردی مشغول کار است و سید بزرگواری هم آن‌جا نشسته است ـ که بعد معلوم شد امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است- به او گفت: «چقدر خودت را به این‌طرف و آن‌طرف می‌زنی؟!» گفت: آقا! می‌خواهم امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را ببینم. او گفت: «مثل این پیرمرد، باتقوا و اهل انصاف باش؛ آن‌گاه خود امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نزد شما می‌آید.» در داستان دیگری آمده: یکی از علما متوجه شد که امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در خانه‌ای وارد شده است. خود را به آن خانه رساند و دید زنی از دنیا رفته و حضرت در کنارش نشسته است. پرسید: این زن چه کسی است که شما در هنگام مرگ به نزدش آمدید؟ حضرت فرمود: زمانی که رضاشاه حجاب را برداشت، این زن به خاطر تقوا هفت سال از خانه بیرون نیامد که پاسبان‌های زمان رضاشاه

۱. *بحارالانوار*، ج۵۳، ص۱۷۶.

چادر از سرش نکشند. این‌طور تقوا داشته باشید تا امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به شما توجه کند!

لازم نیست ما برویم جمکران؛ البته جمکران رفتن یك ارزش است، اما خیلی‌ها می‌پرسند: چه کنیم تا امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را ببینیم؟ پاسخ آن است که اگر گناه نکنی، لیاقت ملاقات پیدا می‌کنی. حال سؤال مهم این است که برای اینکه گناه نکنیم چه کار باید کرد؟ و جواب آن است که از بهترین راهها نماز است. از امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف روایت شده است که ایشان در همین باره فرمود: «فَمَا أُرْغِمَ أَنْفُ اَلشَّيْطَانِ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ اَلصَّلاَةِ فَصَلِّهَا وَ أَرْغِمِ اَلشَّيْطَانَ؛[1] هیچ چیز همانند نماز بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد، پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال».

همه ما با کلمه محراب آشنا هستیم، این کلمه در قرآن نیز درباره محلّ نماز زکریّا علیه‌السلام آمده است. ﴿وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ﴾.[2] محراب در لغت یعنی محلّ حرب وجنگ، پس نماز وحضور در محرابِ عبادت، قیام برای جنگ با ابلیس است. اگر انسان هر روز چند بار در محلی قرار بگیرد که نامش محل جنگ باشد، جنگ با هوس‌ها و شیطان‌ها و طاغوت‌ها، القای این کلمه چه تأثیری در فرد و جامعه دارد؟ بگذریم که امروز به خاطر فرهنگ غلط، محراب‌ها را تزیین می‌کنند وگل‌بوته‌های کاشی‌کاری‌ها، صحنه را درست به عکس کرده و به جای فرار شیطان جولانگاه او قرار داده است.

هرجا نماز پایگاه داشت شیطان بساط خود را جمع می‌کند و هرکجا رشته نماز پاره شد همه کمالات متفرق می‌شود. قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ

۱. *من لا یحضره الفقیه*، ج۱، ص ۴۹۸.
۲. سوره آل‌عمران، آیات ۳۸- ۳۹.

تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛[1] قطعاً نماز از فحشا و منکر جلوگیری می‌کند﴾. نمازگزار نمی‌تواند سست باشد،لباس و مکانش حرام باشد، بدنش ناپاك و لقمه‌اش آلوده باشد، او به خاطر صحیح بودن نمازش مجبور است یك سری مراقبت‌هایی از خود داشته باشد، ارتباط با خداوند روح قدسی به انسان می‌دهد که از ارتکاب آلودگی‌ها شرم دارد.کجا دیده‌اید کسی از مسجد به قمارخانه یا مراکز فساد برود؟

کجا دیده‌اید کسی از خانه خدا بیرون آید و برای دزدی پا به خانه مردم گذارد؟ و بر عکس اگر نماز ضایع شود هر گونه فساد و پیروی از انواع شهوات پیدا می‌شود.

آرامش‌بخشی

تنها مشکلی که دنیای علم و صنعت امروز آن را حل نکرده، مشکل آرامش روحی است. هر روز آمار بیماری‌های روانی، و مصرف قرص اعصاب زیاد می‌شود. هیچ چیز به انسان آرامش نمی‌دهد جز یاد خدا و ایمان و انس و عشق و توکّل به او. آری، نماز یاد خداست و فقط با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

افرادی را می‌شناسیم که دارای قدرت، مال و علم هستند، امّا آرامش لازم را ندارند. در مقابل، افرادی تهیدست هستند که به خاطر ایمان به سرچشمه هستی دارای قلبی آرامند، دید و بینش و اعتقاد خاصّی دارند که حوادث تلخ و شیرین را می‌پذیرند و برای آنها تحلیل منطقی دارند.

آری، با یاد خداوند دل‌ها آرام می‌گیرد و بهترین یاد خدا همان نماز است. کمبود امروز بشر علم و تخصصّ نیست، بلکه دل آرام است. نه فرعون‌ها و

۱. سوره عنکبوت، آیه۴۵.

ابرقدرت‌ها دل آرام دارند، نه قارون‌ها، و نه ابولهب‌ها، و نه منافقان چند چهره.

تنها رهبری را که ما در زمان خودمان دارای دل‌آرام دیدیم، حضرت امام خمینی‌ﷺ بود که روز ۱۲بهمن ۵۷ وقتی در هواپیما نشست تا به ایران بیاید، خبرنگار از او پرسید چه احساسی دارید؟ فرمود: هیچ؛ با اینکه هنوز نظام شاهنشاهی سرِ پا بود و احتمال سرنگونی هواپیما داده می‌شد.

در وصیّت نامه خود نیز نوشت من با قلبی آرام به سوی خدا می‌روم. این دل آرام از زور و پول و مقام نیست، از پیوند با خداست که بهترین نوع آن نماز است.قرآن کریم می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛[1] (هدایت شدگان) کسانی هستند که ایمان آورده ودلهایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. بدانید که تنها با یاد خدا دلها آرام می‌گیرد﴾.

انسان، بی‌نهایت طلب است و کمال مطلق می‌خواهد، ولی چون هر چیزی غیر از خداوند محدود است و وجود عارضی دارد، دل را آرام نمی‌گرداند. در مقابل کسانی‌که با یاد خدا آرامش می‌یابند، عده‌ای هم به متاع قلیل دنیا راضی می‌شوند: «رَضُوا بِالْحَياةِ الدُّنْيا وَ اطْمَأَنُّوا بِها». نماز، ذکر الهی ومایه آرامش است: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾،[2] ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾. ممکن است معنای ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ این باشد که به واسطه ذکر و یادی که خدا از شما می‌کند، دلهایتان آرام می‌گیرد؛ یعنی اگر بدانیم خداوند ما را یاد می‌کند و ما در محضر او هستیم، دلهایمان آرامش می‌یابد.

۱. سوره رعد، آیه ۲۸.
۲. سوره طه، آیه۱۴.

۳. کارکردهای رفتاری نماز

غیر از کارکردهای بینشی و گرایشی نماز برای زمینه‌سازی ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌توان دسته‌ای دیگر از آثار نماز را در نظر گرفت که مربوط به رفتارهایی دانست که می‌تواند بسترهای ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را فراهم کند. برخی از این کارکردها عبارت است از:

تلاش و تحرک

اسلام از مردم، تحرك و هیجان معنوی می‌خواهد، شعار «عجّلوا بالصلوة» و ﴿فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ﴾[۱] یعنی باید هنگام نماز با صدای مقدّس اذان در جامعه مسلمین، تحرّك و تصمیم خاصی را به وجود آورد، باید کارها تعطیل، تفرق‌ها تبدیل به وحدت، غفلت‌ها تبدیل به ذکر و یاد خدا شود. مؤمن واقعی کسی است که هرگاه یاد خدا شد، دل او تکان بخورد. مثال کسی که صدای اذان را بشنود و بی‌توجّه باشد، مثال کودکی است که صدای پدر را بشنود و اعتنا نکند. خصوصیت تلاش برای منتظران امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بسیار مهم است، زیرا در سایه تلاش و تحرک است که امکان زمینه‌سازی؛ یعنی همان انتظار واقعی وجود دارد. باید دانست که انتظار، عمل است؛ زیرا در روایات ما آمده است: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ» و نمی‌گوید «افضل الحالات»؛ پس انتظار عمل است، نه حالت و سکوت و سکون. انسانی که منتظر مسافرش است و کشاورزی که منتظر میوه است، آسوده‌خاطر نمی‌نشیند. ما که منتظر آقا هستیم، باید رفتارمان با رفتار آقا سنخیتی داشته باشد؛ پس منتظر؛ یعنی انسان تلاش‌گر. انتظار؛ یعنی اعتراض به وضع موجود و امید به باز شدن درهای رحمت و

۱. سوره جمعه، آیه۹.

معرفت. انتظار؛ یعنی من منتظرم جهانی پر از عدل شود. در «دعای افتتاح» که منسوب به امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است، می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُوا اليك»؛ یعنی خدایا! من شکایت می‌کنم و نظام‌های طاغوتی موجود در روی زمین را قبول ندارم. اگر کسی بپرسد که چه حکومتی را قبول دارید؟ پاسخ آن در ادامه دعا آمده است: «إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ». در زمانی که استاد شهید مطهری در تهران بودند و برای تدریس از آن‌جا به قم تشریف می‌آوردند، مدتی در قم میزبان ایشان بودم. در همان زمان و در مسیر راه، سؤالات زیادی را از ایشان می‌پرسیدم که یکی از آن‌ها دربارهٔ انتظار ظهور بود. ایشان دربارهٔ حقیقت انتظار، مَثَلی را از مرحوم حجت الاسلام راشد که قبلاً در رادیو سخنرانی می‌کرد و مرد دانشمندی بود، نقل کردند که می‌گفت: وقتی شب می‌شود، همه ما در انتظار خورشید هستیم، اما معنای انتظار خورشید بودن این نیست که در تاریکی بنشینیم. هم منتظر خورشید هستیم، هم وظیفه ما این است که بلند شویم و کاری انجام دهیم و برقی را روشن کنیم. حارث‌بن‌مغیره از حضرت باقر علیه‌السلام روایت کرده است: کسانی که از شما عارف به این امر (امامت اهل‌بیت) هستند و منتظرند و آرزوی پاداش نیك دارند، به خدا قسم مانند آن کسی است که به همراه قائم آل‌محمد جهاد کرده است. سپس فرمود: به خدا قسم، مانند کسی است که با پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با شمشیرش جهاد کرده است. آن‌گاه برای مرتبه سوم فرمود: به خدا قسم، مانند کسی است که در خیمه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به درجه شهادت رسیده است و درباره شما آیه‌ای در قرآن هست. عرض کردم: کدام آیه؟ ایشان فرمود: آیه ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ؛ و کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده‌اند، آنان همان کسانی هستند

که سر تا پا صداقتند و نزد پروردگارشان گواهانند، پاداش و نورشان را دارند﴾؛ آن‌گاه فرمود: به خدا قسم نزد خداوند، صادقین و شهدا محسوب می‌شوید.[1] خصوصیت بزرگ نماز این است که می‌تواند چنین انتظار فعالی را در منتظران امام زمان تقویت نماید.

نظم و برنامه‌ریزی

زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف باید با برنامه‌ریزی و نظم در کارها همراه باشد تا رسیدن به هدف با موفقیت همراه باشد. اصولاً کسی که طرح ندارد، برنامه برایش مبهم است. کاهش بهره وری دارد. باید معلوم باشد: شروع از کجا؟ پایان به چه؟ قیام کجا؟ قعود کجا؟ بنابراین هر چیزی به جای خود، هر کاری در وقت خود و کارها باید به ترتیب و اولویت باشد. قرآن کریم درباره حکومت حضرت سلیمان می‌فرماید: ﴿وَ حُشِرَ لِسُلَيْمانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِ وَ الْإِنْسِ وَ الطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ؛[2] سپاهیان سلیمان، از جن‌وانس و پرنده، همه گرد آمدند، و به صفّ شدند﴾؛ پس در نیل به اهداف، باید از تمام امکانات و منابع بهره گرفت. چنان که سلیمان از جن و انس و پرنده برای اداره حکومت استفاده می‌کرد. حال که هر جا مسئولیت‌ها بیشتر و خدمات حساس‌تر باشد به نظم بیشتر نیاز است. در مسأله انتظار و زمینه‌سازی ظهور این امر باید بیشتر مورد توجه باشد.

با این مقدمه باید گفت که نماز کارگاه خوبی برای عملی شدن نظم و ترتیب در منتظران است؛ در زمان‌بندی اوقات نماز، در منظم بودن صف‌های نماز جماعت، در با هم سجده رفتن، با هم نشستن، با هم قیام کردن، با هم سکوت

۱. ***تفسیر صافی***، ج۵، ص۱۳۶.
۲. سوره نمل، آیه۱۷.

کردن، با هم دعا کردن، جلو و عقب نیفتادن، قبل از وقت نماز نخواندن و نماز را به خارج از وقت نسپردن، در همه اینها سیمای نظم را مشاهده می‌کنیم.
در نماز ترتیب و موالات شرط است. نمی‌شود ذکر سجده را در رکوع گفت. نمی‌شود بیش از یك رکوع و دو سجده انجام داد. حمد قبل از سوره، رکوع قبل از سجده و قنوت قبل از رکوع است. هر کاری در وقت خود است: اول اذان، بعد اقامه. اول حمد، بعد سوره. اول رکوع، بعد سجده.اول نماز ظهر، بعد عصر. اصلاً ترتیب یکی از واجبات نماز است و اگر مراعات نشود، نماز باطل است.

ب) کارکردهای نماز در زمینه‌سازی اجتماعی برای ظهور

همان طور که قبلاً گفته شد نماز در بحث مهدویت و ظهور می‌تواند آثار مختلفی داشته باشد. در قسمت قبل کارکردهای آن در زمینه‌های فردی ظهور بیان شد و در این قسمت، برخی از مهمترین کارکردهای نماز در زمینه‌سازی اجتماعی برای ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف شمرده می‌شود.

۱. آگاهی از مسائل اجتماعی

منتظران امام زمان باید برای انجام درست وظایف خود از اتفاقاتی که در اطراف و جامعه خود می‌گذرد مطلع باشند و اتفاقاً بخشی از آثار اجتماعی نماز به لوازمی که با برخی از انوع نماز است برمی‌گردد. یکی از مهمترین انواع نماز، نماز جمعه است؛ هر هفته روزهای جمعه نمازجمعه برپا می‌شود و قبل از نماز دو خطبه خوانده می‌شود. این دو خطبه به جای دو رکعت از نماز و به عبارتی جزیی از نماز است. خطبه‌هایی که به فرموده امام رضا علیه‌السلام باید مردم را از تمام مسائل جهان آگاه کند. شنیدن خطبه‌ها و آنگاه نماز خواندن؛ یعنی

آگاه شدن و بعد نمازخواندن.

۲. جمع‌گرایی و ادب

آنچه ابتداءً در بحث انتظار به ذهن می‌رسد فردمحور بودن انتظار ظهور است در حالی که انتظار حکومت مهدوی بیش از آنکه فردمحور باشد به خاطر نوع انتظارش، اجتماع محور است و همین امر سبب می‌شود تا جماعت‌محوری برای منتظران یک اصل باشد. از این نگاه نیز نماز می‌تواند به جماعت‌محور شدن منتظران کمک کند. به عنوان نمونه اصل نماز واجب است و به جماعت خواندن آن، مستحب می‌باشد و بسیار به آن سفارش شده است. پاداشی که برای نماز جماعت است، به توصیف نمی‌آید. آن هم حضور در جماعت مسلمین در مسجد که خانه خداست. نماز جمعه- هفته‌ای یك‌بار برگزار می‌شود- غیر از جنبه عبادی و پرستش، جنبه اجتماعی و سیاسی و فرهنگی هم دارد و صفوف مسلمانان را متّحد و توطئه‌های تفرقه‌افکنان را خنثی و تبلیغات سوء دشمنان را بی اثر می‌کند. نماز جمعه و جماعت، رمز شکوه و عظمت مسلمین است.

نماز جماعت، زمینه شناخت افراد و نیازها و مشکلات و همکاری برای حلّ مسائل مسلمین است. نماز جماعت، هر چند کوتاه و با تأخیر خوانده شود، به مراتب از نماز به تنهایی، هر چند طولانی و در اوّل وقت باشد، ثواب و ارزش بیشتری دارد.

در صفوف جمعه و جماعت، همه همدل و هماهنگ و در کنار هم متحّد می‌شوند.خودخواهی‌ها و خودمحوری‌ها در «جمع»، ذوب می‌شود. رحمت خداوند نیز به جمع مؤمنان، بیشتر شامل می‌گردد. در حدیث آمده است: هر که ندای نماز جماعت را بشنود، ولی به آن اعتنا نکند، نمازش بی ارزش

است.[1] شرکت دائم در نماز جماعت، انسان را از نفاق و دورویی بیمه می‌کند.[2] در اسلام به ما سفارش شده که در نماز با ادب بایستیم، دست‌ها روی ران‌ها، بدن آرام، نگاه‌ها به محل سجده، لباس‌ها نو و تمیز، همراه با بوی خوش و معطّر. اگر با جماعت هستیم از سایرین جلو و عقب نیفتیم و خود را هماهنگ دیگران و مردم کنیم، مقام امام را نگهداریم، قبل از او کاری انجام ندهیم، به رکوع یا سجود نرویم و بهتر است حتّی قبل از کلام امام، ذکر نماز را به زبان جاری نکنیم. مجموعه این دستورالعمل‌ها روحیه ادب و اطاعت را در انسان تقویت می‌کند؛ آن هم ادبی بر اساس ارزش‌هایی چون: شناخت، محبّت، تواضع و ادب در برابر کسی که اهلیّت دارد، نه تملّق و نه خودباختگی.

یکی دیگر از آموزه‌های نماز که برای تربیت اجتماعی منتظران بسیار درس‌آموز است سلامهای آخر نماز است. هر مسلمان در هر کجای زمین که هست، هر روز پنج بار باید به تمام همفکرانش سلام کند «**السلام علینا و علی عبادالله الصالحین**»؛ سلام بر بندگان صالح خدا؛ سلام بر سرمایه‌داران هرگز، سلام بر قدرتمندان هرگز، سلام فقط بر عباد صالح خدا. سلام بر طرفداران مکتب حقّ «**عبادالله الصالحین**». سیاست خارجی ما را در نماز، یکی «**غیر المغضوب علیهم**» تعیین می‌کند و یکی «**السلام علینا و علی عبادالله الصالحین**». آری، کسی که هر روز به بندگان خدا سلام کند، با آنها حیله نمی‌کند، خیانت نمی‌کند، کلاه سرشان نمی‌گذارد.

۳. رهبرمحوری

ویژگی دیگر مهمی که باید در همه منتظران و سربازان امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف باشد

۱. *وسائل الشیعه*، ج ۵، ص ۳۷۵.
۲. *من لا یحضره الفقیه*، ج۱، ص ۳۷۷.

آن است که باید به جای خودمحوری، امام محور باشند و اساساً تا انسانی تمام زندگی خود را بر محور امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف قرار ندهد نمی‌تواند فرد مؤثری در زمینه‌سازی ظهور بوده و توفیق سربازی در رکاب امام زمان را نخواهد داشت. نماز در این جهت نیز می‌تواند مؤثر باشد.

اصل در نماز، به جماعت خواندن است. نمازجماعت بدون امام نمی‌شود، چنانکه جامعه بدون رهبر نمی‌شود. در روایتی می‌خوانیم:

اگر شخصی تمام شب ها را نماز بخواند و روزها را روزه بگیرد و اموالش را در راه خدا بدهد و هر سال به مکه و حج برود، اما ولیّ خدا را نشناسد و کارهای خود را به رهبری او انجام ندهد، هیچ حقی بر خدا ندارد و اهل ایمان نیست.[1]

مشکل امروز مسلمانان آن است که نماز می‌خوانند، ولی رهبرانشان افراد ترسو و وابسته و دست نشانده و بدون ملاک‌های الهی‌اند. با زبان از خداوند راه مستقیم می‌خواهند، ولی در عمل بیراهه می‌روند.

امام برای همه مردم به طور یکسان امام است، نه برای گروه خاص. فقیر و غنی و زشت و زیبا در کنار هم قرار می‌گیرند، باید امتیازات پوچ با نماز جماعت از جامعه حذف شود، اگر امام در نماز اشتباه کرد مردم به او هشدار می‌دهند؛ یعنی در نظام اسلامی امام وامّت باید مراقب یکدیگر باشند.

امام جماعت باید مراعات ضعیف‌ترین مردم را بکند و نماز را طول ندهد و این خود درسی است که مسئولین باید در برنامه‌ریزی‌ها و حرکت‌ها توجّه به همه اقشار داشته باشند. در نماز جماعت مردم نباید از امام جلو بیفتند و این درس دیگری است که نشانه نظام و ادب می‌باشد. اگر از امام جماعت گناه بزرگی سر زد و مردم فهمیدند، باید کنار رود؛ یعنی مردم و جامعه را نباید به دست فاسق

۱. ***تفسیر صافی***، ج۲، ص ۱۸.

سپرد. در نمازجماعت همه با هم به خاك افتاده و سجده می‌کنیم؛ آری، باید همه با هم باشیم. در نماز جماعت همه مردم می‌توانند با کسب علم، تقوا، محبوبیّت و...امام شوند. پیشنمازی ارث کسی نیست، هر کسی در کمالات برتر شد، در جامعه آقا است.

۴. امدادرسانی و حل مشکلات اجتماعی

نماز صحیح و با رعایت شرایط آن می‌تواند بسیاری از مشکلات اجتماعی و موانعی که مانع از ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌شود را کم یا بر طرف کند. این سفارش قرآن کریم است که می‌فرماید: ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ؛[1] از شکیبایی و نماز کمك بگیرید﴾. همچنین در حدیث می‌خوانیم: هرگاه حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حضرت علی علیه‌السلام گرفتار مشکلات می‌شدند به نماز می‌ایستادند. این خطاب قرآنی فقط مخصوص حل مشکلات فردی نیست، بلکه منتظران امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌توانند با اقامه نماز بسیاری از مشکلات اجتماعی جامعه منتظران را برطرف کنند.

یکی از برکات نماز به خصوص در مساجد، امدادگری است؛ همیشه محرومان به مساجد روانه می‌شدند و مشکلات خود را با مردم در میان می‌گذاشتند و در آن مکان مقدّس آن را حل می‌کردند. سابقه این کار از زمان رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده است. قرآن صحنه‌ای را نقل می‌کند که فقیری وارد مسجد شد و از مردم استمداد کرد. کسی به او توجّهی نکرد و فقیر با ناله به خداوند حال خود را گفت. حضرت علی علیه‌السلام مشغول نماز بود، به فقیر اشاره کرد و او جلو آمد و حضرت در حال رکوع انگشتر خود را به او داد، آیه نازل شد که: «رهبر

۱. سوره بقره، آیه۴۵.

شما فقط خداوند و پیامبرش و کسانی‌اند که در حال رکوع انفاق و به فقرا رسیدگی می‌کنند». همین که مردم آیه را شنیدند به مسجد آمدند تا ببینند این آیه درباره چه کسی نازل شده است. فهمیدند که مورد آیه شخص علی‌بن ابیطالب علیه‌السلام است. به هر حال، امدادرسانی و کمك به فقراء از مسجد و در سایه برکات نماز بوده و خواهد بود. اجتماع مردم در مسجد برکاتی دارد که با نوشتن چند سطر حقّ آن ادا نمی‌شود.

۵. دوست‌یابی صحیح

لازم است در عصر غیبت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف منتظران ایشان، دوستانی انتخاب کنند تا هم در مسیر دین‌داری در آخرالزمان به آنها تکیه کنیم و هم برای زمینه‌سازی ظهور با کمک همدیگر بتوانیم گام‌های مؤثرتری برداریم. برای رسیدن به این مقصود، نماز بسیار مؤثر است؛ مخصوصاً اگر در مسجد و به صورت جماعت انجام شود. در حدیث است: یکی از برکات مسجد و نماز، پیدا کردن دوست خوب است.[۱] انسان در زندگی اجتماعی خود نیاز به دوست دارد و نقش مثبت یا منفی دوست در زندگی انسان بر کسی پوشیده نیست. مسجد بهترین مرکز دوست‌یابی است. کسانی که به مسجد می‌روند برای بندگی خدا می‌روند. حیله‌ها و خودنمایی‌ها را کنار می‌گذارند و انسان می‌تواند در میان مردم مسجد، دوست خود را انتخاب کند.اگر شخصی اهل نماز نبود، چرا با او دوست شویم؟ او که با خدا قهر است، با من نیز دوست نخواهد بود. او که الطاف خدا را فراموش می‌کند، خدمات مرا هم فراموش خواهد کرد. او که با مؤمنین وفادار نیست، چگونه اطمینان داری با تو وفادار بماند؟

۱. *بحارالانوار*، ج ۸۳، ص۳۵۱.

۶. اصلاح مسائل مالی و اقتصادی

توجه به مسائل اقتصادی جامعه منتظر امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف یکی از مسائل مهمی است که متأسفانه آن طور که شایسته است، به آن توجه نمی‌شود؛ در حالی که همان طور که در عصر ظهور، به خاطر تأثیر امور مالی بر دین‌داری، خود حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف اقتصاد جامعه را مدیریت خواهد کرد، در عصر غیبت هم باید همه مسئولان به این موضوع توجه جدی داشته باشند.

در همین راستا نماز، یکی از عواملی است که می‌تواند به اصلاح مسائل اقتصادی کمک کند. در نماز باید لباس و مکان و آبی که برای غسل و وضو استفاده می‌شود حلال و طبق دستور اسلام باشد واگر دگمه یا نخی از لباس یا قطره‌ای از آبی که برای نماز مصرف می‌شود از طریق نامشروع تهیه شده باشد نماز باطل است.

جالب اینکه اگر بخواهیم نماز و دعای ما قبول واقع شود باید لقمه‌ای را که مصرف می‌کنیم نیز حلال باشد.

آری، همانگونه که هواپیما برای پرواز، بنزین مخصوص می‌خواهد، پرواز معنوی انسان نیز لقمه حلال لازم دارد.

۷. تقویت روابط سازمانی و تشکیلاتی

یکی از مهارتهای زندگی در عصر غیبت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف که باید همه منتظران آن را داشته باشند، مهارت زندگی تشکیلاتی در جامعه است، زیرا بسیاری از کارها و اصلاحات مهم در جامعه برای زمینه‌سازی ظهور به صورت فردی قابلیت انجام را جز به صورت تشکیلاتی ندارد و همین امر تقویت روحیه تشکیلاتی را دوچندان می‌کند. جالب این است که نماز به تقویت این روحیه کمک زیادی می‌کند. چنانچه برای امام جماعت حالتی پیش آید که نتواند به

غیر قابل فروش

نماز ادامه دهد، یکی از کسانی که پشت سر او و در نزدیکی او هستند در همان حال امامت را به عهده می‌گیرد و این نشانگر آن است که برنامه‌های اسلامی با رفتن یك فرد نباید به هم بریزد، بلکه باید تشکیلات و نظام چنان پایه‌گذاری و برنامه‌ریزی شود که هرگاه فردی رفت نظام از هم نپاشد و تشکیلات همچنان پا بر جا باشد. مهمّ، تداوم راه است، هر چند پیشوا عذری پیدا کند. قرآن کریم در آیه ۱۴۴ سوره آل عمران می‌فرماید: ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقِبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ؛ و محمّد جز پیامبری نیست که پیش از او نیز پیامبران (دیگری آمده و) در گذشته‌اند. (بنابراین مرگ برای انبیا نیز بوده و هست)، پس آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به (آئین) گذشتگان خود بر می‌گردید؟ و هر کس به عقب برگردد، پس هرگز هیچ ضرری به خداوند نمی‌زند و خداوند به زودی پاداش شاکران را خواهد داد﴾.

در تفاسیر آمده است: در جنگ احد هنگامی که شایعه گردید محمّد کشته شد. این شایعه موجب شادی و روحیه گرفتن کفّار شد و جمعی از مسلمانانِ ضعیف‌الایمان پا به فرار گذاشتند. برخی به فکر گرفتن امان از ابوسفیان فرمانده کفّار افتادند. در برابر این گروه، مسلمانانی با صدای بلند فریاد می‌زدند: اگر محمّد هم نباشد راه محمّد و خدای محمّد باقی است، فرار نکنید. این آیه می‌گوید: جامعه اسلامی باید چنان تشکّل و انسجامی داشته باشد که حتّی مرگ رهبر به آن ضربه‌ای نزند.

یکی از اصول مسلم قرآنی آن است که مسلمانان باید دارای حکومت و تشکیلات و رهبری باشند. از بهترین آیاتی که درباره کار تشکیلاتی وجود دارد آیه ۵۶ سوره مائده است: ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ

غیر قابل فروش

الْغَالِبُونَ؛ و هرکس که خدا و پیامبرش و چنان مؤمنانی را (که در آیه قبل بیان شد) ولیّ خود بگیرد (از حزب خداست) همانا حزب خدا پیروز است﴾. برخی از نکاتی از آیه که فهم این مطلب به ما کمک می‌کند از این قرار است:

اول. بر طبق احادیث مراد از «الَّذِينَ آمَنُوا»، حضرت علی علیه‌السلام و امامان معصوم علیهم‌السلام هستند. دوم. اوصاف حزب الله در سوره‌ی مجادله آیه ۲۲ چنین بیان شده است: اولاً، به مبدأ و معاد ایمان دارند و ثانیاً، دشمنان خدا، دوستی نمی‌کنند.

سوم. این آیه که لزوم پذیرش ولایت خدا و رسول و امامان را بیان می‌کند، می‌فهماند که مراد از «وَلِيُّكُمُ» در آیه‌ی قبل، سرپرست و حاکم است نه دوست و یاور، چون تعبیر «حزب الله» و غالب بودن آنان، اشاره به نظام قدرتمند و حکومت دارد.

چهام. «حِزْبَ» در لغت به معنای گروه با قدرت و با صلابت است. چون پیروزی، بدون تشکیلات، مدیریّت، قدرت، وحدت، جرأت و ... امکان ندارد، پس «حزب‌الله» باید برای حاکمیّت و غلبه این صفات را داشته باشند.

حزب‌اللّه نه تنها غالب و پیروزند، بلکه رستگار نیز هستند. ﴿حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾، ﴿حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾.

۸. افزایش محبت بین همدیگر

در زمان غیبت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف که عصر امتحانات دشوار و حیله‌گری دشمنان دین و مهدویت است، همبستگی و محبت بین مؤمنان و منتظران، برای در امان بودن از این مشکلات لازم بوده و توجه به نماز و اقامه آن در مساجد از این جهت بسیار مهم است.تعاون و محبّتی که میان مسجدی‌هاست میان دیگران نیست. در نظام زندگی مسجدی‌ها همین که یك نفر دو سه روز نیامد

غیر قابل فروش

احوالش را می‌پرسند. اگر مریض است عیادتش می‌روند، اگر مشکلی دارد حل می‌کنند، مسجدی‌ها احساس غربت نمی‌کنند.کسی که هیچ فرزند و برادری نداشته باشد، ولی سروکارش با مسجد باشد احساس می‌کند همه مردم برادر و فرزندش هستند.

بارها دیده شده یك مسجدیِ ساده که از دنیا می‌رود مجالس او پر رونق، مغازه‌ها برای او بسته و تشییع جنازه او شلوغ و با شکوه است. اینها نشانه پیوند قلبی و محبّتی است که در خانه خداوند با مؤمنین ایجاد می‌شود. یك مسجدی در خود یك دلگرمی احساس می‌کند، مردم را در غم و شادی خود شریك می‌داند و هرگز این عواطف گرم از دوستان مسجدی را نمی‌توان با چیزی مقایسه کرد.

۹. کارکردهای حاصل از معاد باوری

قبلاً به صورت مختصر درباره نقش نماز در مرگ‌اندیشی صحیح منتظران صحبت شد. برخی دیگر از کارکردهای اجتماعی نماز که حاصل تقویت معادباوری است را در اینجا بیان می‌کنیم تا به نقش تربیتی آن در زندگی اجتماعی منتظران نمازگزار پرداخته باشیم.

اصولاً تشویق و تهدید (حتّی اگر به مقدار کم باشد) در حرکت انسان نقش مهمی دارد، تا چه رسد به اینکه تشویق کننده و یا غضب کننده خداوند متعال و نوع تشویق و تهدید دوزخ و بهشت جاودانه باشد. ما اگر ایمان و یقین به معاد را در خودمان زنده کنیم، اثر و نقش آن بر کسی پوشیده نیست؛ کسی که می‌داند این خانه حساب دارد، بازرس دارد، دادگاه و زندان و شکنجه دارد و ریز و درشت کارش زیر نظر و مورد حساب قرار می‌گیرد و تمام سختی‌ها و راحتی‌ها بازتاب عملکرد خود اوست؛ قهراً نمی‌تواند یك انسان بی‌تفاوت و

هرزه کار و متجاوز باشد و کسی که می‌داند مقدار کمی از کارش هم بی‌حساب نمی‌ماند، نمی‌تواند دلگرم نباشد، قرآن در این زمینه آیاتی دارد که ما نمونه‌هایی از آن را در اینجا نقل می‌کنیم:

نقش معاد در مسائل اقتصادی

قرآن به کسانی که داد و ستد دارند می‌فرماید: وای برکم فروشان! کسانی که وقتی از مردم پیمانه می‌گیرند و خرید می‌کنند، سعی دارند تمام بگیرند، لیکن هر گاه بنا دارند پیمانه بدهند و یا وزن نمایند و بفروشند کم می‌دهند؛ سپس می‌فرماید: ﴿أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ * لِيَوْمٍ عَظِيمٍ؛[1] آیا این کم‌فروشان نمی‌دانند که برای روزی بسیار بزرگ مبعوث خواهند شد؟ و در دادگاه عدل الهی باید پاسخ آن همه کم فروشی را بدهند؟﴾

در اینجا قرآن با یادآوری قیامت، جلو کم فروشان را می‌گیرد؛ البتّه این نمونه‌ای از نقش معاد بود و گرنه ایمان به معاد در تمام مسائل اقتصادی اعمّ از تولید، توزیع، مصرف، مدیریّت، بازرگانی و تجارت و هر نوع فعّالیّت دیگر نقش مهمّی دارد، به خصوص در مسأله ولخرجی و اسراف.

نقش معاد در مسائل نظامی

قرآن می‌فرماید: گروهی از بنی‌اسرائیل نزد یکی از پیامبران خود آمده و گفتند: ما بنا داریم در راه خدا با متجاوز ستمگر بجنگیم، لیکن نیاز به یك فرمانده لایق داریم. پیامبرشان فرمود: من فکر نمی‌کنم که شما مرد جنگ باشید!آنان گفتند: با این همه ستمی که از متجاوز می‌کشیم حتماً آماده جنگ در راه خدا هستیم. پیامبر گفت: خداوند طالوت را که جوانی شایسته و نیرومند و آشنا به

۱. سوره مطفّفین، آیه ٤ و ٥.

مسائل رزمی است، به عنوان فرمانده شما معرّفی می‌کند.آنگاه مردم در برابر این وعده و فرمان پیامبر، به چند دسته تقسیم شدند:

گروهی از داوطلبان جبهه و جنگ، بعد از شعارهای زیاد، همین که فرمان جنگ صادر شد؛ در همان مرحله‌ی اوّل نافرمانی کرده و فرار نمودند.

گروهی دیگر فقر مالی فرمانده را بهانه قرار داده و از رفتن به جبهه سرباز زدند.

گروه دیگر با اینکه قول داده بودند که در آزمایشی که خداوند از آنها می‌گیرد استقامت کنند، امّا بی‌صبری کرده و مردود شدند.[1]

گروه دیگری گرچه به هنگام صدور فرمان جنگ نترسیدند، امّا همین که لشکر قدرتمند دشمن را دیدند خود را باخته و گفتند: ما امروز طاقت مبارزه نداریم.

تنها یك دسته کوچکی که ایمان به معاد داشتند با شعار: ﴿كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ؛[2] یعنی چه بسا گروه کمی که بر گروه زیاد به اذن خدا پیروز می‌شوند، به دشمن حمله کرده و دشمن را از پای در آوردند﴾.

در این ماجرا -که به نام داستان طالوت و جالوت در سوره بقره آیات ۲۴۹ تا ۲۵۱ مطرح شده-، رمز پیروزی و پایداری در جبهه و جنگ را ایمان به معاد دانسته است؛ زیرا می‌فرماید: ﴿قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُلاقوا اللهِ﴾؛[3] یعنی کسانی که ایمان به ملاقات خدا و روز قیامت داشتند گفتند: پیروزی مربوط به جمعیّت زیاد یا کم نیست، باید به دشمن حمله کنیم و به وظیفه الهی خود

۱. آزمایش این بود که فرمانده به هواداران خود فرمود: در مسیر جنگ خداوند شما را با یك نهر آب آزمایش می‌کند، یعنی شما به عنوان آزمایش برای مدّتی مورد امتحانی قرار می‌گیرید که نباید (جز بسیار کمی) از آن بنوشید و هر کدام نوشیدید از لشکریان من نیستید، لکن این لشکر تشنه همین که به نهر آب رسیدند، جز افراد کمی همه سر بر آب نهادند و بطور کامل نوشیدند و بدین وسیله از آزمایش الهی مردود بیرون آمدند.

۲. سوره بقره، آیه ۲۴۹.

۳. سوره بقره، آیات ۲۴۴ تا ۲۵۱.

عمل کنیم که خداوند با صابران است.

آری، تلاش و روحیّه رزم‌آوری رزمنده، وابستگی کامل به نوع دید و جهان‌بینی او دارد، رزمنده‌ای که آینده خود را زندگی ابدی وبهشت جاودان وهمسایگی رسول خدا واولیای الهی می‌داند، با رزمنده‌ای که قتل خود را نابودی و پوچی می‌داند قابل مقایسه نیست. قرآن نسبت به کسانی که در رفتن به جبهه سستی نشان می‌دهند و به لذّات دنیوی دل‌بسته‌اند می‌فرماید: ﴿أَرَضِيتُم بالحَياة الدّنيا من الآخرة؛[1] آیا به جای آخرت به دنیا راضی شدید؟!﴾

نقش معاد در برخورد با طاغوتیان

فرعون برای اینکه آبروی حضرت موسی را بریزد از همه شهرها ساحران را دعوت کرد تا با سحر و جادویشان معجزه حضرت موسی را خنثی نمایند. این ساحران - که تا آن موقع ایمان به معاد نداشتند- همه چشم به سکّه‌های دربار فرعون داشتند و حتّی آن روح گدایی خود را به زبان هم آورده و به فرعون گفتند: ﴿أَئِنَّ لَنَا لَأَجْرًا؛[2] آیا اگر ما آبروی موسی را بریزیم، پول و مزدی به ما می‌دهی؟﴾ آنگاه با پاسخ مثبت فرعون شروع به کار نمودند و هر چه در توان داشتند انجام دادند. حضرت موسی عصای خود را انداخت و اژدها شد و تمام بافته‌های آنان را نابود کرد. ساحران که فهمیدند معجزه و کار موسی از سحر و نوع کارهای محدود خودشان خارج بوده و کاری صددرصد الهی است، در حضور فرعون به موسی علیه‌السلام گرویده و به او ایمان آوردند. فرعون که خشمناك شده بود همه را تهدید کرد و گفت: آیا قبل از اجازه من ایمان می‌آورید؟! من دست و پای شما را به عکس یکدیگر قطع می‌کنم و به شاخه‌ها و تنه‌های

۱. سوره توبه، آیه ۳۸.
۲. سوره اعراف، آیه ۱۱۳ و شعراء، آیه ۴۱.

درخت خرما آویزانتان می‌کنم. امّا آنان که تا ساعتی قبل ایمان نداشتند و چشم به جایزه‌های فرعونی داشتند، اکنون به خاطر ایمان به خدا و معاد، در برابر فرعون ایستاده و با کمال آرامش به او گفتند: ﴿إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا؛[1] هر کاری می‌خواهی انجام بده؛ زیرا زور و ستم تو بیش این دنیا نیست﴾ و ﴿قَالُوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ؛[2] کشتن ما مهم نیست که ما به سوی خدای خود بازمی‌گردیم﴾.[3]

راستی، ایمان به معاد چه غوغایی در روح این افراد به وجود آورد، دنیا وفرعون وسکّه‌ها و پاداشهایی را که تا چند لحظه پیش برای آنها مهم‌ترین مسئله جلوه می‌کرد، یکسره به هیچ می‌انگارند و به ریش فرعون می‌خندند و زور و قدرت او را محدود و ناچیز می‌دانند. آری، ایمان به معاد در این افراد انقلاب فرهنگی به وجود آورد، روحشان رابزرگ نمود و آنها را تا عشق به شهادت پیش برد.

نقش معاد در توجّه به محرومان

عقیل که پیرمرد عیالواری بود، خدمت برادر خود امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام رسید و درخواست کرد تا از بیت‌المال به سبب خویشاوندی خود سهمیه بیشتری به او بدهد. امام آهنی را داغ کرد و نزدیك دست عقیل آورد، عقیل از ترس دست خود را می‌کشد. امام می‌فرماید: اگر تو از این آتش ساده دنیا می‌ترسی، من از عذاب و قهر ابدی خدا می‌ترسم.[4]

امام حسن و امام حسین علیهماالسلام در کودکی بیمار شدند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله همراه

۱. سوره طه، آیه ۷.
۲. سوره شعراء، آیه ۵۰.
۳. تمام ماجرا در سوره اعراف، آیات ۱۱۲ تا ۱۲۶ و شعراء، ۳۷ تا ۵۱ و طه، ۵۶ تا ۷۲ بیان شده است.
٤. *نهج‌البلاغه*، قصار ۲۱۵.

اصحابش به عیادت آنان آمدند، هنگام خروج از منزل، مردم به حضرت علی علیه‌السلام پیشنهاد کردند که خوب است برای سلامتی این دو کودك سه روز روزه نذر کنید.امام پذیرفت و هنگامی که بیماری آنان برطرف شد حضرت علی علیه‌السلام به همراه همسر خود حضرت زهرا علیهاالسلام و بقیه خانواده روزه گرفتند. هنگام افطار در حالی که غذایی در منزل نبود و با زحمت بسیار کمی نان تهیه شده بود، همین که نماز مغرب را به جا آورده و خواستند افطار کنند صدای در خانه را شنیدند که شخصی می‌گوید من فقیر و نیازمند هستم؛ به من کمك کنید! آن بزرگواران نان خود را به فقیر داده و تنها با آب افطار کردند.

شب دوّم باز همین که خواستند افطار کنند صدای در بلند شد که شخصی یتیم هستم، و شب سوّم اسیری از پشت در تقاضای نان کرد. هر سه شب آن عزیزان با آب افطار نمودند و دلیل این فداکاری را در سوره انسان چنین می‌خوانیم: « إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا...؛[1] ما از روز قیامت که روزی گرفته و سیاه و دردناك است می‌ترسیم». به راستی ایمان به معاد چگونه انسان را در برابر محرومان جامعه مسئول و متعهّد بار می‌آورد. آری، کسانی که در برابر محرومان بی‌تفاوت هستند، در قیامت اقرار می‌کنند که یکی از عوامل سقوط ما به دوزخ این بی‌تفاوتی‌ها بود: ﴿وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ؛[2] به مسکین و بیچاره‌ها غذا نمی‌دادیم﴾. چنانکه در سوره ماعون دلیل بی‌اعتنایی به یتیمان و محرومان، نداشتن ایمان به قیامت عنوان شده است.

ایمان به معاد، پشتوانه تمام کمالات

اکثر کمال‌ها و ایثارها و فضائل اخلاقی، همراه با یك نوع محرومیّت، زندگی

۱. سوره انسان، آیات ۱۰ تا ۲۲.
۲. سوره مدّثر، آیه ٤٤.

ساده، تحمّل فشار و ناگواری‌ها برای انسان حاصل شده و همراه آنان می‌باشد. آن اهرمی که بتوان با آن این وزنه‌ها را حرکت داد و آن همه ناگواری را تحمّل کرد، همان ایمان به قیامت و جبران و تلافی‌های آن روز است. ایمان به پاداشهای اخروی الهی به انسان این انگیزه را می‌دهد که اگر چند روزی در دنیا فشار و ناراحتی دیدی جای دور نمی‌رود و فردای قیامت که روز نیاز است، اجر تمام زحمات را چندین و چند برابر می‌گیری. به راستی با چه عاملی رزمندگان جان خود و ثروتمندان پول و ثروت خود را ایثار می‌کنند، یا چه نیرویی می‌تواند انسان را به کنار گذاردن هوسها و شهوت‌ها دلگرم کند؟ اگر عشق ملاقات خدا و اولیای او و سخن با یاد او نباشد با چه انگیزه‌ای این همه راههای پر پیچ و خم پیموده شود؟ اگر جزایی در کار نباشد، چرا انسان زیر بار تکلیف برود؟ اگر انتقامی نباشد، چه نیرویی انسان را از تجاوز باز دارد؟ اگر امروز مؤمنان این همه زخم زبان و تهمت و متلك کافران را تحمّل می‌نمایند، به خاطر وعده و بشارت‌هایی است که در قرآن آمده است. قرآن می‌فرماید: ﴿فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ؛[1] امروز (که روز قیامت است) مؤمنان به کفّار می‌خندند﴾. اگر زن فرعون به هیچ قیمتی جذب قدرت، مال، عنوان، کاخ و طلاهای فرعون نمی‌شود، چون او چشم به جای دیگر دوخته است، او می‌گوید: ﴿رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ؛[2] خدایا! مرا از کاخ فرعون نجات ده و برای من در بهشت خانه‌ای در جوار رحمت خودت بنا کن﴾.

آری، دل که هوای بهشت کرد، کاخ فرعون هم برایش زندان می‌شود و لذا حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «اخسَرُ النّاس مَن رَضَی الدّنیا عِوَضاً عن

۱. سوره مطفّفین، آیه ۳۴.
۲. سوره تحریم، آیه ۱۱.

الآخرة؛[1] زیان‌کارترین مردم کسی است که (به جای آخرت) به دنیا راضی و دلگرم باشد». شاید دلیل اینکه آن همه برای رفتن به قبرستان و زیارت اهل قبور سفارش شده این باشد که غافل نباشیم و کمی یاد مرگ باشیم، چنانکه در هر شبانه روز واجب است در نماز چند بار جمله «مالِكِ يَوم الدّين» را به زبان بیاوریم تا همواره متوجّه قیامت باشیم.

فصل ششم. جایگاه نماز در عصر غیبت

همان طور که قبلاً نیز گفته شد بر طبق بسیاری از احادیث، عصر غیبت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف عصری است که مردم با گرفتاری‌های زیادی مواجه هستند. با وجود اهمیت فوق العاده نماز در قرآن و روایات ائمه معصومین باید دید که آیا به این موضوع اساسی در عصر غیبت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف توجه کافی می‌شود یا اینکه بسیاری از مشکلات که در زمان غیبت ظهور و بروز دارد به نحوه برخورد مردم با نماز نیز بستگی دارد. با همه اهمیّتی که نماز در نزد خداوند و اولیا دارد، امّا برخورد مردم با آن متفاوت است:

الف) عدّه‌ای ایمان ندارند و نماز نمی‌خوانند: ﴿فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّى﴾؛[2]

ب) عدّه‌ای مانع نماز دیگران می‌شوند: ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى* عَبْدًا إِذَا صَلَّى﴾.[3] در تفسیر نمونه و در شأن نزول آیه آمده است که ابوجهل تصمیم گرفت هنگامی که پیامبر برای نماز به سجده می‌رود با لگد، گردن حضرت را در هم بشکند. مردم او را دیدند که رفت ولی منصرف شد. گفتند: چرا چنین نکردی؟! گفت:

۱. *تصنیف غررالحکم*، ص ۱۴۰.
۲. سوره قیامت، آیه ۳۱.
۳. سوره علق، آیات ۹-۱۰.

چون خواستم چنین کنم، خندقی از آتش دیدم که در پیش روی من شعله‌ور شد.

ج) عدّه‌ای نماز را مسخره می‌کنند: ﴿وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا﴾؛[1]

د) عدّه‌ای بی‌نشاط نماز می‌خوانند: ﴿وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى﴾؛[2]

ه) عدّه‌ای گاهی می‌خوانند و گاهی نمی‌خوانند: ﴿فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾؛[3]

و) عدّه‌ای به خاطر رسیدن به دنیا، از نماز کم می‌گذارند: ﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا﴾[4] هرگاه لهو و تجارتی دیدند به سوی آن روانه شده و تو را در حالی که به خواندن خطبه نماز ایستاده‌ای وامی‌گذارند». این آیه اشاره به ماجرایی است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله مشغول خواندن خطبه‌های نماز جمعه بود که کاروانی تازه وارد، برای فروش اجناس خود شروع به طبل زدن کردند. مردم از پای سخن پیامبر بلند شده و به سراغ تجارت و معامله رفتند و حضرت را تنها گذاشتند.

متأسفانه در عصر غیبت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف سهل‌انگاری درباره نماز در میان مردم بیشتر شده است و همین بریدن از نماز، زمینه گرایش به مفاسد را در میان جامعه بیشتر کرده است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿... فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ ؛[5] پس از انبیا گروهی جانشین آنها شدند که نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی نمودند﴾. این آیه، ابتدا ضایع شدن نماز را مطرح کرده و سپس در دام شهوات قرار گرفتن را. چون نماز ریسمان

۱. سوره مائده، آیه ۵۸.
۲. سوره نساء، آیه ۱۴۲.
۳. سوره ماعون، آیات ٤- ٥.
٤. سوره جمعه، آیه ۱۰.
٥. سوره مریم، آیه ۵۹.

ارتباط با خداست، همین که پاره شد، افتادن در وادی تباهی حتمی است، همچون گسستن بند تسبیح که همه دانه‌ها در اثر آن پخش و گم می‌شوند. به خاطر این تأثیر مهم نماز است که بسیاری از دستورات دینی همانند تحریم شراب و قمار به خاطر حفظ نماز آمده است، زیرا با اینکه شراب و قمار مفاسد جسمی، روحی و اجتماعی فراوانی به دنبال دارد، امّا قرآن درباره آثار این دو می‌فرماید: ﴿وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ ؛[1] اینها میان شما کینه ایجاد می‌کند و شما را از یاد خداوند و نماز باز می‌دارد﴾. در این آیه از میان دهها خطر و ضرری که شراب دارد، روی ضرر اجتماعی و معنوی آن تکیه شده است. ضرر اجتماعی پیدا شدن کینه وضرر معنوی غفلت از یاد خدا و نماز.

غیر قابل فروش

۱. سوره مائده، آیه۹۱.

بخش سوم
تأثیر مهدویت بر نماز

غیر قابل فروش

فصل اول. مهدویت و افزایش رغبت به نماز

اگر نماز بر مهدویت تأثیر زیادی دارد که در بخش قبل گذشت، آثار و برکات مهدویت نیز بر نماز پوشیده نیست. یکی از این آثار، افزایش رغبت مسلمانان به نماز است. توضیح آنکه ما و همه مسلمانانی که به امام زمان علیه‌السلام عشق می‌ورزیم در ارتباطات معنوی خود با ایشان با دعا و زیارات مهدوی مأنوس هستیم؛ به عنوان نمونه یکی از سلام‌هایی که به امام زمان می‌دهیم، این است که می‌گوییم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَ تَقْنُتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَ تَسْجُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَ تَسْتَغْفِرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَ تُكَبِّرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَ تُمْسِي؛[1] سلام بر نمازهایت، سلام بر رکوع هایت، سلام بر سجده هایت، سلام بر قنوت هایت، سلام بر لااله الاالله گفتن هایت، این سلام‌ها به امام زمان است». همه این فرازها علاقه حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به نماز را نشان می‌دهد و این مطالب نشان می‌دهد که اگر ما در دوستی خود با امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف صادق هستیم باید همانند او به نماز علاقه داشته و به آن اهمیت بدهیم.

افزایش رغبت و توجه به نماز را از جهتی دیگر نیز می‌توان بررسی کرد و آن راهکاری است که حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف برای مبارزه با مکرهای شیطان در عصر غیبت به ما سفارش نموده و فرموده است: «ما أرغم أنف الشيطان بشيء أفضل من الصلاة فصلها و أرغم أنف الشيطان؛[2] هیچ چیز همانند نماز بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد؛ پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال». برای توضیح اهمیت نماز بر طبق این حدیث، باید شناختی از شیطان و توطئه‌های او با توجه به آیات

۱. *احتجاج*، ج ۲، ص ۴۹۲.
۲. *من لا یحضره الفقیه*، ج۱، ص ۴۹۸.

قرآن داشته باشیم.

همه ما می‌دانیم که قرآن کریم نسبت به دشمنی شیطان بارها هشدار داده و فرموده است: ﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾[1] بی‌گمان، شیطان دشمن شما است، پس شما نیز او را دشمن بگیرید؛ جز این نیست که او دار و دسته خود را فرامی‌خواند تا از اصحاب دوزخ باشند﴾. از آیات قرآن کریم فهمیده می‌شود که سابقه دشمنی شیطان با بشر دیرینه است؛ پدرمان آدم را از بهشت بیرون کرد: ﴿كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ﴾.[2] او دشمنی است که دیده نمی‌شود: ﴿إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ﴾.[3] او دشمن قسم خورده است: ﴿فَبِعِزَّتِكَ...﴾.[4] از هر سو حمله می‌کند: ﴿مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ...﴾.[5] او جز با دوزخی کردن مردم راضی نمی‌شود: ﴿يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾.[6]

از همین رو امام صادق علیه‌السلام فرمود: «اگر شیطان دشمن است، پس غفلت از او چرا؟»[7]

شیاطینِ جنّ و انس برای به انحراف کشاندن و بازداشتن مردم از راه حق، راه‌های مختلفی دارند که در قرآن مطرح شده است. از جمله آنها عبارت است از:

۱. سوگند دروغ: ﴿وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ؛[8] و (شیطان برای آن که وسوسه‌اش تأثیر کند،) برای آن دو سوگند یاد کرد که به راستی من از خیرخواهان شمایم﴾.

---

۱. سوره فاطر، آیه ٦.
۲. سوره اعراف، آیه ۲۷.
۳. سوره اعراف، آیه ۲۷.
٤. سوره ص، آیه ۸۲.
۵. سوره اعراف، آیه ۱۷.
٦. سوره فاطر، آیه٦.
۷. *من لا یحضره الفقیه*، ج٤، ص۳۹۳.
۸. سوره اعراف، آیه ۲۱.

۲. سرمایه‌گذاری‌های مادّی: ﴿يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ؛[۱] اموال خود را صرف می‌کنند تا از (رفتن مردم به) راه خدا جلوگیری کنند﴾.

۳. سرمایه‌گذاری فرهنگی و گسترش و اشاعه فساد: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ؛ و برخی از مردم، خریدار سخنان بیهوده و سرگرم کننده‌اند تا بی هیچ علمی، (دیگران را) از راه خدا گمراه کنند﴾.[۲]

۴. بدعت و دین سازی: ﴿وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ؛ برای خداوند همتایانی قرار می‌دهد تا (خود و دیگران را) از راه او منحرف سازد﴾.[۳]

۵. زیبا جلوه دادن بدی‌ها و تزئین اعمال توسط شیطان: ﴿وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ؛ شیطان اعمالشان را در نظرشان آراسته، پس آنان را از راه (حقّ) بازداشته﴾.[۴]

۶. گام به گام انسان را به سوی خود می‌کشاند: ﴿... خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ﴾.[۵]

۷. گاهی مطلبی را القا می‌کند، نظیر آن که از دور سنگی پرتاب می‌کند: ﴿أَلْقَى الشَّيْطَانُ...﴾.[۶]

۸. گاهی تماس می‌گیرد ولی نفوذی ندارد: ﴿مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ...﴾.[۷]

۹. گاهی در دل نفوذ می‌کند: ﴿الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ﴾.[۸]

۱۰. گاهی در دل نفوذ می‌کند و همانجا می‌ماند: ﴿فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ﴾.[۹]

---

۱. سوره انفال، آیه۳۶.
۲. سوره لقمان، آیه۶.
۳. سوره زمر، آیه ۸.
٤. سوره نمل، آیه ۲٤.
۵. سوره نور، آیه ۲۱.
٦. سوره حج، آیه ۵۲.
۷. سوره اعراف، آیه ۲۰۱.
۸. سوره ناس، آیه ۵.
۹. سوره زخرف، آیه ۳٦.

در مقابل وسوسه‌های شیطانی مردم را نیز می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

دسته اول. افرادی وسوسه شیطان در روحشان کارساز است: ﴿... الَّذِی یُوَسْوِسُ فِی صُدُورِ النَّاسِ﴾.[1]

دسته دوم. بعضی‌ها شیطان با آنان تماس می‌گیرد، ولی فوراً متوجّه می‌شوند و او را طرد می‌کنند: ﴿... مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّیْطَانِ تَذَکَّرُوا﴾.[2]

دسته سوم. گروهی، شیطان همیشه با آنهاست: ﴿فَهُوَ لَهُ قَرِینٌ﴾.[3]

البته پیامبران الهی جزء هیچ یك از این سه دسته نیستند، آنان معصومند و شیطان نه قرین آنهاست، نه در روحشان وسوسه می‌کند و نه با آنان تماس می‌گیرد، شیطان در طرح و برنامه و آرزوی آنان القائاتی دارد و ناگفته پیداست که حساب طرح پیامبران و برنامه‌ها و اهدافشان، از حساب شخصی آنان جداست.

شیطان به عزّت خداوند سوگند یاد کرده که با استمداد از حزب و قبیله‌اش و از راه زینت دادن، وعده‌ها، تبلیغات، وسوسه‌ها و افراد منحرف، از هرسو انسان را شکار کند.

در حدیث می‌خوانیم: «شیطان سوگند خورد از چهار طرف در کمین انسان باشد تا او را منحرف یا متوقّف کند». امام باقر علیه‌السلام فرمود: «ورود ابلیس بر انسان از پیشِ رو بدین شکل است که امر آخرت را برای انسان ساده و سبك جلوه می‌دهد، و از پشت سر به این است که ثروت‌اندوزی و بخل و توجّه به اولاد و وارث را تلقین می‌کند و از طرف راست با ایجاد شبهه، دین را متزلزل و تباه می‌سازد و از طرف چپ، لذّات و شهوات و منکرات را غالب می‌کند».

حال با این توضیحات و شدت دشمنی شیطان واضح می‌شود که چرا در سخنان

۱. سوره ناس، آیه ۵.
۲. سوره اعراف، آیه ۲۰۱.
۳. سوره زخرف، آیه ۳۶.

حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نماز به عنوان یکی از ابزار مهم برای مقابله با شیطان شمرده شده است، زیرا نماز به عنوان کامل‌ترین عبادات می‌تواند در مقابل شگردهای شیاطین از نمازگزار محافظت کند؛ نه تنها نماز که همه آنچه به نماز مربوط است نیز به نوبه خود همین کارآیی را دارد؛ مثلاً در روایات آمده است که: «اذان، صدایی است که شیطان‌ها را به فرار و دلهره وامی‌دارد».[1]

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

ثَلَاثَةٌ مَعْصُومُونَ مِنْ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ الذَّاكِرُونَ لِلَّهِ وَ الْبَاكُونَ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَغْفِرُونَ بِالْأَسْحَارِ؛ سه گروه هستند که از شیطان و جنودش در امان هستند: ذاکران خدا و گریه‌کنندگان از خشیت او و استغفارکنندگان در سحرگاهان.[2]

خلاصه آنکه نماز، ذکر رحمن است: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾؛ پس هرکس از نماز اعراض کند، دچار سلطه شیطان همراه می‌شود.

در برخی از کتابها نیز مطالبی از امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف درباره نماز وجود دارد که خواندن آن بر ترغیب و اهمیت دادن ما بر نماز خواهد افزود. به عنوان نمونه: شخصی به نام زُهَری می‌گوید: «سال‌ها آرزوی ملاقات صاحب الزمان را داشتم ودر این راه زحمت فراوان کشیدم و پول زیادی خرج کردم، اما موفق نشدم. تا اینکه به محضر محمد بن عثمان (نایب دوم امام زمان) رفتم و مشغول خدمت شدم. روزی از ایشان پرسیدم: آیا می توان امام علیه‌السلام را ملاقات کنم؟ او گفت: صبح اول وقت بیا! فردا صبح، اول وقت، به خدمت ایشان مشرف شدم. او به استقبال من آمد. در همان حال جوانی را دیدم که چهره‌ای به زیبایی او ندیده و عطری خوشبوتر از رایحه وجودش به مشامم نرسیده بود. لباسی مانند تجّار به تن کرده و چیزی در

۱. *کنز العمّال*، ج ۷، ص ۶۹۲.
۲. *مستدرک الوسائل*، ج ۱۲، ص ۱۴۶.

آستین نهاده بود؛ چنانکه تجّار معمولا اشیاء گران بهای خود را در آستین می‌نهند. وقتی نظرم به او افتاد، به طرف محمد بن عثمان برگشتم، او با یک اشاره تمام وجود مرا به آتش کشید و به من فهماندکسی را که می جستی اکنون در مقابلت نشسته است. از امام زمان علیه‌السلام سوالاتی نمودم و ایشان پاسخ فرمود و بسیاری از آنچه را که می خواستم بپرسم، نپرسیده جواب فرمود. آنگاه برخاستند تا وارد اتاقی دیگرشوند که من تا آن مدت اصلا متوجه آن اتاق نشده بودم. در این حال، محمد بن عثمان گفت: اگر می خواهی چیز دیگری بپرسی، بپرس که بعد از این دیگر امام علیه‌السلام را مشاهده نخواهی کرد. به طرف حضرت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف شتافتم تا سوالاتی دیگر را مطرح کنم. اما امام علیه‌السلام توجه نکرد و داخل اتاق شد و آخرین جمله ای که فرمود، این بود: «ملعون است، ملعون است کسی که نماز مغرب را آنقدر به تأخیر اندازد که ستارگان درآسمان آشکار شوند. ملعون است، ملعون است کسی که نماز صبح را آنقدر به تأخیر اندازد که ستارگان در آسمان ناپدید شوند».[1]

غیر قابل فروش

۱. *الغیبة طوسی*، ص ۲۷۱.

فصل دوم. اقامه کامل نماز به وسیله حکومت مهدوی

مروری بر آیات مهدوی مرتبط با حکومت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نشان از پیوستگی عمیق بین نماز با حکومت مهدوی است؛ به گونه‌ای امام باقر علیه‌السلام در مورد آیه: ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ؛[1] کسانی که اگر آنان را در زمین به قدرت رسانیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و [دیگران را] به خوبی‌ها دعوت می‌کنند و از بدی‌ها باز می‌دارند؛ و پایان همه امور برای خداست﴾، فرمود: «این آیه، متعلق به آل محمد یعنی دوازده امام و شخص مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و یاران اوست که خداوند آنان را در شرق و غرب جهان جای دهد و دین اسلام را غالب گرداند و هر بدعت و باطلی را به وسیله او و یارانش محو کند؛ همان طور که سفیهان حق را از میان برده باشند و آن چنان عالم در آسایش به سر برد که اثری از ظلم در جایی دیده نشود».[2]

از این آیه و تفاسیر آن این‌گونه به دست می آید که اقامه نماز و ادای زکات و امر به معروف و نهی از منکر از وظایف و کارهای قطعی مسئولان حکومت اسلامی است، زیرا در این آیه آمده است: «أَقامُوا»، نه «یقیمون». علاوه بر آن حاکمان مؤمن، هم در فکر ارتقای روحی و رشد معنوی افراد تحت حکومت خود هستند و هم به دنبال رفاه و حل مشکلات اقتصادی و فقرزدایی و اصلاح جامعه. ﴿أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ...﴾؛ اما نکته مهمتر این آیه که پشتوانه حکومت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است این مطلب است که اقامه نماز، به قدرت و امکانات نیاز دارد، زیرا در آیه شریفه قبل از ﴿أَقَامُوا الصَّلَاةَ﴾، عبارت ﴿إِنْ مَكَّنَّاكُمْ﴾ آمده است و این امر نشان‌گر آن

۱. سوره کهف، آیه ۴۱.
۲. **تفسیر قمی**، ج۲، ص ۸۷.

است که برای اقامه کامل نماز باید قدرتی رسمی به نام حکومت باشد تا در سایه حمایت‌های آن، این فریضه مهم الهی به خوبی در جامعه اجرا شود.

باید دانست که اگر نماز توسط رهبران الهی اقامه شود بساط ظلم و طاغوت را برهم می‌زند. نماز عید امام رضا علیه‌السلام آنچنان با هیبت و عظمت آغاز شد که حکومت ظالم بر خود لرزید و فهمید که اگر این نماز به پایان برسد حکومتِ بنی‌عبّاس نیز به پایان خواهد رسید، لذا مأمون دستور داد که امام را از وسط راه بازگرداندند.

دلیل آنکه نمازهای امروز مسلمین اثری ندارد آن است که به قسمتی از قرآن عمل شد و قسمتی فراموش شده است؛ زیرا قرآن می‌فرماید: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ...﴾[1]؛ نماز به پای دارید و زکات دهید و از رسول خدا اطاعت کنید﴾، امّا امروز بعضی نماز می‌خوانند و زکات نمی‌دهند و بعضی اهل نماز و زکات هستند، ولی ولایت کفار را پذیرفته‌اند. خدا نکند فکر مدیرعامل ما فقط به سوددهی کارخانه و فکر دانشگاه ما پرورش متخصّص وفکر دولت ما فقط تولید وتوزیع باشد، که اوّلین وظیفه مسئولان حکومت اسلامی اقامه نماز است، هم با شرکت خودشان و هم با تشویق همه جانبه مردم.

غیر قابل فروش

۱. سوره نور، آیه ٥٦.

فصل سوم. مهدویت، عامل قبولی نماز

در بخش اول کتاب آمد که نماز و اعتقاد به امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف عامل قبولی سایر اعمال است. می‌توان حتی مطلب را از این هم بالاتر برد و گفت با اینکه نماز عامل قبولی اعمال است، اما قبولی خود همین نماز، نیازمند مهدویت؛ یعنی ایمان و اعتقاد به ولایت و امامت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است و این مطلب در احادیث ما نیز آمده است. جناب زراره از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند که ایشان فرمود:

بنی الإسلام علی خمسة أشیاء: علی الصلاة و الزکاة و الحج و الصوم و الولایة. قال زرارة: فقلت: و أی شیء من ذلك أفضل؟ فقال: الولایة أفضل لأنها مفتاحهن و الوالی هو الدلیل علیهن. قلت: ثم الذی یلی ذلك فی الفضل؟ فقال: الصلاة؛ إن رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قال: الصلاة عمود دینکم؛ اسلام بر پنج چیز سازمان شده؛ بر نماز و زکات و حج و روزه و ولایت. زراره گوید: گفتم: کدام اینها برتر است؟فرمود: ولایت برتر است؛ زیرا کلید همه است و والی، رهبر بدانها است. گفتم: سپس کدامشان برتری دارد؟ فرمود: نماز، به راستی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: نماز عمود دین شما است... .

آنگاه بعد از جملاتی حضرت فرمود:

ذروة الأمر و سنامه و مفتاحه و باب الأشیاء و رضا الرحمن الطاعة للإمام بعد معرفته؛ إن الله عز و جل یقول: من یطع الرسول فقد أطاع الله و من تولی فما أرسلناك علیهم حفیظا. أما لو أن رجلا قام لیله و صام نهاره و تصدق بجمیع ماله و حج جمیع دهره و لم یعرف ولایة ولی الله فیوالیه و یکون جمیع أعماله بدلالته إلیه ما کان له علی الله جل و عز حق فی ثوابه و لا کان من أهل الإیمان ثم قال أولئك المحسن منهم

یدخله الله الجنة بفضل رحمته؛[1] فراز امر دین و بلندترین کار آن و کلید آن و در هر چیزی و خشنودی خدای رحمان طاعت امام است، پس از شناختن او؛ زیرا خدای عز و جل فرماید: «هر که از رسول اطاعت کند محققا خدا را اطاعت کرده و هر که پشت دهد ما تو را نسبت به او نگهبان نفرستادیم» اما اگر مردی همه شب عبادت و هر روز روزه دارد و همه مالش را صدقه دهد و همه عمرش حج کند و ولایت ولی خدا را نداند تا پیرو او باشد و همه کارش به راهنمایی او باشد، او را بر خدای عز و جل حق ثوابی نیست و از اهل ایمان نباشد»، سپس فرمود: «آنان هر کدام خوش کردار باشند، خدا به فضل و رحمتش او را در بهشت در آورد».

در دعای ندبه نیز همین نکته به صورت روشن بیان شده است و منتظران ظهور در دعای خود به خداوند عرض می‌کنند: «وَ اجْعَلْ صَلاتَنَا بِهِ مَقْبُولَةً؛ به خاطر امام زمان نماز ما را قبول فرما».

خلاصه آنکه پذیرش امامت و ولایت معصومین شرط سیاسی قبولی اعمال است. ولایت و رهبری درست و آسمانی، همه بندگان خدا و بندگی‌ها و نماز و حج و جهاد را در راه الهی قرار می‌دهد و به آنها جهت شایسته می‌بخشد. مانند ایران امروز که با برخورداری از ولایت فقیه راه رو به رشدی را می‌پیماید. در مقابل، کشورهای اسلامی دیگر با آنکه نماز و روزه و ... دارند، ولی به‌خاطر انحراف در خط سیاسی و رهبری در ذلّت به‌سر می‌برند. رهبری جامعه همانند راننده در یك ماشین است. اگر همه سرنشینان، مرتب و مؤدّب باشند، ولی راننده مست یا جاده منحرف باشد، سقوط در پیش خواهد بود. ولی اگر راننده، سالم و با تجربه باشد، هر چند مسافران، کهنه پوش و نامرتب باشند، این سفر به مقصد می‌رسد.

۱. *الکافی*، ج۲، ص۱۹.

بنابراین به خاطر همین اهمیت باور به حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است که ما دعاهای مهدوی می‌خوانیم: «وَ اجْعَلْ صَلاتَنَا بِهِ مَقْبُولَةً؛ به واسطه او(حضرت مهدی) نماز ما را قبول فرما».

سخن آخر(توجه به امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف با نماز)

حال که به پایان این کتاب نزدیک می‌شویم و از رابطه دو طرفه نماز و مهدویت گفتیم چه نیکو است که هر روز از دوران عمر و زندگانی خود را با توسل و توجه به وجود یگانه دهر و حجت حق، امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف مبارک نماییم، هرچند با دو رکعت نماز باشد. درباره توسل به امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف با نماز مطالب مختلفی وجود دارد، اما یکی از نمازها را برای توسل به ایشان عرض می‌کنیم. این نماز مانند نماز صبح دو رکعت است که فقط بعد از ذکر رکوع و سجده در هر رکعت باید سه بار گفت: «صلّی الله علی محمّدٍ و آله الطاهرین» و پس از اتمام نماز می‌گویی:

اللّهمّ أنتَ السَّلام و مِنکَ السَّلام، یا ذَا الجلالِ و الإکرامِ صلِّ عَلَی محمّدٍ و آلِ محمّدٍ الطّیبین الطّاهرین الأخیار، و أبلغهم منّی أفضلَ التّحیّةَ و السلامَ. أللّهمَّ إنّ هاتَینِ الرَّکعَتَیْنِ هَدیَّةٌ مِنّی إلَی عَبْدِکَ وابْنِ عَبْدِکَ و وَلیّکَ وابْنِ وَلیّکَ سِبْطِ نَبیّکَ فی أرضِکَ و حجَّتِکَ عَلَی خَلْقِکَ، یا وَلیَّ المُؤمنینَ، یا وَلیَّ المؤمنینَ، یا ولیّ المؤمنینَ؛[1] بار خداوندا! تو سلامی (مایه سلامت و آرامش و ایمنی هستی) و سلام از جانب توست. ای صاحب بزرگی و احترام! درود فرست بر محمّد و آل محمّد که پاکان و پاکیزگان و نیکوکارانند، و بهترین سلام و تحیت را از طرف من به ایشان برسان. خدایا! همانا این دو رکعت هدیه‌ای است از من برای بنده‌ات و فرزند بنده‌ات و ولیّ تو و فرزند ولیّ تو، نوه پیامبر و

۱. *جمال الأسبوع*، ص ۱۶-۲۰.

فرستاده‌ات در روی زمین تو و حجتت بر مخلوقات تو. ای سرپرست مؤمنان، ای سرپرست مؤمنان، ای سرپرست مؤمنان!».

غیر قابل فروش

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. امام امیرالمؤمنین، گردآوری: رضی، محمد بن حسین، *نهج‌البلاغه*، قم: انتشارات دارالهجرة، بی‌تا.

۲. امام سجاد علی بن الحسین، *صحیفه سجادیه*، قم، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶ش.

۳. امام صادق علیه‌السلام، *مصباح الشریعه*، بیروت، موسسه اعلمی، ۱۴۰۰ق.

۴. ابن طاووس، علی‌بن موسی، *جمال الأسبوع*، قم، انتشارات رضی، بی‌تا.

۵. بحرانی، حسن بن شعبه، *تحف العقول*، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.

۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.

۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الاختصاص*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۸. پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحه*، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.

۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ش.

۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق.

۱۱. حکیمی، محمدرضا، *الحیاة*، مترجم: احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ش.

۱۲. خزاز قمی، علی بن محمد، *کفایة الأثر*، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ ق.

۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، بی‌جا، مکتبه رضویه، بی‌تا.

۱۴. صدوق، محمد بن علی بن حسین، *الامالی*، بی‌جا: انتشارات کتابخانه اسلامیه، ۱۳۶۲ش.

۱۵. ـــــــــ، *الخصال*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.

۱۶. ـــــــــ، *ثواب الاعمال*، قم: انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۴ش.
۱۷. ـــــــــ، *عیون أخبار الرضا* علیه‌السلام، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ق.
۱۸. ـــــــــ، *کمال الدین و تمام النعمة*، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۷ق.
۱۹. ـــــــــ، *معانی الأخبار*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۱ش.
۲۰. ـــــــــ، *من لایحضره الفقیه*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۲۱. طبرسی، رضی الدین حسن بن فضل، *مکارم الأخلاق*، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۲۲. عروسی حویزی، علی بن جمعه، *نور الثقلین*، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۲۳. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.
۲۴. فخر رازی، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۵. فیض کاشانی، ملامحسن، *المحجة البیضاء*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۲۶. ـــــــــ، *تفسیر الصافی*، تهران، انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ق.
۲۷. ـــــــــ، *الوافی*، اصفهان، کتابخانه امام أمیر المؤمنین، ۱۴۰۶ق.
۲۸. قمی، عباس، *سفینة البحار*، قم، انتشارات اسوه، ۱۴۱۶ق.
۲۹. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، محقق: سید طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷ش.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵ ش.
۳۱. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۳۲. محمدی ری شهری، محمد، *میزان الحکمة*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۳ش.
۳۳. متقی هندی، علی بن حسام الدین ابن قاضی، *کنز العمال*، بیروت: مؤسسة

غیر قابل فروش

الرسالة، ۱۴۰۱ق.

۳۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبة*، تهران، مکتبة صدوق، ۱۳۹۷ق.

۳۵. نوری طبرسی، حسین بن محمدتقی، *مستدرك الوسائل*، قم، مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ق.

۳۶. نراقی، ملا مهدی، *جامع السعادات*، ترجمه سید جلال الدین مجتبوی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۷۷ش.

۳۷. یزدی حایری، علی، *الزام الناصب*، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ۱۴۲۲ق.

غیر قابل فروش